

فراپاد شادی از خانه تا ایران

فراپاد شادی از خانه تا ایران

ششادی بخشی جدا ناپذیراز زندگی و روزگاراست. اگر ما در گذشته شادمانی را در پاره ای از مراسم سنتی داشتیم امروز اما شادی در بسیاری از رویدادهای اجتماعی و حتی سیاسی تجلی یافته است. به بیانی، شادی آن متغیری است که روزگار و روحيات ما تابعی از آن شده است. از سوی دیگر یکی ازهمچترین ضروریات جوامع بشری درصص حاضر «باشااط» زیستن است که طی سالهای اخیر اوضاع نامناسب اجتماعی، اقتصادی و افزایش آسیبهای اجتماعی باعث شده است، شادی و شادمانی در جامعه ما تا اندازه ای کم رنگ شود. در این میان اما می توان به نقش ورزش در افزایش ضریب ششادی در جامعه اشاره کرد که بخش مهمی از سیاستهای مهم فرهنگی بر عرصه یک سرگرمی پاک و ششادمان بودن است. برد و باخت در ورزش مسابقه ورزشی موجب شادی و غم می شود اما پیروزی یک ملی می تواند جامعه را سرسراز و لبریز از شادی کند. اگرچه ما نقش چندانی در برد و یا باخت یک تیم ورزشی نداریم اما باید این حقیقت ساده را یادپذیریم که پیروزی تیم ملی سراسر مین ما در غرق در نشاط و افتخار می کند.

به دلایل سنتی در برخی از ورزشها پیروزی ایران نمود چندانی ندارد مانند پینگ پنگ، دوچرخه سواری و کهنوردی، اما ورزشهای جمعی مانند فوتبال، والیبال و بسکتبال امروزه چنان جوامع را به خود مشغول ساخته که پیروزی و یا باخت تیم چه در حد و اندازه تیمهای باشگاهی و چه در قوت ملی می تواند سونه شادی به راه اندازد به گونه ای که حتی عرصههای دیگر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را نیز تحت تاثیر قرار دهد. امروز ورزش جمعی بویژه فوتبال در ایران (با راگی در آمریکا) چنان اهمیت و جایگاه ویژه ای یافته که در برخی از مسابقات، شاهد حضور چهرههای برجسته سیاسی مانند رئیس دولت و یا حتی رئیس کشور برای تماشاى فوتبال باشند. اکنون با توجه به چنین اهمیتی که فوتبال دارد نمی توان از نقش این ورزش در شاد زیستن مردم چشم پوشید چرا که جوامعی مانند جامعه ایرانی منظر موقعیتی برای ششادی و لذت هستند. منع شادی باعث می شود مردم نتوانند هیجانات مثبت خود را تخلیه کنند. روان شناسان و جامعه شناسان بر این باورند هر جامعه ای که نتواندهیجان خود را تخلیه کند از لحاظ روانی آسیب جدی خواهد دید.

فوتبال در دیر زمان تا کنون همواره هواداران پر و پا قرص خود را داشته است. بسیار دیده ایم که جوانان هیجان زده در اتوبوس، همراه با پرچم و بوق از کنارمان رد می شوند تا ما بدلتیم امروز در فلان ورزشگاه مسابقه فوتبال برگزار می شود. این یاد آوری نشان می دهد بخشی از جامعه جوان و میانسالم می خواهد به سوی فضایی شادو سالم و سرگرم کتنده برود. از سوی دیگر حضور در استادیوم تنها نشان همواره بودن با تیم فوتبال نیست بلکه با شروع مسابقات مهمی چه در قد و قامت لیگ و چه در اندازه جام جهانی نشان از این دارد که هرخانه ای خود را این دیلن مسابقه و با به عبارتی میزبانی آن آماده می کند. در آن زمان هیجانات خلوت و شهرسراست می شود، حتی زحمت کشانی که در خیابان مشغول کار هستند با یک رادیوی کوچک ترازبستوری می کننددر آن اند مسابقه حضور شادی باشند و آنها نیز در انتظار دلق شادی اوری هستند. این حسن شادی ملی و همبستگی ازان بدست نیامده تا ما آن را ازان بفروشیم یا اصلا نادیده بگیریم.

در این نوشتار کوتاه به نکته ای دیگر هم اشاره کنم. پرسش این است آیا اساسا شادی در فوتبال یک رویداد صرفا ورزشی است و یا اینکه باید دخادى ملی تلقی شود؟ ما دانیم که یک واقعه اجتماعی باید جامع و فراگیر باشد تا با توجه به ماهیت پویای خود در پیوند با ساختارها و فرهنگ جامعه شکل بگیرد. این واقعیت اجتماعی و نحوه بروز آن در واقع یک متغیر ارزشمند در فرهنگ ملی ماست که دامنه آن بسیار فراتر از شهر و روستا است. رفتارهای اجتماعی بر مینای فرهنگ هر جامعه شکل می گیرد که می تواند شامل هیجانات مثبت یا منفی باشد. به این روش، مسابقه فوتبال را اگر رویدادی اجتماعی فرضهیر تلقی کنیم آن وقت باید پذیریم که حضور مردم در خیابانها برای پیروزی ایران مثلا در برابر استرالیا و یا آمریکا نه تنها مربوط به فرهنگ و ساختار کلی جامعه ماست بلکه این ساختار برای خود خطوطی را ترسیم می کند که برای هر بازی و یا برای هر بردی و برای هر مغله ای حتی اجتماعی و سیاسی مردم به خیابان نریزند و شادی نکنند، تا وقتی که چنین خطوط ناوشنه ای در جامعه حضور دارد مردم بیشتر به دنبال «فرصت» هستند تا یک رویداد.

فرصت جویی برای ششادی و ششادمانی اگرچه غم و اندوه را تا اندازه ای از جامعه دور می کند اما کشور ما دارای فرهنگها و ساختارهای قومی و مذهبی است که حتی شادی برای برد تیم ملی را هم در همان محدوده باید تعریف کرد. مثلا در شهرهای مذهبی شادی برای برد تیم ملی چندان وجهی ندارد اما در پایتخت و شهرهای دیگر این امر ممکن و امکانپذیر است. هر همین اساس نمی توان ششادی مردم را در پیروزی فوتبال امری صرفا فردی یا خانوادگی دانست چرا که تجمات اجتماعی و هزنههای آن به قدری قابل توجه و تأمل است که بررسی ابعاد آن نیازمند بررسی روان شناختی و جامعه شناختی است.

امروز فوتبال دیگر فقط یک ورزش نیست بلکه یک صنعت عظیم اجتماعی – فرهنگی نیز هست. شادی ششادی از پیروزی تیم ملی فوتبال گرچه بسیار لذت بخش و مایه مباهات است اما غم باخت تیم ملی نیز غم مثبتی است که اراده جمعی (بویژه کودکان و جوانان) را در گرایش به ورزش و سالم زیستن و افتخار آفریدن آن هم در سطح ملی را تثبیت می کند.

آغاز سنجش سلامت نوآموزان

طرح سنجش سلامت نوآموزان پیش از ورود به مدرسه با حضور ستولان آموزش و پرورش شهر تهران، مسئولان آموزش و پرورش استثنایی و رئیس گروه سلامت خانواده دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در مرکز سنجش سلامت بهشت آغاز شد.

به گزارش خبرنگار ما، شهناز کریمی، رئیس اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران در این مراسم با تاکید بر اینکه هر چه سنجش سلامت کودکان زودتر انجام شود، مداخلات برای رفع مشکلات احتمالی موثرتر خواهد بود، گفت: پیش بینی می شود امسال ۱۵هزار۵۰۰ نوآموز و ۱۵هزار و ۰۰۰دبستانی در ۱۰پایگاه اولیه مورد سنجش قرار بگیرند.

وی افزود: سال گذشته حدود ۱۰ هزار۱۰۰ نوآموز بدو ورود به دبستان و ۱۵هزار نوآموز پیش از دبستان تحت پوشش طرح قرار گرفتند.

وی با بیان اینکه والدین نوآموزان به نزدیک ترین مدرسه محل سکونت خود مراجعه کنند، گفت: در نهایت جای دمی مناسب دانش آموزان با توجه به وضعیت شان در مدارس مشخص می شود. هزینه سنجش ۲۵هزار تومان است و برای دانش آموزان کم بضاعت به صورت رایگان انجام می شود.

رئیس اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران با اشاره به خدماتدهی در پایگاهها با ۳۳۵ نیرو گفت: یکی از چالشهای ما این بود که سال گذشته مردم به موقع برای ثبت نام مراجعه نمی کردند لذا درخواست می کنیم استمال طبق نوبت‌های داده شده در پایگاهها حضور یابند.

کریمی افزود: هیچ گونه کاغذی در روند سنجش رد و بدل نمی‌شود و نتایج به صورت الکترونیکی در سامانه ثبت می‌شود. ضمناً نیاز به مراجعه به اتاق استثنایی برای دریافت نتیجه نیست. به گفته وی، دو پایگاه تخصصی در غرب و شرق تهران نیز دایر شده است.

مجمدحسن عظیم عراقی، معاون سازمان آموزش و پرورش استثنایی هم در ادامه ضمن تاکید بر نقش پیشگیرانه غربالگری و سنجش سلامت نوآموزان گفت: به عنوان نمونه اگر دانش آموزی درآموز تشخیص داده شود با برخی تمارین می توان ضعف وی در برخی دروس را رفع کرد.

وی افزود: سال گذشته ۳۷هزار کودک پیش دبستانی و یک میلیون و ۳۳۰هزار کودک بدو ورود به دبستان مورد سنجش قرار گرفتند.

عراقی درباره جهش تحصیلی نیز گفت: نسبت سال گذشته نزدیک به ۱۰هزار نفر برای جهش تحصیلی ثبت نام کردند. پیش بینی می شود برای امسال نیز تا ۱۵مردم پایگاههای خود را برای جهش فعال نگه داریم.

وی ادامه داد: متقاضیان در مدرسه تحصیل خود ثبت نام و به پایگاهها برای انجام تست‌های هوش ارجاع می شوند. تاکید داریم شرایط استاندارد تست برقرار باشد تا نتایج صحیح باشد.
پرهیز از جهش تحصیلی دو پایه و چندپایه
نادر جهان آرای، معاون ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران هم در ادامه با تاکید بر اینکه امسال در ۸پایگاه سنجش سلامت انجام می شود، گفت: ترس سنجش در سرنوشت دانش آموزان گزارش داده شد و به بهبود برخی کاستی‌های جسمی و روحی وی کمک می کند. به همین علت هرچقدر سنجش دقیق تر باشد احتمال آسیب دانش آموز در آینده کمتر است. وی افزود: برخی اولیا به مقایسه جهش چندپایه‌اند، از مناطق می خواهم جهش تحصیلی دو پایه و چندپایه را چندان توصیه نکنند. هرچند این تقاضاها نیز روال قانونی اش از طریق کمیسیون‌های خاص و بررسی ضرب هوش با حساسیت بالایی پیگیری می شود و باید دقت کرد که کوچکترین ضریب می تواند تاثیر سویی بر آینده دانش آموز بگذارد.

فراپاد شادی از خانه تا ایران

فراپاد شادی از خانه تا ایران

ششادی بخشی جدا ناپذیراز زندگی و روزگاراست. اگر ما در گذشته شادمانی را در پاره ای از مراسم سنتی داشتیم امروز اما شادی در بسیاری از رویدادهای اجتماعی و حتی سیاسی تجلی یافته است. به بیانی، شادی آن متغیری است که روزگار و روحيات ما تابعی از آن شده است. از سوی دیگر یکی ازهمچترین ضروریات جوامع بشری درصص حاضر «باشااط» زیستن است که طی سالهای اخیر اوضاع نامناسب اجتماعی، اقتصادی و افزایش آسیبهای اجتماعی باعث شده است، شادی و شادمانی در جامعه ما تا اندازه ای کم رنگ شود. در این میان اما می توان به نقش ورزش در افزایش ضریب ششادی در جامعه اشاره کرد که بخش مهمی از سیاستهای مهم فرهنگی بر عرصه یک سرگرمی پاک و ششادمان بودن است. برد و باخت در ورزش مسابقه ورزشی موجب شادی و غم می شود اما پیروزی یک ملی می تواند جامعه را سرسراز و لبریز از شادی کند. اگرچه ما نقش چندانی در برد و یا باخت یک تیم ورزشی نداریم اما باید این حقیقت ساده را یادپذیریم که پیروزی تیم ملی سراسر مین ما در غرق در نشاط و افتخار می کند.

به دلایل سنتی در برخی از ورزشها پیروزی ایران نمود چندانی ندارد مانند پینگ پنگ، دوچرخه سواری و کهنوردی، اما ورزشهای جمعی مانند فوتبال، والیبال و بسکتبال امروزه چنان جوامع را به خود مشغول ساخته که پیروزی و یا باخت تیم چه در حد و اندازه تیمهای باشگاهی و چه در قوت ملی می تواند سونه شادی به راه اندازد به گونه ای که حتی عرصههای دیگر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را نیز تحت تاثیر قرار دهد. امروز ورزش جمعی بویژه فوتبال در ایران (با راگی در آمریکا) چنان اهمیت و جایگاه ویژه ای یافته که در برخی از مسابقات، شاهد حضور چهرههای برجسته سیاسی مانند رئیس دولت و یا حتی رئیس کشور برای تماشاى فوتبال باشند. اکنون با توجه به چنین اهمیتی که فوتبال دارد نمی توان از نقش این ورزش در شاد زیستن مردم چشم پوشید چرا که جوامعی مانند جامعه ایرانی منظر موقعیتی برای ششادی و لذت هستند. منع شادی باعث می شود مردم نتوانند هیجانات مثبت خود را تخلیه کنند. روان شناسان و جامعه شناسان بر این باورند هر جامعه ای که نتواندهیجان خود را تخلیه کند از لحاظ روانی آسیب جدی خواهد دید.

فوتبال در دیر زمان تا کنون همواره هواداران پر و پا قرص خود را داشته است. بسیار دیده ایم که جوانان هیجان زده در اتوبوس، همراه با پرچم و بوق از کنارمان رد می شوند تا ما بدلتیم امروز در فلان ورزشگاه مسابقه فوتبال برگزار می شود. این یاد آوری نشان می دهد بخشی از جامعه جوان و میانسالم می خواهد به سوی فضایی شادو سالم و سرگرم کتنده برود. از سوی دیگر حضور در استادیوم تنها نشان همواره بودن با تیم فوتبال نیست بلکه با شروع مسابقات مهمی چه در قد و قامت لیگ و چه در اندازه جام جهانی نشان از این دارد که هرخانه ای خود را این دیلن مسابقه و با به عبارتی میزبانی آن آماده می کند. در آن زمان هیجانات خلوت و شهرسراست می شود، حتی زحمت کشانی که در خیابان مشغول کار هستند با یک رادیوی کوچک ترازبستوری می کننددر آن اند مسابقه حضور شادی باشند و آنها نیز در انتظار دلق شادی اوری هستند. این حسن شادی ملی و همبستگی ازان بدست نیامده تا ما آن را ازان بفروشیم یا اصلا نادیده بگیریم.

در این نوشتار کوتاه به نکته ای دیگر هم اشاره کنم. پرسش این است آیا اساسا شادی در فوتبال یک رویداد صرفا ورزشی است و یا اینکه باید دخادى ملی تلقی شود؟ ما دانیم که یک واقعه اجتماعی باید جامع و فراگیر باشد تا با توجه به ماهیت پویای خود در پیوند با ساختارها و فرهنگ جامعه شکل بگیرد. این واقعیت اجتماعی و نحوه بروز آن در واقع یک متغیر ارزشمند در فرهنگ ملی ماست که دامنه آن بسیار فراتر از شهر و روستا است. رفتارهای اجتماعی بر مینای فرهنگ هر جامعه شکل می گیرد که می تواند شامل هیجانات مثبت یا منفی باشد. به این روش، مسابقه فوتبال را اگر رویدادی اجتماعی فرضهیر تلقی کنیم آن وقت باید پذیریم که حضور مردم در خیابانها برای پیروزی ایران مثلا در برابر استرالیا و یا آمریکا نه تنها مربوط به فرهنگ و ساختار کلی جامعه ماست بلکه این ساختار برای خود خطوطی را ترسیم می کند که برای هر بازی و یا برای هر بردی و برای هر مغله ای حتی اجتماعی و سیاسی مردم به خیابان نریزند و شادی نکنند، تا وقتی که چنین خطوط ناوشنه ای در جامعه حضور دارد مردم بیشتر به دنبال «فرصت» هستند تا یک رویداد.

فرصت جویی برای ششادی و ششادمانی اگرچه غم و اندوه را تا اندازه ای از جامعه دور می کند اما کشور ما دارای فرهنگها و ساختارهای قومی و مذهبی است که حتی شادی برای برد تیم ملی را هم در همان محدوده باید تعریف کرد. مثلا در شهرهای مذهبی شادی برای برد تیم ملی چندان وجهی ندارد اما در پایتخت و شهرهای دیگر این امر ممکن و امکانپذیر است. هر همین اساس نمی توان ششادی مردم را در پیروزی فوتبال امری صرفا فردی یا خانوادگی دانست چرا که تجمات اجتماعی و هزنههای آن به قدری قابل توجه و تأمل است که بررسی ابعاد آن نیازمند بررسی روان شناختی و جامعه شناختی است.

امروز فوتبال دیگر فقط یک ورزش نیست بلکه یک صنعت عظیم اجتماعی – فرهنگی نیز هست. شادی ششادی از پیروزی تیم ملی فوتبال گرچه بسیار لذت بخش و مایه مباهات است اما غم باخت تیم ملی نیز غم مثبتی است که اراده جمعی (بویژه کودکان و جوانان) را در گرایش به ورزش و سالم زیستن و افتخار آفریدن آن هم در سطح ملی را تثبیت می کند.

نمایشگاه بین المللی قرآن کریم دارای دبیر خانه دائمی شد



معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت: دبیرخانه دائمی نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تشکیل شد و امیدواریم در دوره‌های بعد با قوت بیشتر به فعالیت خود ادامه دهد.

به گزارش ایرسا، عبدالهادی فقهی‌زاده روز دوشنبه در نشست خبری تشریح دستاوردهای بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم افزود:سطح جذابیت‌های بصری در نمایشگاه امسال ارتقاء یافت و این باعث شده که میزان استقبال از نمایشگاه از سوی طیف‌های مختلف جامعه افزایش یابد.

وی با اشاره به سه رویکرد اصلی نمایشگاه بین المللی قرآن کریم اظهار داشت: «ایجاد تعامل سازنده با نخبگان و فعالان قرآنی»، «رویکرد دانش بنیان و تقویت سطح محتوای نمایشگاه» و «برنامه‌محوری با رویکرد تحول‌گرایانه و نو آفرانه سه رویکرد اصلی نمایشگاه بود.

معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت که تعامل خوبی در طول برگزاری بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم با رسانه‌ها داشته و توانسته اند از نقطه نظرات رسانه‌ها برخوردار شوند.

رییس بیست و ششمین

مراسم آئین دیدار «سفر سهراب»

بر گزار می شود

مراسم آئین دیدار فیلم «سفر سهراب» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی امید عبدالهی روز چهارشنبه ششم تیر ساعت ۱۸۳۰ در موزه سینما برگزار می‌شود.

دراین مراسم که با حضور عوامل فیلم و اهالی رسانه برگزار می‌شود ابتدا پوستر این فیلم امضا شده و پس از برپایی آئین افتتاحیه فیلم مستند «سفر سهراب» به نمایش درمی آید.

«سفر سهراب» مستند پرتزهای درباره سهراب شهیدالثالث به عنوان یکی از آغازگران سینمایی نئون ایران است که در مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی تولید شده و بخش‌های مهمی از زندگی و کار این فیلم‌ساز را هم‌چون زمانی که موفق به ساخت فیلم‌های «یک اتفاق ساده» و «طبیعت بی‌جان» شد، به تصویر کشیده است. شهیدالثالث دارای فیلم ۲۵ فیلم کوتاه و مستند است و بیشتر آثارش موضوعاتی اجتماعی دارد.

بر گزاری نمایشگاه «اولین شاهنامه شیشه‌ای جهان» در مجموعه سعد آباد

نمایشگاه «اولین شاهنامه شیشه‌ای جهان»، بازسازی شده از شاهنامه نسخه عهد تیموری، در ۶ تا ۱۳ تیر در نگارخانه و مرکز هنری سعدآباد برگزار می‌شود.

به گزارش ایبنا، آئین افتتاحیه این نمایشگاه از ۱۷ تا ۱۹ روز چهارشنبه ۶ تیر برگزار خواهد شد. این نمایشگاه به همت کاتب سبز سعدآباد برگزار می‌شود و شامل ۱۹ اثر نقیص از شاهنامه نسخه عهد تیموری، در ابعاد ۴۰×۷۰ سانتی متر است که پس از ۲ سال مطالعه، ترمیم و بازسازی تصاویر، از سوی استاد مرصیه سادات کامیانی و هنرمندان یاسمن سیاوشی، طافمه کهلویی و سید مریم کریمیان، برای اولین بار به‌صورت مجموعه تصاویر شاهنامه بر پشت شیشه ثبت شده است.

نسخه نقیص و نیایاب شاهنامه عهد تیموری، با نقوشی خاص، سبک نگارگری و نظیر و رنگ‌های بسیار زیبا و درخشان، میراثی ارزشمند است که در گنجینه تحت خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و ثبت و بازسازی آن برروی شیشه نسبتاً آسان، گروهی را ناشی در جهت معرفی اثر و همچنین احیای هنر نقاشی پشت شیشه است.

علاقه‌مندان هنر می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه از ۶ ای ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۷ ساعت ۱۰ تا ۱۸ تا نگارخانه و مرکز هنری سعدآباد به نشانی میدان تجریش، میدان دربند، مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد مراجعه کنند.

اخبار داخلی

توانست این رویداد قرآنی را منعکس کند اما ما با مشارکت شهرداری تهران و برخی ارگان‌های دیگر توانستیم تبلیغات محیطی این نمایشگاه را انجام دهیم و مخاطبان بسیاری را جذب نمایشگاه قرآن کنیم. این پژوهشگر قرآنی در عین حال اظهار داشت که صدا و سیما و برخی شبکه‌ها در جمله تجاری‌باران و شبکه قرآن در نمایشگاه فعال بودند اما برخی شبکه‌های دیگر که می‌توانستند انعکاس خوبی از این نمایشگاه انجام دهند، انتظارها را برآورده نکردند.

رییس بیست‌وششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم درباره تجلیل از خادمان قرآن کریم نیز گفت: یکی از ارکان اساسی تجلیل از خادمان قرآن کریم، حضور رییس جمهوری است، ما نیز برای برگزاری این برنامه با دفتر رییس جمهوری مکاتبه کرده و دعوت کرده ایم اما به دلیل تراکم برنامه‌ها، مهابیش امسال هنوز برگزار نشده است.

وی با بیان این نکته که تجلیل از خادمان قرآن کریم اختصار، به مشکلات توجه جدی داریم و امیدواریم با مشارکت موثر بخش‌های دانشگاهی آموزشی و استراتژیک کارگاه‌های مشترک با سلالهی آینده شاهد کمرنگ شدن آن باشیم. رییس بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم گفت: غیبت نهادهای اصلی قرآن کشور در برگزاری بزرگترین جشنواره این باعث شده که میزان استقبال از نمایشگاه از سوی طیف‌های مختلف جامعه نیز پس از یک دوره قوت و سودف احیا شده و شاهد فعالیت دوباره بخش بین‌الملل در بیست و ششمین نمایشگاه بودیم.

معاون قرآن و عترت نمایشگاه گفت: «ایجاد تعامل سازنده با نخبگان و فعالان قرآنی»، «رویکرد دانش بنیان و تقویت سطح محتوای نمایشگاه» و «برنامه‌محوری با رویکرد تحول‌گرایانه و نو آفرانه سه رویکرد اصلی نمایشگاه بود.

معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «ایجاد تعامل سازنده با نخبگان و فعالان قرآنی»، «رویکرد دانش بنیان و تقویت سطح محتوای نمایشگاه» و «برنامه‌محوری با رویکرد تحول‌گرایانه و نو آفرانه سه رویکرد اصلی نمایشگاه بود.

معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «ایجاد تعامل سازنده با نخبگان و فعالان قرآنی»، «رویکرد دانش بنیان و تقویت سطح محتوای نمایشگاه» و «برنامه‌محوری با رویکرد تحول‌گرایانه و نو آفرانه سه رویکرد اصلی نمایشگاه بود.

داده: زبان فارسی عامل وحدت‌بخش ملی است

نشست ویژه شهر کتاب، با عنوان «عصری با مؤمن قناعت» و با حضور علی‌اصغر دادبه، سیدعلی موسوی‌گرم‌ارودی، ابراهیم خنداری، حسن قریبی و علی‌اصغر محمدخانی در مرکز فرهنگی شهر کتاب شهید بهشتی برگزار شد.

علی‌اصغر محمدخانی ضمن عرض خیر مقدم به میهمان نشست و ارائه پیشنهادی برای مومن قناعت، گفت: شعر معاصر تاجیکستان با چند نام برجسته لایق شنیدلی، بازار صابر، گل‌رخ‌سار صفی‌اوا و مومن قناعت شناخته می‌شود. مومن قناعت را نیماای شعر میزبانان و سرآمد دوره احیای و نهضت آزادی‌خواهی شعر تاجیک گفته‌اند. در ادامه علی‌اشرف مجتهدنشینتری، رئیس انجمن دوستی ایران و تاجیکستان که مدت‌ها سفیر ایران در تاجیکستان بوده است گفت: استاد مومن قناعت شخصیت ویژه‌ای بود که اگر بخواهیم از صلابت شخصیت او حرف بزنیم، باید او را به کوه‌های پامیر مانند کیمر، برداختن او به زبان فارسی و سرودن شعر به این زبان و پیش، خود به فراتر بودن شعر نشان‌دهنده این است که او چقدر برای زبان فارسی اهمیت قائل بود است. دیگر شاعران تاجیک هم به زبان و شعر فارسی پرداخته‌اند، اما شلههتی که مومن قناعت در این رابطه خرج کرد، نشان‌دهنده این است که این شاعران خیلی زودتر از دیگران با اهمیت مسئله آگاه بودند و سعی کردند جامعه را هم به آن سمت هدایت کنند.

سید مصطفی شاه میرزا، نماینده سفیر تاجیکستان در ایران دیگر میهمان نشست بود که پیام سفیر تاجیکستان برای این نشست را قرائت کرد. سیدعلی موسوی‌گرم‌ارودی، نماینده شاعر و پژوهشگر، بیان کرد که موضوع شعر تاجیکستان و ایران، نشان‌دهنده این است که مومن قناعت در آثار شاعران به جست‌وجوی رنگ‌های درخشان فرجه بپردازیم، نه اینکه نمونه‌های نازل یا متنگلات شعرشان را پیش چشم آوریم.

وی در ادامه به طور خاص به مومن قناعت پرداخت و اشاره به اینکه مومن قناعت دارای بیش از ۴۰ اثر در شعر، پژوهش و ترجمه است، برخی از آثار او را نام برد و شعرش را این شاعر تاجیک با عنوان «صربشکار» را به عنوان ختم ختام صحبت‌های خود قرائت کرد.

حسن قریبی، عضو فرهنگستان

درخواست وزیر ارشاد برای ورود نهادهای نظارتی به موضوع کاغذ



ضروری خواند.

به گزارش ایبنا، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور رفع موانع موجود در اجرای مصوبه دولت در رابطه با تخصیص ارز حمایتی به کاغذ، در نامه‌ای به وزیر صنعت، معدن و تجارت، ضمن تاکید بر اهمیت حمایت از فعالان پرشمار صنعت نشر و مطبوعات، خواستار ورود موثر ارگان‌های نظارتی به موضوع کاغذ شد.

نام نامه سیدعباس صالحی به شرح زیر است:

وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت

همانگونه که مستحضریذ، با توجه به نیاز کشور به واردات کاغذ چاپ و تحریر و همچنین ضرورت حمایت از بخش مهم و اثرگذار صنعت نشر و مطبوعات، هیات محترم دولت در اقدامی منطقی و هوشمندانه به منظور حمایت از فعالان پرشمار حوزه‌های مذکور و رفع نیاز کشور و نیز ایجاد ثبات و تعادل در بازار، کاغذ را در زمره کارگزارهای اساسی کشور قرار داده، با تخصیص ارز حمایتی (۳/۸۰۰ تومان) موجبات آراش بازار و بهره‌برداری مناسب تولیدکنندگان و مصرف کنندگان حوزه فرهنگ را به نحو مطلوب فراهم آورد. ضمن قدردانی از تلاش ارزشمند جناحی‌های و همکاران محترمان در ایجاد کارگروه کاغذ که با هدف رصد، پایش و کنترل موفقه‌های مختلف، اثرگذار این حوزه، فعالیت و تلاش نموده است به من اطلاع می‌رساند، متأسفانه طی هفته‌های اخیر با منفعت‌طلبی سودجویان پی‌سنجولیت، اقدامات چند لایه حمایتی دولت در این زمینه کم اثر شده و شاهد افزایش بی‌رویه و غیر اصولی قیمت کاغذ چاپ، تحریر و روزنامه در بازار هستیم.

با توجه به همکاری خوب بانک مرکزی در اختصاص ارز ویژه به انواع کاغذهای یادشده و ورود صدها تن کاغذ با نرخ مذکور، افزایش بی‌رویه قیمت کاغذ فاقد هرگونه توجیه منطقی است. از این رو موجب امتنان است، دستور فرمایید در اسرع وقت ارگان‌های نظارتی مرتبط به ویژه سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تعوزات حکومتی با ورود موثر به موضوع کاغذ، راه را بر منعت طلبان سودجو بسته و آراش مطلوب را به این بازار آزادسازیگ کاغذ برگردانند.

یادآور می‌شود پس از افزایش قیمت کاغذ در ماه‌های اخیر که موجب التهاب بازار صنعت نشر کشور شد و به تبع آن قیمت کتاب و روزنامه نیز افزایش یافت؛ بررسی موضوع در اولویت کار دولت قرار گرفت و به این منظور کارگروه ویژه‌ای تشکیل و پس از جلسات مشترک میان وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی و صنعت، معدن و تجارت و رئیس بانک مرکزی، کاغذ در فهرست کالاهای اساسی قرار گرفت و ارز حمایتی ۳۸۰۰ تومان به این تخصیص یافت که با وجود اختصاص ارز حمایتی، روند صعودی قیمت کاغذ همچنان ادامه داشته است.



تهران ششمال، به عنوان آخرین سخنران این نشست گفت: در دنیا با پهلوانان بزرگان دشمنی می‌شود. بزرگترین دشمنان هویت ما خود ما هستیم و همین دلیل بر این است که این زبان و هویت اقتدر استوار است که نزدیکان رد رو و از پشت خنجر زدند، بازهم باقی ماندند. می‌ماد اما باید کشید مومن قناعت و همه آن‌هایی که آنجا مردانه ایستادند، خرمندانه و تدبیر و شهامت به خرج دادند. زمانی در تاجیکستان مردم را به خاطر اینکه به زبان‌نیکانشان صحبت می‌کردند، به سبیری رها می‌کردند و به این میزان با زبان و هویت ما دشمنی بود. البته هنوز هم این دشمنی‌ها ادامه دارد و دشمنان اصلی زبان و هویت ما همان‌ها هستند.

وی در ادامه بیان کرد می صدای بلند می‌گرم که زبان فارسی موجب وحدت ماست. جایی که مومن قناعت‌ها بودند، جایی بود که زبان و فرهنگ من و ششما بعد از ظهور دوره اسلامی در آنجا یعنی بخارا، ظهور کرد و شکل گرفت علامه طباطبایی و مدبر گروه زبان و ادبیات فارسی و در آنجا بود که آنجا شکل گرفت و بعد به سایر جاها رفت.

کتاب «اخلاق و مبارزه» در حسینیه جماران رونمایی می‌شود



آئین رونمایی از مجموعه دوجلدی «اخلاق و مبارزه» خاطرات مرحوم حاج‌الاسلام والمسلمین سید مهدی طباطبایی، چهارشنبه ۶ تیرماه در حسینیه جماران برگزار می‌شود.

آئین رونمایی از مجموعه دوجلدی «اخلاق و مبارزه» خاطرات مرحوم حاج‌الاسلام والمسلمین سید مهدی طباطبایی،

روز چهارشنبه ۶ تیرماه به همت انتشارات عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و با حضور سیدحسن خمینی در حسینیه جماران برگزار می‌شود. مرحوم طباطبایی در این مجموعه با شیوه گفتاری مرسوم به خود به بازگویی خاطراتش پرداخته است.جلد نخست از این کتاب به بازگویی خاطرات شخصی آن مرحوم از زندگی و فعالیت سیاسی و اجتماعی تا سال ۱۳۵۷ اختصاص دارد و در جلد دوم نیز خاطرات وی از بهمن ۵۷ تا انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ روایت شده است.این خاطرات به دلیل فعالیت‌های گسترده سیاسی و اجتماعی مرحوم طباطبایی بویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز در ایام حضور در مجلس فتنم و تهران ثبت شده و طی سال های اخیر پس از حواشی دولت محمود احمدی‌نژاد بسیار خواندنی و قابل توجه است.

این مجموعه خاطرات در سال های ۸۸-۱۳۷۸ در محل منزل حاج‌الاسلام طباطبایی در تهران ثبت شده و طی سال های اخیر پس از بارها بازبینی، تکمیل و به تایید ایشان رسیده است.

کتابخانه آموزشی

شرایط پذیرش دستیار تخصصی فوق تخصص رشته‌های محروم

معاون آموزشی وزارت بهداشت با اشاره به مصوبه شورای آموزش پزشکی و تخصصی گفت: در صورتی که ظرفیت تخصصی محروم در مقطع فوق تخصصی تکمیل نشود، ظرفیت خالی با افرادی که در آزمون تخصصی همان رشته پذیرفته شده‌اند یا اخراز شرایطی خاص – تکمیل می‌شود.به گزارش ایبنا، دکتر باقر لاریجانی معاون وزیر و دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی و معاون آموزشی وزارت بهداشت با اشاره به اینکه برخی رشته‌های فوق تخصصی در شدت در کشور نیاز هستند پذیرش تخصصی دستیار در رشته‌های فوق تخصصی بالینی به مقیاضی حسب نیاز کشور از مقطع پزشکی عمومی یکی از مصوبات هشتاد و نهمین نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی بود.دکتر لاریجانی گفت: براساس این مصوبه دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی مجاز است در رشته‌هایی که بر اساس نیازسنجی انجام شده محروم تشخیص داده شده و به دنبال پذیرش از طریق آزمون پذیرش دستیار تخصصی سالانه ، پس از تراز نمودن آزمون، به دلیل عدم حضور، دوطالب کافی یا عدم دستنیایی واطلبان به حداقل نمره مجاز پذیرش ظرفیت خالی داشته یا ظرفیت‌های اعلامی تکمیل نشده اند نسبت به تکمیل ظرفیت این رشته‌ها اقدام شود.

کاهش تعداد موسسات آموزشی

معاون آموزشی وزیر علوم در راستای طرح آمایش آموزش عالی به کاهش تعداد موسسات آموزش عالی اشاره کرد و گفت: تعداد این موسسات از ۲ هزار و ۰۰۰موسسه در سال ۹۲ به ۱ هزار و ۲۰۰موسسه کاهش یافته است.مجتبی شریعتی نیاسر در گفتگو با مهر با اشاره به طرح آمایش آموزش عالی گفت: در ارتباط با این طرح کانهای اساسی برداشته شده است که می توان به کاهش بخش دانشجویی اشاره کرد به طوری که جمعیت دانشجویی از ۴ میلیون و ۸۰۰هزار دانشجوی در سال ۹۲به ۴ میلیون و ۷۰۰هزار دانشجوی رسیده است.معاون آموزشی وزارت علوم افزود: ا برنامه‌هایی دیگری که در راستای طرح آمایش آموزش عالی صورت گرفته می توان به ساماندهی موسسات در حال توسعه اشاره کرد که برای هرکدام یک ماوریت محوری پیش بینی شده است.وی افزود: همچنین سال تحصیلی ۹۸-۹۷مهارت افزایی و ارتقاء توان اشتغال پذیری دانشجویان نام گذاری شد و طرح جامعی برای آن تدوین شده که از مهر ما اجرایی می شود.

منوعیت تدریس با مدرک ارشد معادل در دانشگاه‌های غیردولتی

وزارت علوم در بخشنامه ای قوانین و ضوابط مربوط به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی را اعلام کرد. به گزارش مهر، عبدالرضا باقری، قائم مقام وزیر و رئیس مرکز هیات امانا و هیات ممیزه وزارت علوم در بخشنامه ای که نمایندگان وزیرعلوم در هیات امنای دانشگاهها و موسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی اعلام کرد در بکارگیری اعضای هیات علمی برای حق التدریس از اساتید بازنشسته یا شاغل در رشته‌های مراکز استان که دارای حکم هیات علمی مورد تایید وزارت علوم هستند، استفاده شود. وی تاکید کرد: بکارگیری افراد با مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد معادل برای تدریس در این موسسات ممنوع است.

خطر تخصیص سهمیه برای ورود به رشته‌های علوم پزشکی
معاون آموزش سابق دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: تخصیص سهمیه بدون توجه به اینکه چه هدفی از این کار دنبال می‌شود به خصوص در گروه علوم پزشکی که افراد پس از فراغت از تحصیل، بلافاصله مجوز کار پیدا می‌کند و با سلامت و جان مردم در ارتباط خواهند بود، می تواند بسیار خطرناک باشد.دکتر محمد حبیبی در گفت و گو با ایسا، در خصوص تصوب ماده واحده‌ای در مجلس شورای اسلامی مبنی بر افزایش سهمیه ۲ درصدی ورود به دانشگاه برای خانواده‌های ایثارگران، اظهارکرد:به طور معمول اگر شخصی در رشته‌ای از سایر علوم فارغ‌التحصیل شود به محض فارغ‌التحصیلی مجوز کار نخواهد داشت، اما در رشته‌های علوم پزشکی به این صورت است که بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی فرد می‌تواند به کار طبابت بپردازد و نیز تایید و آزمون دوباره نیست.معاون آموزشی سابق دانشگاه علوم پزشکی تهران، تاکید کرد: این روش افزایش سهمیه‌ها که مجلس شورای اسلامی تصوب کرده است منجر به افت کیفیت خواهد شد بخصوص که این سهمیه‌ها بدون توجه به ورودی سهمیه‌های سابق است.

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید کنتور تکفاز و سه فاز الکترونیکی مورد نیاز خود از تولید کنندگان داخلی واجد شرایط اقدام نماید.

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید کنتور تکفاز و سه فاز الکترونیکی مورد نیاز خود از تولید کنندگان داخلی واجد شرایط اقدام نماید.

شرح مختصری از کالای نوع، کمیت و کیفیت کالای:

شرح	کنتور تکفاز الکترونیکی	کنتور سه فاز الکترونیکی
شماره مناقصه	۹۷۱۰۱۰۱۵	۹۷۱۰۱۰۱۶۶
مقدار	۶۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰
واحد	دستگاه	دستگاه
مبلغ ضمانتنامه (ریال)	۱,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۵۴۰,۰۰۰,۰۰۰
مهلت فروش اسناد	۱۳۹۷/۰۴/۰۵ لغایت ۱۳۹۷/۰۴/۱۰	
مهلت تحویل اسناد مناقصه به دستگاه مناقصه گزار	تا ساعت ۱۶:۴۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۲	
تاریخ بازگشایی	ساعت ۱۴ روز سه شنبه تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۴	ساعت ۱۶ روز سه شنبه تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۴
صلاحیت و تاهبهانیه لازم	ارائه گواهی کتبی مبنی بر تأمین الزام صیقلیت کنتور در برابر اعمال میدان مغناطیسی دائم از آزمایشگاه مرجع پژوهشگاه نیرو الزامی می باشد.	ارائه گواهینامه احراز حداقل استانداردهای تولیدی برای محصول از شرکت تولید الزامی می باشد.
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران - خیابان شهابی بخش جنوبی - شهرک والفجر - انتهای کوه سوم - اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی، سالن جلسات	

موضوع مواد مخدر، بسیار پُرنخ تر و پیچیده‌تر از آنی است که در ظاهر به نظر می‌آید. سود بالای تولید، ترانزیت، خرید و فروش آن، عاملی است تا راه مقابله با آن هر روز پیچیده‌تر از قبل می‌شود. از طرفی، تولید بیشتر، مشتریان بیشتری را می‌طلبد و تولیدکنندگان این مواد خانمان برانداز، هر روز با ترندلی جدید، مشتریان تازه برای خود پیدا می‌کنند. مجموعه اقدامات تولید تا مصرف مواد، سبکی پیوسته دارد که همواره خود را به روز کرده در برابر انواع اقدامات و مانع، از خود انعطاف نشان می‌دهد و در نهایت همه تلاش شمار بیشتری از مردم جهان را گرفتار پندهای خود می‌کند.

تهدیداستراتژیک

شیوع مصرف مواد مخدر در هر جامعه، به سرعت کارایی و توان آن جامعه را کاهش می‌دهد. از این رو مبارزه با آن، از جمله وظایف همه حکومت‌هاست.

آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر به مناسبت روز مبارزه با مواد مخدر، در گفتگو با گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: جامعه بشری با چهار مولفه در دنیای آسودنایک امروز مواجه است: بی ثباتی، غیر قطعی بسودن، پیچیدگی و مبهم بودن.

دکتر حمید صرامی، مدیر کل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر، در این نشست می‌گوید: «در شرایط کنونی، مبارزه با مواد مخدر، موضوعی است که در هر جامعه، به عنوان یک تهدید استراتژیک، چند وجهی و پیچیده، یکی از چهار بحرانی است که بشريت در کنار فقر، مشکلات محیط زیست و معضلات اتمی دارد.

به گفته این مدرس دانشگاه، تولید، عرضه و فروش مواد مخدر، نگاهی سیستماتیک دارد. این سیستم دارای یک سری ویژگی‌هاست. این سیستم هوشمند، فعال، پویا، خلاق، داینامیک است که با برنامه ریزی منسجم برای وارد کردن افراد از سن ۷ الی ۱۰۰ سالگی به استعمال مواد مخدر عمل می‌کند. این سیستم افراد را از همه مشاغل مختلف، از بیکار تا داکتر و مهندس نشانه می‌رود و میان زن و مرد، مجرد و متاهل نیز استثنایی قائل نمی‌شود.

دکتر صرامی می‌افزاید:سیستم تولید،ترانزیت و فروش مواد مخدر با نگاه مشتری مدار، با هدف افزایش سود و ناآرام‌کردن جوانان در جهت جلوگیری از پیشرفت جامع برنامه‌ریزی شده است. این سیستم هیچ گاه احساس خستگی و شکست نمی‌کند و برای لایه‌های مختلف اجتماع و برای ارائه برنامه‌ریزی شده می‌کند. مثلا برای قشری که نیاز به شادی دارد، تبلیغ می‌کند که مواد فلان شادی آور است. برای آن گروهی که محصل است، فلان مواد را مشخص می‌کند و در درون می‌گوید برای تمرکز و حفظیات مفید است. برای کسانی که جاق هستند،دیگر را تبلیغ می‌کند و برای لاغر مورد دیگری را. همه سطوح این سیستم از تولیدکننده در افغانستان تا مصرف کننده در جای جای دنیا، از تولید تا مصرف و ترانزیت

بودن، یکی از مواردی که در مورد مبهم بودن وجود دارد، موضوع مواد مخدر است. مواد مخدر به عنوان یک تهدید استراتژیک، چند وجهی و پیچیده، یکی از چهار بحرانی است که بشريت در کنار فقر، مشکلات محیط زیست و معضلات اتمی دارد.
به گفته این مدرس دانشگاه، تولید، عرضه و فروش مواد مخدر، نگاهی سیستماتیک دارد. این سیستم دارای یک سری ویژگی‌هاست. این سیستم هوشمند، فعال، پویا، خلاق، داینامیک است که با برنامه ریزی منسجم برای وارد کردن افراد از سن ۷ الی ۱۰۰ سالگی به استعمال مواد مخدر عمل می‌کند. این سیستم افراد را از همه مشاغل مختلف، از بیکار تا داکتر و مهندس نشانه می‌رود و میان زن و مرد، مجرد و متاهل نیز استثنایی قائل نمی‌شود.

دکتر صرامی می‌افزاید:سیستم تولید،ترانزیت و فروش مواد مخدر با نگاه مشتری مدار، با هدف افزایش سود و ناآرام‌کردن جوانان در جهت جلوگیری از پیشرفت جامع برنامه‌ریزی شده است. این سیستم هیچ گاه احساس خستگی و شکست نمی‌کند و برای لایه‌های مختلف اجتماع و برای ارائه برنامه‌ریزی شده می‌کند. مثلا برای قشری که نیاز به شادی دارد، تبلیغ می‌کند که مواد فلان شادی آور است. برای آن گروهی که محصل است، فلان مواد را مشخص می‌کند و در درون می‌گوید برای تمرکز و حفظیات مفید است. برای کسانی که جاق هستند،دیگر را تبلیغ می‌کند و برای لاغر مورد دیگری را. همه سطوح این سیستم از تولیدکننده در افغانستان تا مصرف کننده در جای جای دنیا، از تولید تا مصرف و ترانزیت

همه با هم در ارتباطند. این سیستم مرتب خود را ارزیابی می‌کند، وقتی رفتی بسته شود، به سرعت راههای جایگزین پیدا می‌کند.

قیمت ۶ هزار ساله!

همان طور که اشاره شد، سیستم تولید تا توزیع مواد مخدر، سیستمی هماهنگ، هوشمند و منعطف است. اما این سیستم از چه زمانی شروع به فعالیت کرده که تا این حد توانمند است؟ دکتر حمید صرامی در این مورد می‌گوید: «سیستم تولید، ترانزیت و توزیع مواد مخدر، قدمتی ۶۰۰۰ ساله دارد. با این قدمت و با نگاه به اکتا و به یافته‌ها و تجربیات، از مانع عبور می‌کند. در نهایت جامعه بشری از سال ۱۹۰۹ در شانگهای چین، تصمیم به مبارزه با این سیستم کرد و به طور جدی وارد عرصه شد. مبارزه‌ای که هنوز درگیر آن است. طی این ۱۰۹ سال مبارزه، این سیستم نیز هوشمندتر شده و همواره به روز می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که در این ۱۰۹ سال چه چیزی از مبارزه عایدمان شده است؟

امروز ما با دو موضوع جدی در مورد مواد مخدر مواجه هستیم: اول اینکه با رشد فزاینده عرضه روبرو هستیم. به طوری که در ۲۰۰۶ در مجموع ۲۰۸ میلیون نفر در دنیا به مواد مخدر اعتیاد داشتند در حالی که این رقم

می‌شود.

(د) توزع مواد مخدر بیشتر شده و رونق بیشتری دارد.

ها علیرغم آموزش‌ها، سن ابتلا به مواد کاهش پیدا کرده و جوانان و نوجوانان در معرض آن قرار دارند.

(و) مصرف مواد مخدر در زنان شیوع زیادی پیدا کرده است.

(ز) مصرف مواد در میان شاغلین گسترش داشته است.

(ح) خانواده، مدرسه، دانشگاه، محله و حتی

معنای این ارقام این است که جامعه جهانی

و به ویژه دفتر مقابله بسا جرایم و مواد مخدر سازمان ملل اقدامات شایسته‌ای برای مهار رشد فزاینده تولید، ترانزیت و توزیع مواد مخدر انجام نداده است.

به گفته دکتر صرامی، تنها کشوری که به‌طور واقعی و جدی با قاچاق مواد مبارزه کرده، کشور

ما بود که از سال ۱۳۵۸ تا پایان سال ۱۳۹۶، بالغ بر ۱۰ هزار تن مواد مخدر و وروانگرد کشف

و امحا نموده است. در این مسیر، ایران ۲۸۰۰ شهید و ۱۲۰۰۰ جانباز داشته است و پرچمدار

گزارش

ناش از مصرف مواجهیم.

در موضوع پنهانست، خساراتی که متوجه جامعه ماست، قبل از هر چیز مرگ و میر

معناتان است. اعتیاد دومین عامل مرگ و میرهای غیر طبیعی کشور است و روزانه به‌طور متوسط ۷

تا ۱۰ نفر از هموطنانمان به دلیل عوارض ناشی از مصرف جان خود را از دست می‌دهند.

در موضوعات اجتماعی نیز مواد مخدر، مشکلات ساز است به طوری که اعتیاد به عنوان

علت بسیاری از جرایم شناخته می‌شود. ۶۵ درصد موارد همسازاری، ۵۵ درصد طلاق‌ها،

گفت: هزینه‌های پیشگیری، درمان و صیانت اجتماعی، هزینه‌هایی است که به جامعه تحمیل می‌شود.

پیام‌های دروغ

اما چطور ممکن است افراد، با علم به خسارات بیشماري که مواد مخدر تحمیل می‌کند

باز هم به سمت آن می‌روند و بازار مصرف این مواد هر روز بزرگتر می‌شود؟

دکتر صرامی در این باره توضیح می‌دهد:

فریب‌های فرهنگی، نگرش‌ها و باورهای غلط را از طریق ابزارهای خود ایجاد می‌کنند. شبکه‌های

وی کارکرد خسرده نظام‌های اقتصادی را ایجاد اشتغال عنوان می‌کند و می‌گوید: به هر

میزان که خرده نظام‌ها بتوانند اشتغال ایجاد کنند، مصرف فقر و در نتیجه کاهش مصرف موثرند.

خرده نظام‌های فرهنگی نیز با کارکردهای دستگاه‌های فرهنگی بتوانند جنس انقلاب امام و

ارزش‌ها، باورهای ستوده و سبک زندگی ایرانی را ترویج کنند، آنگاه ما با فرهنگ پذیري و انسجام

در اصول فرهنگی مشترک مواجه می‌شویم که می‌تواند بسیار موثر در کنترل مصرف باشد.

یکی از ارکان مبارزه با مواد مخدر، پیشگیری است. رویکرد اول ستاد مبارزه با مواد مخدر در

مکررانی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

می‌شوند و معناتان متجاهر با ۳۳۱ درصد بیشتر

از دیگر معناتان جلب شده اند. در مجموع ۱۰۳ هزار نفر خودشان به مراکز مراجعه کرده‌اند.

با وجود همه رشدی که در این زمینه داریم، لازم است درمان ترک معناتان مشمول پوشش بیمه‌ای باشد.

۲۴۰۰ سزاهان مردنهان در کل کشور در امر ترک اعتیاد و مبارزه بسا مواد مخدر فعال

هستند. باید گفت هر مقدار که سازمان‌های متولی، مردهم‌تری باشند، در جلب اعتماد موثرتر است و مراجعات بیشتری به آن می‌شود.

دکتر صرامی پیشگیری و فعالیت‌های فرهنگی، مبارزه با عرضه شامل جلوگیری از

ورود مواد مخدر به کشور و مقابله با قاچاقچیان، بازتوانی معناتان و زیانکاهی، صیانت اجتماعی

از معناتانی که بهبود یافته‌اند را ارکان مبارزه با مواد مخدر عنوان می‌کند و ادامه می‌دهد: یکی

از پایگاه‌های مهم پیشگیری رسانی مالی باید باشد که با برنامه‌های جذاب، باشناط و پویا برای

انتقال روش‌های پیشگیرانه به جوانان و اصحاب امر پیشگیری، اجتماع محور است. بر این اساس،

بر توانمند سازی اجتماعی تمامی آحاد اجتماع شبکه‌های ماهواره‌ای کاسته می‌شود. وزارت

آموزش و پرورش نیز برای ۲۱ میلیون خانواده دانش آموزان باید برنامه مشخصی داشته باشد و

برای افزایش نرخ سطح پوشش نیز کام بردارد.

یکی از ارکان مبارزه با مواد مخدر، پیشگیری است. رویکرد اول ستاد مبارزه با مواد مخدر در

مکررانی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

مکراتی و ۱۰ درصد جرایم مالی به دلیل مصرف مواد مخدر است.

اطلاعات

بهشتی به هدفش رسید

دکتر مهدی محقق

اشاره: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مراسمی در گرامیداشت شهید مرحوم آیت‌الله دکتر محمد حبیبی بهشتی برگزار کرد که از جمله دانشمندی بزرگوار استاد مهدی محقق – ریاست محترم هیأت امنای انجمن آثار و مفاخر فرهنگی – به ایراد سخن پرداختند و از منظری دیگر دریچهای برای شناخت آن شهید مظلوم گشودند. آنچه در پی می‌آید، بخشهایی از آن سخنان است.

اولین باری که من با مرحوم شهید بهشتی آشنا شدم در مدرسه عالی سپهسالار که الان شهید مطهری نامیده می‌شود بود. در آن وقت ایشان آمده بودند که وارد دانشکده الهیات و معقول و منقول بشوند و من هم از مشهد آمده بودم. بعد من از تهران به مشهد برای درک محضر مرحوم ادیب نیشابوری رفته و هر دو در آنجا با هم دیدار کردیم. نخستین چیزی که از برجستگی‌های مرحوم شهیدبهشتی به نظر آمد، این بود که دیدم یک کتاب قطوری زیر بغل دارند. پرسیدم این چه کتابی است؟ فرمودند: «دایره‌المعارف اسلامی که رنگی‌ها نوشته‌اند» من تا آن زمان اسم این کتاب را نشنیده بودم. ایشان فرمودند: «ما باید بدانیم که دیگران درباره اسلام چه فکر می‌کنند، بنابراین باید این کتاب‌ها را بخوانیم.» بعد من متوجه شدم که ایشان زبان انگلیسی را به خوبی می‌دانند و این برآیم خیلی شگفت‌آور بود؛ زیرا طلاب توجهی به زبان خارجی نداشتند. در حالی که در صدر اسلام پیغمبر اکرم(ص) به زید بن ثابت امر فرمودند برو و زبان سریانی و عبری را بخوان. زیرا اگر زبان سریانی بدانی با مسیحیان می‌توانی گفتگو داشته باشی و اگر زبان عبری بدانی با یهودیان می‌توانی گفتگو کنی. این نکته را مرحوم شهیدبهشتی خوب دریافت بود که باید زبان را یاد گرفت. بعدها زمانی که ایشان به آلمان رفتند و مسجد هامبورگ را اداره می‌کردند، با توجه به اینکه زبان آلمانی بسیار مشکل است ایشان این زبان را به خوبی آموختند.

در همان زمان من برای شرکت در کنگره بین المللی به شهر مون‌پلیه فرانسه رفته که بیشتر اسلام‌شناسان و خاورشناسان در آن کنگره بودند. یکی از خاورشناسان، پروفسور ایشپور مؤلف کتاب «تاریخ مغول» بودند که در هامبورگ استاد اسلام‌شناسی بود و کتاب‌های ایشان به فارسی ترجمه شده است. ایشان به من که رسید، گفت: «بلا بهشتی را می‌شناسی؟» گفتم: «بله به خوبی می‌شناسم و با ایشان دوست و هم‌بازمه من بودم.» گفتم: «ایشان وقتی به آلمان آمد، حتی یک کلمه آلمانی نمی‌دانست؛ ولی الان به این زبان در مسائل فلسفی و کلامی سخنرانی می‌کنند!»

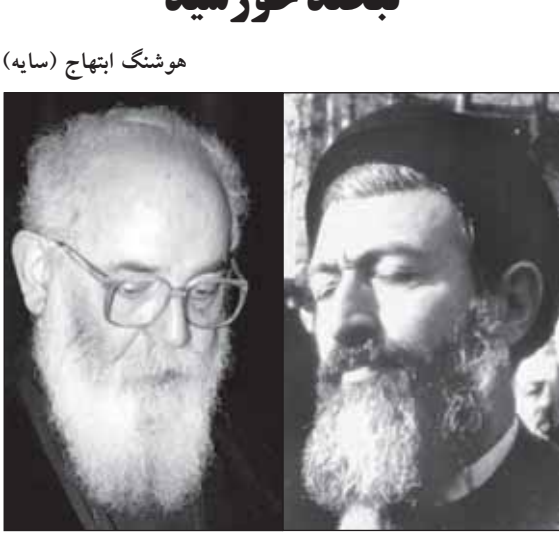
ما چهار نفر بودیم که طلبه بودیم و از حوزه بیرون آمدیم که وارد دانشگاه بشویم؛ من و شهید بهشتی وارد دانشکده معقول و منقول شدم، امام موسی صدر و مرحوم سید محمدرضا علوی تهرانی که هندرس و هم‌بازمه من بودند، وارد دانشگاه حقوق شدند. ما هر چهار نفر حوزه را ترک کردیم، زیرا قصدمان این بود که فضای حوزه برای ما بسیار تنگ بود و ما رسالت وسیعتری داریم. هر یک از ما هدفی داشته و هر چهار نفر هم به هدف خود رسیدیم. مرحوم سید محمدرضا تهرانی می‌گفت: «من در آینده باید یک طرف تهران را بگیرم و یک طرف دیکرش را هم حاج حسن آقای سعید تهرانی بایست بگیرم.» لذا من‌الزمان از آن خیابان سیروس به امیرآباد که مسجدشان آنجا (روبروی پمپ بنزین امیرآباد) بود، آوردند و می‌گفتند: «من اگر اینجا باشم نزدیک گویاگاه دانشجویان هستم و بیشتر می‌توانم نسل جوان دانشجویان را راهنمایی کنم.» وواقعاً هم این کار را کردند و بسیاری از جوانان ناحیه شمال تهران از محضر ایشان استفاده کردند. امام موسی صدر هم هدفش این بود که به کشورهای عربی برود و وحدت میان مسلمانان ایجاد کند و این اشتقاق و جدایی را که میان مسلمانان افتاده و موجب تفرقه شده، از بین ببرد؛ زیرا این تفرقه به سود دشمنان اسلام تمام می‌نشد. این هدف امام موسسی صدر هم تحقق یافت؛ زیرا آن زمانی که ایشان در بیروت بودند، همه جا از ایشان از علم، ذرایت و کوششان در وحدت اسلامی یا به قول معروف «تقریب بین المذاهب الاسلامیه» به عظمت می‌انگشتند.

مرحوم شهیدبهشتی با دانستن زبان انگلیسی و آلمانی هدفش این بود که در خارج از ایران بتواند در میان علم مردم اروپا اثر بگذارد؛ لذا به امر مرحوم آیت‌الله بروجردی به مسجد هامبورگ رفتند و واقعا هم اثر شگفت‌آوری در اروپا گذاشتند.

ما هم هدفم این بود که بتوانم در دانشگاه‌های خارج از ایران راه پیدا کنم و آن هم محقق شدم. من از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ استاد دانشگاه لندن و از سال ۱۳۴۲ تا ۲۸ استاد دانشگاه مگ‌گیل کانادا بودم. در برهه‌ای از زمان نیز به مالتی رفته و برای اولین بار موفق شدم که فلسفه ایرانی یا همان «حکمت متعالیه» را به زبان انگلیسی یا همکارهای یکی از دوستانم ترجمه کنم که در نیویورک چاپ شد. پس من هم به هدف خودم رسیدم و از زمانی که تفسیر مارواظ‌الطبیعه این رشد به زبان لاتین ترجمه شده بود یعنی ۸۰۰ سال یا بیشتر، این اولین بار بود که یک نظام منسجم فلسفی از عالم اسلام به اروپا می‌رفت. یاد می‌آید وقتی که عمامه‌ام را برداشتم، استاد بزرگ و سر بزرگوارم مرحوم شیخ محمدعلی قزوینی آملی گریه کرد و گفت: «خاک بر ما که نمی‌توانیم شماها را نگه بداریم!» گفتم: «استاد، شما یقین بدارید که من از نگه داشتید و نگه‌داشتن به این نیست که حالا عمامه داشته باشم یا نداشته باشم.» وقتی که در تالیفات استاد آملی را به انگلیسی ترجمه کردم و در نیویورک چاپ شد، خدمتشان بردم و نشان دادم، متوجه شدند که درباره من تصور درستی نداشتند.

در هر حال مرحوم شهید بهشتی در آن زمان‌هایی که رساله دکتری خود را می‌نوشتند، می‌آمدند و در «مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگ گیل، شعبه تهران» و اعضایشان هست که چهار کتاب از من اماتن گرفتند که سه تای آن اصلا در تهران پیدا نمی‌شد. تفسیر مارواظ‌الطبیعه این رشد و اویازپاشد که فلسفه هند بود و خود این نشان می‌داد که شهیدبهشتی چقدر پیش قدمی قوی داشت که فکر و اندیشه‌اش را منحصراً به همان کتاب‌های موجود در حوزه نکند و گام خودش را فراتر از آن بگذارد. من چهار نفر کتاب رد و بدل می‌کردیم و هر چهارنفرمان هدفی داشتیم که شکر خدا به آن رسیدیم. شهید بهشتی بعداً اثر شگرفی در انقلاب اسلامی داشت. یکی دو باری تلفن کردند که با حسن طنی که به من داشتند، پیشنهاد کردند که کارهای اجرایی سفارت را در نظر بگیرم و قبول کنم که گفتم: من معلم هستم و شغل معلمی را به هیچ شغل دیگری تبدیل نمی‌کنم. در هر حال خداوند باران‌های رحمت خودش را بر آن شهید مظلوم فریزراند و او را در بهشت‌های برین خود جای دهد.

لبخند خورشید



به مناسبت فاجعه هفتم تیر و شهادت دکتر بهشتی و هفتاد و تن از یاران انقلاب، شاعران بسیاری سروده‌هایشان را در دسترس عموم گذاشتند که از آن میان سرودهٔ شاعر نامدار معاصر، استاد سایه رنگ و بوی دیگری دارد.

بلندا سَرمِ ما، که گر غرقِ خوشن

بیینی، بیینی تو هرگز بزوشن

سرافراز بـِساد آن درخت همایون

کزین سرنگونی، شد سر، نگونش

اشاره: آنچه در پی می‌آید، بخشهایی از خاطرات مرحوم دکتر صادق طباطبایی از شهیدبه آیت‌الله دکتر بهشتی است که به همت «بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های بهشتی بهشتی» در اختیار عموم قرار گرفته است و تخلص شده‌اش تقدیم می‌شود:

آشنایی من با آقای بهشتی به دوران دانش آموزی در دبیرستان دین و دانش قم برمی‌گردد. از همان وقت ستمی که ایشان نسبت به من داشتند، سمت استادی و مرشدی بود. در ایام اقامت ایشان در آلمان نیز در ارتباط با انجمن‌های اسلامی و ضرورت برخورداری از راهنمایی‌های کارساز و حیاتی، با آقای بهشتی در ارتباط بودم. بعد از انقلاب هم در چند مورد با یکدیگر همکاری داشتیم. یک نوع احساس عاطفی و عمیق در وجود من نسبت به آقای بهشتی هست که شاید به دلایلی که ذکر می‌کنم، باشد. اولین دلیل آن نزدیکی بسیار زیاد ایشان با دایایم،

امام موسی صدر بود. علاقه و عاطفه‌ای که نسبت به شخصیت این بزرگوار و هم‌دیرگرم، برای من خیلی آموزنده بود. به دلخواه به آشنایی عمیقی که من نسبت به آقای صدر و افکار و اندیشه‌های ایشان داشتم،طبیعتاستخنی می‌بایست میان آقای

بهشتی و امام موسی صدر وجود می‌داشت که این‌گونه عواطف از آقای صدر نسبت به ایشان و از ایشان نسبت به آقای صدر به وجود آمده بود.

انگیزه دوم، سمت استادی است که ایشان نسبت به من داشتند. من در کلاس‌های هفتم، هشتم و نهم در «دبیرستان دین و دانش» قم، شاگرد آقای بهشتی بودم. ایشان علاوه بر تدریس زبان انگلیسی، کلاس‌های بافکوپرنامه دیگری را نیز با هدف شکوفا کردن استعدادهای مستعد را‌هاندازی کرده بودند که از جمله، «هارت سخنرانی» و «سابقات مقاله‌نویسی» در بین دانش آموزان بود. می‌توانم با قاطعیت بگویم یکی از کسانی که نقش بسیار ایجابی در شکل‌گیری بافت شخصیتی و نگرش فکری من داشت، شهید آیت‌الله بهشتی بود.

سومین دلیل هم به ارتباط و همکاری در مجموعه فعالیت‌ها و تلاش‌های سیاسی – اجتماعی برای اهداف مشترک مربوط می‌شود. البته در مقیاس‌های متناسب با ظرفیت هر یک از ما، ایشان در سطح بالاتر و من در سطحی پایین‌تر، اما هر دو در یک مسیر، هر دو نفر ما در جهت گسترش و اعتلای اسلام، پرورش نسل جوان و ایجاد یک جامعه اسلامی با یک فضای معنوی تلاش می‌کردیم که خوشبختانه‌منجر به تأسیس حکومت اسلامی در ایران شد. این سه نکته، احساس عاطفی عمیقی را در من نسبت به آقای بهشتی به وجود آورده است که زودنی نیست و با قلب و فکر و اندیشه و عاطفه من پیوند خورده است.

مقدّمات عرض کنم که مقدار زیادی از یادداشت‌هایم که به صورت روزانه و بعدها به صورت موردی تقریر می‌کردم، در سه نوبت به سرت رفت. و خاطرات و یادداشت‌های روزانه‌ام از دو مقطع اساسی تاریخ انقلاب، یعنی مقطع شکل‌گیری شورای انقلاب و نقش مرحوم آیت‌الله بهشتی در آن و نظراتی که امام(ره) به صورت موردی داده بودند، نور آخرین سخنان آقای بهشتی در ارتباط با برنامه‌ها و اقدامات ششورای انقلاب که یک هفته، ده روز قبل از آمدن امام به ایران ضبط شده و به پاریس فرستاده شده بود، به همراه یادداشت‌های حاشیه‌ای مربوط به این نور و خاطرات مربوط به مقطع روی کار آمدن دولت موقت از ابتدا تا مرحله استعفاي آن و ماجرای تشکیل دولت مشترک شورای انقلاب و دولت موقت و نقشی که من در آن داشتم، در این ماجرا به سرت رفت...

سه نفر در حوزه علمیه قم رابطه عمیق و صمیمی با هم داشتند: مجدالدین محلاتی، امام موسی صدر و آقای بهشتی. آنها به چند دلیل شاخص بودند: یکی به دلیل ظاهرشان که خوش قیافه و خوش پوش بودند، بسیار باوقار بودند و با طمأنینه رفتار می‌کردند و از منش و بزرگواری خاصی برخوردار بودند

احساس صمیمیت در اولین ملاقات
اولین باری که من آقای بهشتی را دیدم، پائیز سال۱۳۳۴، در بیرونی منزل پادیزرگم مرحوم آیت‌الله سیدصدرالدین صدر در قم بود.م آقای بهشتی و آقای سیدمرتضی جزایری شام همکاران ام‌ام موسی صدر بودند. من به اعتبار اینکه خیلی با آقای صدر مأنوس بودم و ایشان هم علاقه خاص نسبت به من داشتند، به محال ایشان راه داشتم؛ لذا از اندرونی یک ظرف میوه برای همیمان ایشان بردم. وقتی وارد اتاق شدم، امام موسی صدر مرا به میهمانان معرفی کرد. آقای بهشتی با رویی گشاده از من خواستند تا کنارشان بنشینم، من هم نشستم. بعد پرسیدند: «کلاس چندی؟» چه کار می‌کنی؟ از یک حالت تپقند که انسان احساس علاقه‌ای در درونش به وجود می‌آید و در پی آن یک حالت جذبه‌ای ایجاد می‌شود.دعوت ایشان برای نشستن منجر به این شد که من حتی سر سفره شام هم با آنها باشم و شام را با آنان بخورم.

آن شب من شاهد رفاقت بسیار عمیق آقای بهشتی و امام موسی صدر بودم که حکایت از یک دوستی دیرینه با یکدیگر داشت. این واقعیت از احترامی که نسبت به هم‌دیرگرم می‌گذاشتند، کاملاً پیدا بود. البته در آن مقطع زیاد از حرفهای آنان سر در نمی‌آوردم و عمق مطالب آنان را درک نمی‌کردم. برای همین هم چیز زیادی از حرفهایشان به یاد ندارم و تنها رفتار احترام‌آمیزی که

نسبت به هم داشتند، در خاطرم مانده است. از آن شب به بعد هرگاه به طور اتفاقی در خیابان و یا در اماکن عمومی با آقای بهشتی برخورد می‌کردم، همان احساس در درونم بیدار می‌شد.

سه دوست صمیمی

سه نفر در حوزه علمیه قم بودند که رابطه عمیق و صمیمی با هم داشتند. این سه نفر آشیخ خضریو محلاتی، امام موسی صدر و آقای بهشتی بودند. آقای سیدمرتضی جزایری هم که گاه به قم می‌آمدند، نفر چهارم این جمع محسوب می‌شدند. این افراد به عنوان شخصیت‌های حوزوی به چند دلیل شاخص و برجسته بودند: یکی به دلیل ظاهرشان، آنها برخلاف بعضی چهره‌های کج و معوج، بسیارخوش‌طباع، خوش‌برخورد و خوش‌بشوش بودند.در رفت و آمد و در حرکت، بسیار باوقار بودند. در برخورد با رفاذ جامعه، در سلام و علیک‌کردن خیلی با طمأنینه رفتار می‌کردند و از منش و بزرگواری خاصی برخوردار بودند، طوری که

علم، اخلاق، تربیت

مروری بر خاطرات مرحوم دکتر صادق طباطبایی از شهید بهشتی



در حوزه علمیه قم با این ویژگی‌ها شناخته شده و شاخص بودند...

شیوه تربیتی

در همان سه سالی که در دبیرستان دین و دانش تحصیل می‌کردم، خیلی مورد تشویق و عنایت ایشان بودم. علی‌الخصوص در فوق برنامه‌های تحصیلی، در سال دوم ایشان مسابقه‌ای با عنوان بهترین صفت مرد چیست؟ «این همه بچه‌های دبیرستان برگزار شد، نقشی به مسابقه به صورت مقاله‌نویسی برگزار می‌شد. خیلی‌ها دانش و با ایمان را گفته بودند، اما من در مقاله‌ام بهترین صفت مردم را «استقامت» ذکر کرده بودم. آقای بهشتی مقاله مرا برای قرائت در مناسبت بعثت که آن سال در دبیرستان جشن گرفته شد، انتخاب کردند. دو مقاله دیگر هم انتخاب شده بودکه به عنوان بهترین مقالات، قرار شد در آن جشن خوانده شوند. مقاله من نسبتاً طولانی بود، حدود ۵۰ – ۶۰ صفحه می‌شد. علاوه بر آقای بهشتی، آقای مکرم شیرازی و شهید مفتاح هم در آن مراسم حضور داشتند. از دبیران برجسته قم هم برای شرکت در مراسم دعوت شده بود. من مقاله‌ام را تقریباً از حفظ می‌خواندم. در بخشی از مقاله در بیان آیه‌ای از قرآن، مکث کوتاهی کرد تا آیه به ذهنم بیاید. این مکث شاید ۷-۸ ثانیه بیشتر طول نکشید که آقای بهشتی بلند گفتند: «آقای طباطبایی، متن جولیتان برای این است که برای شما دغدغه باشد.» این را با لحنی بیان کردند که من خجالت نكشتم و با یادم رفته است. به این معنا که این یک امر عادی است.متن جا جولیتان می‌گذازد تا از آن کمک بگیرم و اینکه شما از رو نخواندید، خیلی خوب است؛ و گاهی اینکه کردن به من امری طبیعی است... این نحوه برخورد ایشان برای من در آن لحظه خیلی دلچسب و آموزنده بود. آن سال، در بین دانش آموزان مدرسه مرا به عنوان بهترین سخنران اعلام کردند و آقای بهشتی شخصاً به محض سخنرانی‌های مرحوم راشد را با پشت‌نویس من به خود خواندن به من هدیه دادند.

ترویج روحیه تعاون

در سال دوم پیشنهاد انتشار یک روزنامه دیواری به آقای بهشتی دادم. پرسیدند: «مطلب آن را از کجا تهیه می‌کنید؟» گفتم: «از برخی اساتید، دانش‌اموزان و از خود شما، البته اگر مایل باشید.» گفتند: «پس بعد از تهیه

«از نقطه تا نگار» نام کتابی است که شامل چند گفتگوست مفصل و عملیات هنری با مرحوم استاد ادیب برومند می‌شود و به سمت آقای کریم فیضی و انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است. در این کتاب افزون بر مطالب ارجمند هنری، به مناسبت، مطالبی از تاریخ معاصر هم آمده که برای پژوهشگران معنتم است؛ از جمله آنچه درباره مرحومان دکتر کسریعتی و دکتر بهشتی گفته شده است.

مرحوم (دکتر علی) شریعتی را یک بار دیدیم و آن در منزل یکی از رفقای جبهه ملی بود. شام دعوت کرد که رفتیم. آن شب به گفتگو افتخار دکتر شریعتی بود. شایعه کرده بودند که: «شریعتی ساواکی شده است...» می‌گفتند ساواکی شده و علیه او حرف می‌زدند! یک شب آقای مانی که شخص ختری هم در منزل دعوتی کرد از یکسک عده از ملتون، آقای دکتر شریعتی هم از زندان آزاد شده بود، در آن جلسه بود.

آن شب شریعتی گفت: «می‌گویند من ساواکی‌ها شدم؛ من ساواکی نیستم.» مثال نزد که «عثمان وقتی ابیودر را به رنده

تساور درختی که هرچه‌شب بیری فروزن یود شخا و برگ فروزش پی آسمان زه همانا بتوزن زمین واژگون شد از آن تا بنیند در آینهٔ آسمان، واژگونش بلی‌گوی عهدش، بلا آزمایند زهی‌مرد و آن عهد و آن آزمون ز چونی و چندی برون رفت و آخر درینا ندانست کس چند و چوش خوشا عشق فرزانة ما که ایدون ز مجنون سبق برده صیت جنونش سرگاه لبخند خوشیدگوش زخم نقشش آن لعل لب می‌نماید نگر تا نیچیسی سر از رهنمونش بهار، تو از خسون او آب خوردی

یسا تا بیینی گل افسان خوشن سماعی است در بزم او قدسیان را دلا! گوش کن نمفه ارغونوش به مانند دریاست آن یکیرکینه تو موجب ندیدی و دیدی سکوش نهنگی بایبد که بـا و ی برآید کجا سـایه از عهده آید بروش؟

تعیید کرد، عده‌ای فکر کردند که او کافر شده که توسط خلیفه تعیید شده است! بعد که وضو گرفت تا نماز بخواند، تعجب می‌کردند که ابودر مسلمان است. حالا من نظیر ابودر شدم. بعد از این‌همه دینداری، به مجرد اینکه مدتی زندانی بودم و چیزهایی علیه خودشان به نوشتند، ما را آزاد کردند. اینجا که مودی برای غول پیدا نمی‌شود!» وقتی آن شب بازساختیم تا خداحافظی کنیم، مرحوم دکتر شریعتی دست انداخت به کردن ما و گفت: «چقدر من از شعرهای شما خوانده‌ام و استفاده کرده‌ام و الهام گرفته‌ام، چند بار این حرف را زده، خداحافظی کردیم و دیگر ایشان را ندیدیم.

مرحوم استاد مطهری را در راهمایی‌های چند بار زیارت کرد، آقای مطهری حرف‌های زیاد دارد. پاره‌ای از سخنانش هم به مذاق ملی‌گرایانه ما نمی‌سازد. در مجموع می‌توان به حرفهایشان جالب بود، بعضی‌هایش هم نه صحه گذاشت...

مطالب اولین شماره، قبل از آنکه زحمت ستون‌بندی و تنظیم نهایی آن را بکشید، بدهید من مطالب را بر روی تخته این کار را کردیم و بعد از اصلاحات کوچکی، اجازه انتشار اولین روزنامه دیواری تحت عنوان «پروتو دانش» را به من دادند. این روزنامه قرار بود ماهانه باشد؛ اما در عمل نشد و هر دو ماه یک بار منتشر می‌شد. کلاس سوم دبیرستان را هم به همین روال ادامه دادم تا آنکه برای ادامه تحصیل به دبیرستان حکمت رفتم. آنجا هم کار روزنامه دیواری را ادامه دادم. شنیدم همزمان در دبیرستان حکیم نظامی قم هم یکی از دانش‌آموزان روزنامه دیواری راه انداخته است. روزی که برای دیدار با آقای بهشتی به دبیرستان دین و دانش رفته بودم، پیشنهاد کردم تا روزنامه دیواری هر سه مدرسه به صورت چرخشی در دبیرستان‌ها بگردد. آقای بهشتی از این پیشنهاد استقبال کردند و گفتند: «پیشنهاد خوبی است. این کار را حتماً انجام دهید؛ منتها ترتیب آن طوری نباشد که یک مدرسه همیشه اول باشد، این

نقاشیخط بود. وقتی آن را به عنوان کار به معلم تقدیم کردم، ایشان با دیدن آن گفتند: «همین را بر روی تخته هم بنویس.» نگاهی به ایشسان کردم به این معنا که یعنی می‌خواهی بگویی این کار من نیستا گفتند: «برو بنویس بعد توضیح می‌دهم.» من رفتم و به‌سرعت روی تخته به همان نحو نوشتم «دای علی بن ایطالب.» آقای مصباحزاده با مشاهده آن گفتند: «این هم یک امتحان دیگری بود. بعد از آن امتحانی که آقای بهشتی از شما گرفتند.» پرسیدم: «کدام امتحان؟» گفتند: «آقای بهشتی چیزی به شما گفتند؟» گفتم: «آه! ایشان به من چیزی گفتند.فقط گفتند می‌خواهیم سرعت کازت را بسنجیم و به اداره فرهنگ اعلام کنیم.» آقای مصباحزاده گفتند: «آقای بهشتی نخواستند تو ناراحت شوی.» بعد اصل ماجرا را برابرم تعریف کردند.

شما ظرف‌اتحادی تربیتی را در نوع برخورد ایشان می‌توانید ببینید که تا چه حد می‌تواند سازنده باشد. یک بار دیگر در سال سوم معلم فیزیکی داشتیم که از روش درس دادن او ناراضی بودیم. مطلب را خوب جا نمی‌انداخت و درس پرایمان قابل فهم نبود. برای ما که زیده‌ترین دانش‌آموزان کلاس مطلب جا نمی‌افتاد، چه رسد به بچه‌های متوسط که به طریق اولی درس پرایشان مفهوم نبود. من و دو سه نفر دیگر از جمله آقایان علی موسوی گرامرودی و آیت‌اللهی شیرازی رفتیم پیش آقای بهشتی و گفتم: که «ما قصد سعایت کسی را نداریم. شما بهترین دیرها را برای ما انتخاب کرده‌اید، اما درس معلم فیزیک برای ما قابل استفاده نیست. شیوه تدریس ایشان برای ما مفهوم نیست، چون دو هفته دیگر هم می‌خواهند امتحان بگیرند، ما احساس کردیم که به نمایندگی از طرف کلاس خدمت شما بیاییم و مشکل را با شما در میان بگذاریم.»

آقای بهشتی بدون هیچ اظهار نظری گفتند: «شما بروید، من می‌آم سر کلاس و با دانش‌آموزان صحبت می‌کنم.» در اولین ساعت بعد از آن صحبت‌ها ایشان در کلاس ما حاضر شدند و پرسیدند: «مشکل چیست؟» گفتم: «مشکل شیوه درس دادن ایشان است که برای ما مفهوم نیست، نحوه تدریس به گونه‌ای است که فهم درس را نداریم. شما بهترین دیرها را برای ما انتخاب کردید، اما درس معلم فیزیک برای ما مفهوم نیست، چون دو هفته دیگر هم می‌خواهند امتحان بگیرند، ما احساس کردیم که به نمایندگی از طرف کلاس خدمت شما بیاییم و مشکل را با شما در میان بگذاریم.»

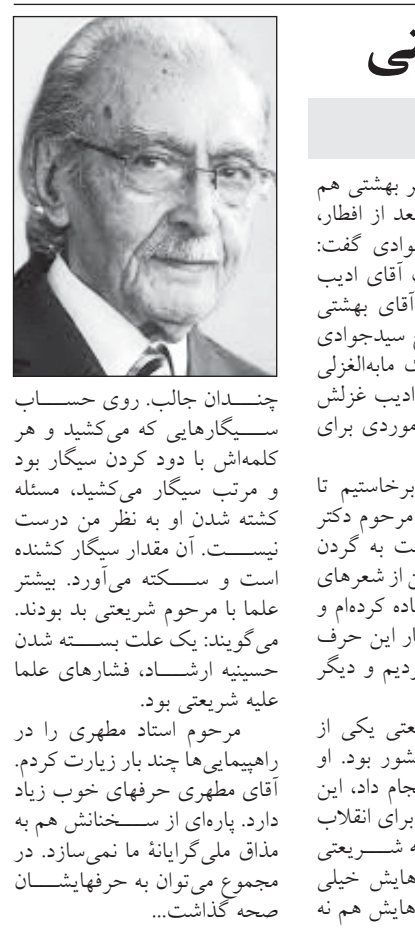
آقای بهشتی بدون هیچ اظهار نظری گفتند: «شما بروید، من می‌آم سر کلاس و با دانش‌آموزان صحبت می‌کنم.» در اولین ساعت بعد از آن صحبت‌ها ایشان در کلاس ما حاضر شدند و پرسیدند: «مشکل چیست؟» گفتم: «مشکل شیوه درس دادن ایشان است که برای ما مفهوم نیست، نحوه تدریس به گونه‌ای است که فهم درس را نداریم. شما بهترین دیرها را برای ما انتخاب کردید، اما درس معلم فیزیک برای ما مفهوم نیست، چون دو هفته دیگر هم می‌خواهند امتحان بگیرند، ما احساس کردیم که به نمایندگی از طرف کلاس خدمت شما بیاییم و مشکل را با شما در میان بگذاریم.»

شوخی دیگر من بود که ایشان معلم انگلیسی ما بودند. من لوفینگ بود در بار در دیکته غلط نوشته بودم. ایشان بار دوم که دیکته مرا برگرداندند، به من گفتند: «صد مرتبه لغت loflora بنویس و جلسه بعد بیاور.» جلسه بعد کلمه lofling را یک بار نوشته و علامت تکرار زدم. وقتی رفتم سرر کلاس گفتند: «مشقان را بیاورید ببینم.» وقتی گذاشتم جلوی ایشان با ملاحظه دفترم گفتند: «چیزمه را اینجاور انجام نمی‌دهند.» بعد آن را به بچه‌ها نشان دادند و همه کلاس به من خندیدند.

آقای بهشتی نزدیکی بسیار زیادی با امام موسی صدر داشت. علاقه و عاطفه این دو شخصیت نسبت به هم‌دیک، برابرم آموزنده بود. با توجه به آشنایی عمیق من با آقای صدر و افکار و اندیشه‌های ایشان، طبیعتاً سنجش می‌بایست میان آن دو وجود می‌داشت که این‌گونه عواطف به وجود آمده بود.

در یکی از جلسات ششورای انقلاب ایشان با یادآوری آن موضوع گفتند: «آن کار یادت هست؟» با توجه به اورتیبه‌ای که ایشان سر کلاس داشتند، وقتی یک دانش‌آموز به خودش اجازه می‌داد با ایشسان یک چنین برخوردی کند، این نشانه عانیی خاصی از طرف معلم نسبت به دانش‌آموز بود که نه دانش‌آموز آن را می‌پایبی و گستاخی می‌دانست و نه معلم آن را گستاخی تلقی می‌کرد، بلکه نشانه پیوند عاطفی میان آنان بود و این نتیجه روش و منش تربیتی است که این حالت را بوجود می‌آورد.

پاسخگویی به شبهات
من سال ۴۰ دیلم گرفتم و اواخر پاییز همان سال رفته خدمت آقای بهشتی و گفتم که: «برای ادامه تحصیل به آلمان می‌روم و برای خداحافظی خدمت رسیدم.» اگر نصیحتی، ارشادی، پندی، نکته‌ای هست، بفرمایند باشنوم.» ایشان گفتند: «وقتی به اروپا می‌روی، قطعاً با سلوالاتی مواجه می‌شویید که اینجاست، در محیط ما با وجود کسانی که اطراف شما بودند، افرادی غیر دایی، پدر و دیگران، آن سوالات با برای شما مطرح نبود؛ با دستیابی به پاسخ برائتان مشکل نبوده است. اما آنجا شما وارد محیطی می‌شوید که این سوالات دست به گریبان خواهید بود. توقع من از شما این است که ما بر خیبر نگذارید و سوالات خود را از طریق علم ما برای من بنویسید. پاسخ به سوالات شما نه تنها زحمتی برای من نخواهد بود، بلکه آن را احساس تکلیفی بر دوش خود می‌دانم که راهنمایی‌های لازم را انجام دهم.»



سیدجوادى و دکتر بهشتی هم یک شوخی کردند. بعد از اظهار، آقای حاج سیدجوادى گفت: «حالا خوب است آقای ادیب یک غزل بخواند.» آقای بهشتی رو کرد به صدر حاج سیدجوادى و گفت: «شما یک مایه‌افغری پیدا کنید تا آقای ادیب غزلش را بخواند. اینجا که مودی برای غول پیدا نمی‌شود!» وقتی آن شب بازساختیم تا خداحافظی کنیم، مرحوم دکتر شریعتی دست انداخت به کردن ما و گفت: «چقدر من از شعرهای شما خوانده‌ام و استفاده کرده‌ام و الهام گرفته‌ام، چند بار این حرف را زده، خداحافظی کردیم و دیگر ایشان را ندیدیم.

مرحوم استاد مطهری را در راهمایی‌های واقعی کشور بود. او بهترین کاری که انجام داد، این بود که راه و مسیر را برای انقلاب قرار داد. پاره‌ای از سخنانش هم به مذاق ملی‌گرایانه ما نمی‌سازد. در مجموع می‌توان به حرفهایشان جالب بود، بعضی‌هایش هم نه صحه گذاشت...

سه شنبه ۵ ذییر ۱۳۹۷ - ۱۲ شوال ۱۴۳۹ - ۲۶ ژوئن ۲۰۱۸ - سال نود و دوم - شماره ۲۷۰۳۴

مبانی نظری خوشنویسی در تمدن اسلامی

دکتر حسن بلغاری بخش دوم



نگارش متن مقدس از چنان عظمتی برخوردار شد که نگارش جمیل و زیبای آن به محضرتین عرصه تجلی روح‌زیبایی‌شناسانه تمدن اسلامی گردید. این زیبایی چیزی نبود که صرفاً محصول ذوق و این برداشت باشد، بلکه در متن روایات بر این زیبایی تأکید بسیار صورت گرفته بود. برای مثال در همین روایت اخیر با کاربرد تعبیر «حسن الله» بر زیبایی تأکید شده است. همچنین روایاتی که قاضی احمد قمی در یکی از نخستین تاریخ‌نگاری‌های هنری تمدن اسلامی – ایرانی «گلستان هنر»

در قداست و شرافت خوشنویسی آورده است، مؤید مطلق نظر فوق است؛ همچون:

«هر که «بسم الله الرحمن الرحیم» را به زیبایی بنگارد، بدون حساب وارد بهشت می‌شود.»

– خط خوش و زیبا شدت ظهور حق را افزون‌تر می‌سازد.^{۳۳} و سخنانی که امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} در این باب دارند: – بر شما با خط خط زیبا، زیرا کلبیدی از کلیدهای رزق و برکت است.

– خط زیبا زبان دست و سرور دل است.^{۳۵}

– حسن خط پنهان است در تعلیم استاد، قوام و پختگی آن در زیادی مشق و ترکیب حروف، مرکب است و بقای آن به ترک آنچه نهی شده و محافظت نماز است. و اصل خط در فهم مفردات آن است.^{۳۴} حکمت اسلامی که منبث از روح قرآن و روایات، در لسان و استدلال و برهان بود، این معانی را مورد توجه خاص قرار داد و به یک معنا بنیان‌های نظری خوشنویسی اسلامی را تدوین ساخت. در این میان اخوان‌الصفا که نگارندگان اولین دانش‌نامه در جهان اسلام هستند (الرسائل)، با رویکرد خاص خود که از یک سو مبتنی بر قرآن و روایات و از دیگر سو بر حکمت و فلسفه بود، نکات بسیار قابل تأملی در بنیان‌های نظری خوشنویسی عرصه کردند که کمتر مورد توجه واقع شده است.

بنیان‌های نظری خوشنویسی در حکمت اسلامی
در کتاب «هندسه خیال و ریاضی» (پژوهشی در آرای اخوان الصفا در باره حکمت هنر و زیبایی) بهشت مستوفایی در نقش بی بدیل اخوان‌الصفا در تأملات نظری مفاهیمی چون صنعت و زیبایی آورده‌ام. اخوان با نگرهای حکمی و با رویکردی تأریلی بسیاری از معانی مستندته در اندیشه اسلامی را مورد شرح و بحث قرار داده و به‌ویژه در باب خوشنویسی نکات مهمی ایراد نمودند که قطعا در ادامه تاریخ زیبایی‌نگاری در تمدن اسلامی بسیار مؤثر واقع گردید.

از دید اخوان، صنعت کتابت و خوشنویسی، سرفریت‌ترین نوع از صناعات است؛ صنعتی که وزرا، کتاب و اهل ادب در مجالس شاهان بدان افتخار می‌کنند. هنری که دارای انواع فنون و فروع است و البته نوع نگارش آن در میان امتهای مختلف چون اعراب، ایرانی، سریانی، یونانی، عبری و هندی متفاوت است. اخوان با توجه به هستی که در تدوین قواعد زیبایی‌شناسی صناعات سرلوحه کار خویش قرار داده بودند، تبیین و تدوین مبانی زیبایی‌شناسی حروف و خوشنویسی را با توجه به اصل حروف، کیفیّت ترتیب، کمیّت مقدار و نسب تألیف مورد توجه قرار دادند. از دید آنان اصل و بنیاد تمامی حروف در حرکت و امتی و نیز با هر قلم یا نقشی، یک خط مستقیم است.^{۳۶} که قطر دایره محسوب می‌شود و نیز خط مقوسی.^{۳۷} که محیط آن دایره است.

بنابراین از دید اخوان مبتنی بر تفصیلت و زیبایی شکل دایره، که بنیادی‌ترین شکل در صورت‌بخشی عالم است، خوشنویسی با همان مفاهیم زیبایی‌شناسانه عالم شکل و نقش می‌گیرد؛ زیرا از دید اخوان تمامی حروف، ترکیب یافته از همان خط مستقیم (قطر دایره) و مقوس (محیط دایره)اند. شهادت مثال آنان بر این معنا کتابت حروف عربی است. از دید آنان تمامی حروف عربی متشکل از همان خط مستقیم و مقوسند. برخی از این حروف مستقیم‌اند چون: «ا، ب، ت، ث» و برخی مقوس چون: «ذ، د، ر، ز» و نیز برخی ترکیب‌شده از قزم مقوس و مستقیم چون: «ج، ح، ط، ظ» و. از دید اخوان تمامی زبان‌های عالم بر این تمثیل تشکیل یافته و شکل گرفته‌اند.

اخوان سپس با تأکید بر این که اصل حروف در کتابت همان خط مستقیم و مقوس است، بیان می‌دارند: «قصداً داریم که یک‌تکونیّت خطوط، صحیح‌ترین کتابت‌ها و زیباترین ترکیب‌ها را در ابیات بر نسبت افضل شرح و توضیح دهیم. پس در ابتدا بر قول صناعتگران [=خوشنویسان] که این صنعت تأکید می‌کنیم که خود حقیقی و واضح و نیز بیانی روشن و هادی به‌سوی قاعده و قانون است.» مهندس [خوشنویس]، ماهر اساتذ در عمل خویش می‌گوید: «پس هر که می‌خواهد خطی زیبا و کتابتی صحیح داشته باشد، باید که اصلی را محور قرار دهد که خود بنیان تمامی حروف است و نیز فاونی که خطوط بر آن قیاس می‌گیرند؛ مثال در این معنا نوع نگارش عربی است که بر اساس آن الف هر مقدار که بخواهیم کشیده می‌شود، لکن ضخامت نگارش آن متناسب با طول الف می‌باشد که آن مشّت [نقطه] است و پایین آن کشیده تا بالای آن.» سپس این قطر دایره محسوب شده و مبتنی بر آن سایر حروف، متناسب با طول الف و محیط دایره‌ای که این قطر الف آن است [نگاشته می‌شود]. به‌عنوان مثال طول با، تا هشت بار کدام سبوتی با طول الف است؛ و نرسو است با سبوت بالا، هشت نقطه می‌باشد. مانند: ا، ب، ت، ث پس خوشنویس می‌بایست هرکدام از حروف جیم، حاد، خا را به‌اندازه نصف الف نگاشته و به‌اندازه نصف محیط دایره‌ای که طول الف، قطر آن است قوس دهد مانند: ح، ج، خ. سپس هرکدام از حروف ذال و زال را همچون طول الف قوس دهد مانند: ذ، ز. از آنکه هرکدام از حروف را و از را به‌اندازه ربع محیط دایره مذکور بنگارد و نیز سین و شین را و ...»

اخوان بر اساس طول الفی که به اندازه قطر یک دایره است و نیز محیط این دایره، اندازه تمامی حروف عربی را شرح می‌دهند و سپس متذکر می‌گردند: «آنچه از نسب این حروف و کمیّت طول و عرض آنها گفتیم چیزی است که قوانین هندسه و نسب فاضله، آن را ایجاد می‌کند. اما آنچه مردم به‌وساطه آن خوشنویسی را می‌شناسند و کاتبان را تحسین می‌کنند، اگر غیر آن باشد که ما ذکر کردیم، به دلیل موضوعات، مضامین و انتخاب‌های مردم و به دلیل عادتی است که در نظر خود به آنها و خطوط دارند.»

اخوان سپس با تمایز میان عادات اجتماعی و قوانین هندسی بحث مهمی را طرح می‌کنند: «پس بدان ای برادر من که خدا تو را ما از روح خویش مؤید گرداند، صور نگارش حروف کتابت از نظر فن نگارش و بسیار و از نظر نوع نگارش مختلف است. همچنانکه، ذکر کردیم، این به‌وساطه آن است که حکمای کتابت، احیاءت، دلایل و علت آن را شرح داده‌اند و ما در اینجا به قول مجمل مختصری در سه کلمه، براساس مفروضات قوانین هندسی و قیاسات فلسفی اکتفا می‌کنیم آن‌گونه که نویسنده مهندس ماهر تأکید نموده است:

(اول) فسرّش در نگارش هر خط از هر امت و هر لغت و به عربی وجود دارد.

(دوم) غلظت نگارش حروف به سبوت انحراط الف باشد.

(سوم) غلظت هنگام ترکیب، تمامی زوایا باید حاده و در جهت شکل درونی باشد. و این همان چیزی است که اهل این صنعت در اندازه‌گیری این حروف و تناسب آنها تأکید دارند. البته ممکن است که به هنگام ترکیب و تألیف حروف چهیسا به دلایلی که گفتیم نگارش متغیر و مختلف شود، لکن ضروری است نویسنده به هنگام تعلیم خط آنها را در نظر گیرد.»^{۳۸}

پی‌نوشت‌ها:

۳۲. قال رسول‌الله^ص: «من كتب بحسن الخط بسمله الرحمن الرحیم دخل الجنة بغیر حساب.» گلستان هنر، قاضی احمد قمی به اهتمام حمید رسیمی خوساروی، ۱۰، سن‌نرموچیری چاپ چهارم۱۳۸۳

۳۳. قال رسول‌الله^ص: «الحسن یزید الحق» و همام خط نکیر شدت ظهور حق را روشتن تر می‌سازد.» تحفه الخطاطین، مستفی‌زاده سعدالدین سلیمان افندی پسر عبدالحرحم پسر محمد رومی (۱۱۳۱ – ۱۲۰۶) ص ۱۰، چاپ ۱۹۷۸، استانبول، مؤسسه‌های اسلام.

۳۴. قال علی^{علیه السلام}: «علیکم بحسن الخط فانه من فاتیح الرزق. گلستان هنر، ص ۱۰ قال علی^{علیه السلام}: «حسن الخط لسان الید و

پیکر شهید مرزبانی پیرانشهر تشییع شد



سرویس شهرستانها: پیکر مطهر شهید «سیدعلی هاشمی» که درگیری با عناصر معاند در منطقه مرزی تهرمن چمر پیرانشهر استان آذربایجان غربی به شهادت رسید، با حضور مردم و مسئولان در زادگاهش از مقابل ستاد فرماندهی انتظامی نقده تشییع شد.

در این آیین که با حضور خانواده معظم شهدا، جانبازان، آزادگان و مسئولان لشکری و کشوری برگزار شد، پیکر مطهر این شهید پس از تشییع در مسیر خیابان امام خمینی (ره) نقده به قطعه شهدای باغ رضوان این شهرستان منتقل و در آنجا به خاک سپرده شد.

تشییع پیکر شهید مرزبانی در مشهد

مشهد - خبرنگار اطلاعات: پیکر پاک شهید مرزبانی «جلال بهبودی طرقي» با حضور خانواده شهدا و قشـرهـای مختلف مردم از مقابل مـهدیه مشهد به سمت حرم مطهر رضوی تشییع و پس از طواف در حرم مطهر در قطعه شهدای بهشت‌رضاع) مشهد به خاک سپرده شد.

سرباز وظیفه شهید «جلال بهبودی طرقي» در دگرگی با اشـرار مسلح در سیستان و بلوچستان به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

گفتگوهای قضایی با حقوق بشری ایران و ایتالیا

سرویس خبر:دبیر ستاد حقوق بشر فوق قضائیه گفت: حق استماع در دادگاه‌ها و عدالت اداری از مهم‌ترین ویژگی‌های قوانین قضایی ایران است.

محمداجلال لاریجانی در آغاز چهارمین دور از گفتگوهای قضایی و حقوق بشری ایران و ایتالیا،افزود: ما درباره حقوق بشری بحث‌های مختلفی در دنیا و در قالب گفتگوی دینی داریم. در گفتگوی حقوق بشری مدل‌های مختلفی داریم، اول قوانین دو کشور را بررسی می‌کنیم و بعد مبتنی بر مبانی دینی مباحث را دنبال می‌کنیم.

اجرای ۳۱۸ هزار حکم به نفع

مردم استان تهران

سرویس خبر: رئیس کل دادگستری استان تهران از صدور بیش از ۲ میلیون و ۱۶۰ هزار رای و تصمیم قضایی در پرونده‌های مختلف در یکسال گذشته خبرداد.

غلامحسین اسماعیلی افزود: در سال گذشته ۳۱۸ هزار حکم را به نفع مردم در استان تهران اجرا کردیم، اجرای این تعداد حکم یعنی ۳۱۸ هزار نفر از افرادی که حقتشان تضییع شده بود، به حقتشان رسیدند و این حکم احقاق حق برای مردم تهران عدد کمی نیست و این‌ها پرونده‌های فردی است که در آن یک نفر ضرر دیده است.

رئیس کل دادگستری استان تهران با اشاره به این‌که در برخی از پرونده‌های موسسات مالی و اعتباری و مفاسد اقتصادی بخش زیادی از جامعه درگیر شده‌اند، اضافه کرد: (اولیـه دستگاه قضایی برخورد با دانه درخت‌ها است. در این رابطه بخشی از افراد سودجو و فرصت طلب و اخلاکگران در نظام اقتصادی و پولی و بانکی کشور بودند که با همکاری دولت و بانک مرکزی این افراد شناسایی شدند و تشکیل پرونده شده است. ۱۸۰ نفر از این افراد تحت‌تعقیب دستگاه قضایی هستند و جمعی بازداشت شده‌اند و اموالی از آن‌ها توقیف شده‌است است در واقع افراد سودجو و فرصت طلبی که از این آشفتگی‌هازار استفاده کرده و منافع بردند و اطلاع‌رسانی اصلی بعد از قطعیت دادنامه است در فرآیند دادرسی به موجب قانون محدودیت اطلاع‌رسانی داریم.

آگهی ارزایی کیفی و مناقصه

جهت بر گزاری مناقصه عمومی یک مر حله‌ای شماره: ۹۷/۱۸

نگاه تگران نسل های آ آینده را با مصرف بهینه آب به آرامش تبدیل کنیم.

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد عملیات اجرایی مخازن هوایی ۲۵۰ و ۲۵۰متر مکعبی فلزی به همراه حوضچه‌های مر بوطه تصفیه پندنی نیلوشهرستان کنار کلاز را از طریق بر گزاری مناقصه عمومی تعداد و مبلغ تحویل اسناد ارزیابی و مناقصه پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۲/۲۶ تا تاریخ ۹۷/۲/۲۸ از کلیه پیمانکاران دارای رتبه ۵ و بالاتر، در رشته آب دعوت به عمل می آید تا براساس اطلاعات اعلام شده قبل اقدام به خرید اسناد نمایند.
(۱) محل اجرای کار: شهرستان کنار کلاز
(۲) مبلغ برآورد اولیه ۲۳۲۹۷ میلیون ریال (براساس فهرست بهای سال ۱۳۹۷)
(۳) زمان فروش اسناد ارزیابی و مناقصه از تاریخ ۹۷/۲/۲۸ لغایت ۹۷/۲/۲۸
(۴) آخرین مهلت تحویل اسناد ارزیابی و مناقصه پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۲/۲۶ تا تاریخ ۹۷/۲/۲۷
(۵) تاریخ و ساعت بازگشایی پاکت‌های ارزیابی کیفی: ساعت ۱۰ مورخ ۹۷/۲/۲۷ تا تاریخ ۹۷/۲/۲۸
(۶) تاریخ و ساعت بازگشایی پاکت‌های مناقصه: ساعت ۱۰ مورخ ۹۷/۲/۲۸ تا تاریخ ۹۷/۲/۲۸
(۷) شرکت کنندگانی که امتیاز لازم در ارزیابی کیفی مذکور در دریافت نمایند با پکت‌های شرکت در مناقصه عمومی یک مر حله آنان را بر خواهد خرید.
قیمت اسناد مناقصه ۲۰۰۰۰۰۰ ریال

تذکر مهم: به استناد بند ۲ ضمیمه ۲-۵۹۲ مورخ ۹۷/۵/۳ موضوع دستورالعمل مبلغ طریت مجاز پیمانکاران برای شرکت در مناقصه ارزیابی کیفی و راجع کار، مبلغ ظرفیت آزاد پیمانکاران در پایگاه اطلاع رسانی ساتراپ -سوی کارفرما کنترل و ملاک عمل قرار خواهد گرفت.
لذا پیمانکارانی یابست باطمینان از ظرفیت کاری مجاز (مبلغ ظرفیت آزاد) بر حسب تعداد و مبلغ پیمانکاری در دست اجرائی خود اقدام به خرید اسناد ارزیابی کیفی نمایند، در غیر این صورت ممکن دستورالعمل رسیدگی به تخلفات ناشی از عدم رعایت ضوابط راجع کار با آن رفتار خواهد کرد.
(۸) محل دریافت اسناد:
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir
(۹) تسلیم اسناد تکمیل شده: بازگاری بر روی سامانه ستاد و تحویل به صورت فیزیکی به مدیر خاله شرکت آب و فاضلاب روستایی استان سی و ب
تذکر: ضمناً کلیه شرکت کنندگان ملزم به بازگاری با پکت‌های مناقصه و ارزیابی کیفی بر روی سامانه ستاد می باشند در غیر این صورت با پکت‌های آنها تحویل و بازگشایی نخواهد شد.
تلفن تماس: ۰۵۲-۳۳۳۴۳۴۱۲-۵۲-داخلی ۱۲۰
نمایش: ۰۵۲-۳۳۳۴۳۵۰۵۲

امور قرارداد‌های شرکت آب و فاضلاب روستایی استان سیستان و بلوچستان

آگهی ارزایی کیفی انتخاب مشاور

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد به استناد بند الف ماده ۴۷ آیین نامه خرید خدمات مشاوره به شماره ۱۹۳۴۲۸ از ۲۲۹۸۶ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۰ نسبت به ارزیابی کیفی مشاوران و به منظور انتخاب مشاور دارای صلاحیت فنی و تجربه مفید و مرتبط جهت انتخاب و همکاری با آگهی شماره ۹۷/۱۸

۱-نام و نشانی کارفرما: شرکت آب و فاضلاب روستایی استان سیستان و بلوچستان - شهر زاهدان - بلوار بهبهانست- نیش بهبهانست ۱۳- تلفن: ۰۵۲-۳۳۳۴۳۴۱۲-۵۲-فاکس: ۰۵۲-۳۳۳۴۳۵۰۵۲-کدپستی: ۹۸۱۹۱۳۱۳۲۷
۲-موضوع: خدمات مشاوره: انجام مطالعات مر حله سوم طرح آب رسانی به روستاهای زیر مجموعه سد یزدان

۳-برآورد اولیه و هزینه اجرا:
برآورد مبلغ: ۸۰۷۰۰۰ میلیون ریال می باشد.
تاریخ و دریافت اسناد ارزیابی کیفی:
از تاریخ ۹۷/۲/۱۸ تا تاریخ ۹۷/۲/۲۱ می باشد.

۴-مبلغ و آخرین مهلت تحویل اسناد مناقصه: ۹۷/۲/۲۳ تا ساعت ۱۲:۰۰
ساعت و تاریخ بازگشایی با پکت های ارزیابی کیفی: ۹۷/۲/۲۳ تا ساعت ۱۲:۰۰
تلفن تماس: ۰۵۲-۳۳۳۴۳۴۱۲-۵۲-داخلی ۱۲۰
نمایش: ۰۵۲-۳۳۳۴۳۵۰۵۲

امور قرارداد‌های شرکت آب و فاضلاب روستایی استان سیستان و بلوچستان

وزیر اطلاعات: دشمن نمی‌تواند فضای ناامیدی حاکم کند

سرویس شهرستانها:وزیر اطلاعات گفت: در مذاکرات با طرف‌های خارجی به صراحت اعلام شده است که امروز در ایران برجام به یک مو بند است.
حجت الاسلام و المسلمین سید محمدعلی علوی در بازدید از مرکز غنی سازی شهید علیمحمدی افزود: در قم افزود: پیش از این هم در این مرکز با حاصل تلاش دانشمندان هسته‌ای از نزدیک آشنا شده‌ام.
وی افزود: انگیزه دانشمندان شاغل در این تأسیسات بسیار بالاست و آنها از روحیه خوبی برخوردار هستند و یک نگاه امیدوارانه به آینده وجود دارد که روحیه حاکم بر آن‌ها نشان می‌دهد که اراده ایرانی هرگز تحت تأثیر ناامیدی‌های دشمن قرار نمی‌گیرد.

وزیر اطلاعات گفت: امروز ما در شرایطی هستیم که در جریان توافق هسته‌ای یکی از طرف‌های توافق استیکار جهانی آمریکاست که بدهعیدی خود را نشان داده است و اعتبار خود را در دنیا از بین برده است و همه امروز این بد عهدی را در دنیا مشاهده کرده اند.

حجت‌الاسلام والمسلمین علوی افزود: فرزندان ایران اسلامی عملاً نشان داده‌اند که ندرج هم عضو یا سایر اعضا از طرف تأثیری در برجام ندارد و ما آماده هستیم همان طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند به پایدردت غنی سازی ایران در چارچوب برجام به ۱۹۰ هزار سو برسد، همه آن‌ها آماده است و همه آماده

انجام اقدامات هستند.

وی گفت: امروز هم با انجام مذاکرات با طرف‌های خارجی به صراحت اعلام شده است که در ایران برجام به یک مو بند است و در صورتی که طرف‌های خارجی بخواهند بدهعیدی خود را مانند آمریکا نشان دهند ایران با یک زمان بسیار کوتاه نه تنها قدرت بازگشت به زمان

وزارت بهداشت :داروهای بدون نسخه

از شمول بیمه خارج شدند

وضعیت بازار دارویی کشور، خروج داروهای بدون نسخه از پوشش بیمه و لزوم راهداندازی پوشش حمایت از داروی ایرانی و ورود مششاسمیر کشور به این موضوع، از جمله موضوعات مطرح وه در نشست خبری این هفته سخنگوی وزارت بهداشت بود.
به گزارش ایسنا، دکتر ایرج حریرچی- معاون کل وزارت بهداشت از راهاندازی سامانه‌ای در سایت سازمان غذا و دارو برای اطلاع از کمبودهای دارویی و قیمت دارو خبر داد و این اطلاع را این سامانه به آدرس www.IRB-FBA.GOV.IR است و مردم می‌توانند برای اطلاع از کمبودهای دارویی و قیمت دارو به این سامانه مراجعه کنند.
دکتر ایرج حریرچی- معاون کل وزارت بهداشت از راهاندازی سامانه‌ای در سایت سازمان غذا و دارو برای اطلاع از کمبودهای دارویی و قیمت دارو خبر داد و این اطلاع را این سامانه به آدرس www.IRB-FBA.GOV.IR است و مردم می‌توانند برای اطلاع از کمبودهای دارویی و قیمت دارو به این سامانه مراجعه کنند.

سخنگوی وزارت بهداشت در پاسخ به سوالی درباره تبلیغات پزشکان گفت: تبلیغات پزشکان محدودیت‌های جدی و قانونی دارد و گستره و طیف وسیعی را هم در بر می‌گیرد. تبلیغاتی که اکنون در این حیطه می‌بینیم اکثرا با غیر علمی یا غیر قانونی یا غیراخلاقی هستند و چیزهای عجیب و غریب درباره نحوه پهبودی و ... می‌گویند. البته این تبلیغات فقط به طب مدرن منحصر نیست، بلکه طب سنتی، طب مکمل و سوزنی را هم شامل می‌شود. مسئولیت نظارت در این زمینه عمدتاً با سازمان نظام پزشکی است و اگر در مواردی تبلیغ غیر علمی باشد و فرد بر اساس آن تبلیغ به پزشک مراجعه کرده و دچار عارضه شود، به طور قانونی مورد پیگرد قرار می‌گیرد.

حریرچی در پاسخ به سوالی درباره تعیین سقف برای ارائه خدمات به بیمه شدگان بیمه سلامت در بیمارستان‌های دولتی گفت: دسترس مردم به خدمات نباید آسیب ببیند و بیمه سلامت هم اعلام کرده می‌سقفی برای ارائه خدمات نداریم، اما برخی مدیران محیطی برداشتی اشتباهه کردند که تذکری لازم از او درج شد. مقصود این بود که هزینه‌های سرباری و هزینه‌های زائد باید کنترل شوند.

در عین حال می‌بینیم که برخی اقدامات پزشکی در شرایطی لازم است، اما اورژانسی نیست. بنابراین یک سری بسته‌های صرفه جویی را تدوین کردیم، اما همانطور که وزیر بهداشت هم تأکید کردند خدمت رسانی به مردم نباید آسیب ببیند.

اخبار داخلی

وزیر اطلاعات: دشمن نمی‌تواند فضای ناامیدی حاکم کند



بازدید وزیر اطلاعات از مجتمع غنی سازی فردو نظنز گذشته را دارد بلکه با دستاوردهای ارزشمندی که در این مدت انجام‌شده‌ام بر اساس تحقیقات توسعه به دست آمده است، می‌توانند فرصت‌های خوبی را در اختیار شما بگذارم. وی گفت: دشمن می‌خواهد با دامن زدن به مطالبات مردم، این مطالبات را به عنوان ناقرمانی مدنی جلوه‌گر سازد و از هر تش، تجمع و اعتصاب کم اهمیت، حوزهای از ناقرمانی مدنی را شکل دهد و لذا مسئولان و مردم دقت کنند که اولاً مطالباتشان به حق باشد و ثانیاً نحوه مطالبه به گونه‌ای نباشد که به ناقرمانی مدنی منجر شود.

عباس جعفری دولت آبادی درجلسه‌ای با قضات زن شورای عالی بیمه نیز در حال حاضر تهیه ای داروهای با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در مراسم چهاردهم خرداد پیرامون فرار آمریکا در ترویج نامی در کشور،افزود: ناامی کردن مردم‌ها تشجیع گروه‌های تروریستی برای ورود به این ترویج بی اعتمادی در مردم نسبت به مسئولان و تلقین این امر که گویا تمامی مسئولان در حال غارت بیت‌المال هستند و دلسرد کردن مردم که با انتشار اخبار کذب انجام می‌گیرد، برنامه دیگری است که دشمن در صدد اجرایی کردن آن است.دکتر ایرج حریرچی- معاون کل وزارت بهداشت در پاسخ به سوالی درباره تبلیغات پزشکان گفت: تبلیغات پزشکان محدودیت‌های جدی و قانونی دارد و گستره و طیف وسیعی را هم در بر می‌گیرد. تبلیغاتی که اکنون در این حیطه می‌بینیم اکثرا با غیر علمی یا غیر قانونی یا غیراخلاقی هستند و چیزهای عجیب و غریب درباره نحوه پهبودی و ... می‌گویند. البته این تبلیغات فقط به طب مدرن منحصر نیست، بلکه طب سنتی، طب مکمل و سوزنی را هم شامل می‌شود. مسئولیت نظارت در این زمینه عمدتاً با سازمان نظام پزشکی است و اگر در مواردی تبلیغ غیر علمی باشد و فرد بر اساس آن تبلیغ به پزشک مراجعه کرده و دچار عارضه شود، به طور قانونی مورد پیگرد قرار می‌گیرد.

حریرچی در پاسخ به سوالی درباره تعیین سقف برای ارائه خدمات به بیمه شدگان بیمه سلامت در بیمارستان‌های دولتی گفت: دسترس مردم به خدمات نباید آسیب ببیند و بیمه سلامت هم اعلام کرده می‌سقفی برای ارائه خدمات نداریم، اما برخی مدیران محیطی برداشتی اشتباهه کردند که تذکری لازم از او درج شد. مقصود این بود که هزینه‌های سرباری و هزینه‌های زائد باید کنترل شوند.

در عین حال می‌بینیم که برخی اقدامات پزشکی در شرایطی لازم است، اما اورژانسی نیست. بنابراین یک سری بسته‌های صرفه جویی را تدوین کردیم، اما همانطور که وزیر بهداشت هم تأکید کردند خدمت رسانی به مردم نباید آسیب ببیند.

سخنگوی وزارت بهداشت در پاسخ به سوالی درباره تبلیغات پزشکان گفت: تبلیغات پزشکان محدودیت‌های جدی و قانونی دارد و گستره و طیف وسیعی را هم در بر می‌گیرد. تبلیغاتی که اکنون در این حیطه می‌بینیم اکثرا با غیر علمی یا غیر قانونی یا غیراخلاقی هستند و چیزهای عجیب و غریب درباره نحوه پهبودی و ... می‌گویند. البته این تبلیغات فقط به طب مدرن منحصر نیست، بلکه طب سنتی، طب مکمل و سوزنی را هم شامل می‌شود. مسئولیت نظارت در این زمینه عمدتاً با سازمان نظام پزشکی است و اگر در مواردی تبلیغ غیر علمی باشد و فرد بر اساس آن تبلیغ به پزشک مراجعه کرده و دچار عارضه شود، به طور قانونی مورد پیگرد قرار می‌گیرد.

وزیر اطلاعات: دشمن نمی‌تواند فضای ناامیدی حاکم کند

وزیر اطلاعات افزود: کسانی که بدهعیدی در توافق هسته‌ای کردند به زودی خواهند دانست که این بد عهدی پیش از آنکه به زنی ایران بخواهد تمام شود به زیان آن‌ها تمام می‌شود و بار دیگر این باور را به ایران فیهامند که باید به اراده خود حرکت کند و بیگانگان هرگز قدمی برای ایران اسلامی بر نمی‌دارند.

وزیر اطلاعات گفت: دشمن همیشه در مقام تهدید بر می‌آید و اگر قرار باشد که ما به خاطر تهدیدها

حرکت خود را متوقف کنیم، اصلاً نباید حرکت کنیم

ما همواره نشان داده‌ایم که تهدیدهای دشمن برای ما چیزی نیست و به راحتی از تهدیدهای دشمن عبور می‌کنیم به فرض اگر دشسورای‌هایی ایجاد کنند ملت

ما در فرازهای مختلف همچون دفاع مقدس و مراحل بعدی نشسان داده است که این دشورای‌ها اراده را ما

متوقف نخواهد کرد.

تأسیسات هسته‌ای فردو با نام رسمی مرکز هسته‌ای

شهید علیمحمدی به منظور غنی سازی اورانیم در

۲۵کیلومتر مسیر قم به تهران ساخته شده است.

وزیر اطلاعات در ادامه سفر به استان‌های قم و

اصفهان، از تأسیسات هسته‌ای نظنز با نام شهید مصطفی

احمدی‌روشن در تأسیسات اصفهان نیز کرد:در این مرکز

غنی‌ سازی اورانیم ۷۷۳۵۰(درصد) به غنی زیر سه

و نیم تا ۵ درصد می‌رسد.

۹ متهم پرونده‌های موسسات مالی -اعتباری در زندان هستند

رصد کنند. وی به پرونده بانک سرمایه و اقدامات دادرسا در این پرونده اشاره کرد و گفت: اخیراً در این پرونده سه نفر از متهمان بازداشت شدند. بخشی از اموال به بانک بازگشته و در خصوص یکی از متهمان به میزان ۷۰۰ میلیارد تومان قرض‌خواست صادر شده است.

جعفری دولت‌آبادی با اقدامات دادرسی تهران در پرونده مالی و اعتباری‌تأم‌الحجج اشاره کرد و اظهار داشت: در این پرونده یک میلیون و ۲۶۷هزارنفر سپرده‌گذاری کرده‌اند و مجموع وجوه سپرده شده ۱۲ هزار میلیارد تومان است. دادرسا با رسیدگی به اتهامات متهمان، به موضوع استرداد وجوه سپرده‌گذاران پرداخته‌اند. هنوز ۱۲۰۰ میلیارد تومان سپهرت پرداختی از بدهکاران وصول نشده‌ام، ۵۳۳۰ میلیارد تومان سپرده به مردم مسترد شده و در حال حاضر ۴۴۰۰ میلیارد تومان بدهی باقی‌مانده است که مربوط به ۵۰۰۰ نفر سپرده‌گذار می‌باشد.

وضع کشور در شرایط تحریم

وی با اشاره به تحریم‌های جدید آمریکا و مهلت سه ماهه ترامپ با بیان این‌که احتمال دارد در پایان این مهلت وضع اقتصادی کشور با مشکلاتی مواجه شود، این اقدام مقام دولت آمریکا را با هدف تشدید فشارهای اقتصادی و فشار بر مردم ایران دانست. وی با اشاره به گستره بودن اقدامات تحریمی می‌گوید که به گونه‌ای که از مؤسسات بانکهای خرد نیز درخواست عدم همکاری با ایران را کرده است، افزود: این تجربه دوم در اعمال تحریم‌ها است و در مقابله با این اقدامات لازم است مردم و دولت در صف اول قرار گیرند.

گینه، چهارقراری گرفت. وزارت دفاع گینه اعلام کرد فریانتان اتباع گینه، آلمان لهستان و کیپ ورده گینه

آتش‌سوزی در ایالت کالیفرنیا

آمریکا: بر اثر وقوع آتش‌سوزی و شلت گرفتن آن در مناطق روستایی ایالت کالیفرنیا چند ساختمان در آتش شهربم‌شده که در سودای گنج بودند، از درون چاهی به بیرون کشیده شد.

مجتبی خدایی سخنگوی سازمان اورژانس کشور با بیان این خبر، افزود: با بررسی‌های اولیه، مشخص شد جستنرگران گنج بر اثر گاز گرفتگی در چاه جان باخته‌اند.

قربانیان یک مرد، ۲ زن جوان و یک پسر ۱۱ساله بودند.

سقوط هواپیمای کوکبک در گینه با ۳ کشته

گینه: سقوط یک هواپیمای کوچک در مرکز جمهوری

لگجیان حیالک

روای ناقرم‌گنج ۴ قربانی گرفت

سرویس حوادث: اجساد ۴ مرد در روستای «چکاب» شهرمشهد که در سودای گنج بودند، از درون چاهی به بیرون کشیده شد.

کشته در آتش‌سوزی خودرو

سرویس شهرستانها: آتش‌سوزی یک خودرو سواری جستنرگران گنج بر اثر گاز گرفتگی در چاه جان باخته‌اند.

قربانیان یک مرد، ۲ زن جوان و یک پسر ۱۱ساله بودند.

سقوط هواپیمای کوکبک در گینه با ۳ کشته

گینه: سقوط یک هواپیمای کوچک در مرکز جمهوری

لگجیان حیالک

روای ناقرم‌گنج ۴ قربانی گرفت

سرویس حوادث: اجساد ۴ مرد در روستای «چکاب» شهرمشهد که در سودای گنج بودند، از درون چاهی به بیرون کشیده شد.

کشته در آتش‌سوزی خودرو

سرویس شهرستانها: آتش‌سوزی یک خودرو سواری جستنرگران گنج بر اثر گاز گرفتگی در چاه جان باخته‌اند.

قربانیان یک مرد، ۲ زن جوان و یک پسر ۱۱ساله بودند.

سقوط هواپیمای کوکبک در گینه با ۳ کشته

گینه: سقوط یک هواپیمای کوچک در مرکز جمهوری

لگجیان حیالک

روای ناقرم‌گنج ۴ قربانی گرفت

سرویس حوادث: اجساد ۴ مرد در روستای «چکاب» شهرمشهد که در سودای گنج بودند، از درون چاهی به بیرون کشیده شد.

کشته در آتش‌سوزی خودرو

سرویس شهرستانها: آتش‌سوزی یک خودرو سواری جستنرگران گنج بر اثر گاز گرفتگی در چاه جان باخته‌اند.

قربانیان یک مرد، ۲ زن جوان و یک پسر ۱۱ساله بودند.

سقوط هواپیمای کوکبک در گینه با ۳ کشته

گینه: سقوط یک هواپیمای کوچک در مرکز جمهوری

لگجیان حیالک

روای ناقرم‌گنج ۴ قربانی گرفت

سرویس حوادث: اجساد ۴ مرد در روستای «چکاب» شهرمشهد که در سودای گنج بودند، از درون چاهی به بیرون کشیده شد.

کشته در آتش‌سوزی خودرو

سرویس شهرستانها: آتش‌سوزی یک خودرو سواری جستنرگران گنج بر اثر گاز گرفتگی در چاه جان باخته‌اند.

قربانیان یک مرد، ۲ زن جوان و یک پسر ۱۱ساله بودند.

سقوط هواپیمای کوکبک در گینه با ۳ کشته

گینه: سقوط یک هواپیمای کوچک در مرکز جمهوری

سه شنبه ۵ تیر ۱۳۹۷ - ۱۲ شوال ۱۴۳۹ - ۲۶ ژوئن ۲۰۱۸ - سال نود و دوم - شماره ۳۴- ۲۷۰

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@etelaat.com

چند نکته درخو ر توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در رابط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

• موضوع پیام‌ه جنیه‌های خصوصی، حقوقی و با قضایی ناشته باشد.

• پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.

• خوانندگان محترم شهربستی در پیام‌هایشان نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.

• چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر- سرویس ارتباطات مردمی

به استان سیستان و بلوچستان بیشتر توجه کنند

خبرهایی که این روزها از کمبود شدید آب و همچنین تغذیه بد مردم استان سیستان و بلوچستان می‌رسد، نگراننده است. ما کشور ثروتمندی هستیم، چرا باید اهالی یک استان اینقدر نگران باشند که نماینده‌شان در مجلس بگوید ۷۵ درصد از ساکنان استان تغذیه مناسب ندارند؟ چرا مسئولان رسیدگی لازم را نمی‌کنند؟ آیا آنها گناه کرده‌اند در این استان به دنیا آمده‌اند؟

یک هموطن

جلوی افراطی‌ها را بگیرند

آتش‌زدن پرچم آمریکا در مجلس شورای اسلامی از سوی برخی از افراد افراطی و بی‌اطلاع از سیاست‌های جهانی صورت گرفت که می‌تواند بهانه‌ای برای اغراض ضدابرائی رئیس‌جمهوری آمریکا شود. مردم را عل‌دای این‌گونه با مصالح کشور بازی می‌کنند و چرا یزندگان کشور جلوی این افراد را نمی‌گیرند؟

شهروندی از تهران

مشکل قطع آب در اسلامشهر

در موسی آباد اسلامشهر شب‌ها فشار آب لوله‌کشی به شدت کم و مخصاً قطع می‌شود، ما سال‌ها است که با این مشکل روبرو هستیم و به صورت حضوری بارها به سازمان آب مراجعه کردیم، ولی ترتیب‌بازی ندادند. چمن‌های شهر ما به خوبی آبیاری می‌شود، ولی ساکنان آن شب‌ها به آب دسترسی ندارند، آیا چنین وضعی از نظر مسئولان پسندیده است؟

حیب معطل‌ها - اسلامشهر

یک خبر غم‌انگیز درباره زنان زندانی

این‌که رئیس سازمان زندان‌های کشور گفته است ۴۰ درصد از زنان زندانی هیچ ملاقات‌کننده‌ای ندارند، بسیار غم‌انگیز است. به روزنامه اطلاعات پیشنهاد می‌کنم در این مورد گزارشی تهیه کند و علل و چرایی آن را مورد بررسی قرار دهد.

زیبا فرمند - شیراز

علوفه باغ‌ها به مصرف دامداری برسد

فصل چیدن و جمع‌آوری علوفه از باغهای لوسان، شهریار و دماوند فرا رسیده است، ولی متأسفانه این علوفه‌ها که می‌تواند به دامداری کشور کمک کند، به هدر می‌رود. مسئولان وزارت جهاد کشاورزی می‌توانند با یک طرح کارشناسی این علوفه‌ها را جمع‌آوری و به توسعه صنعت دامداری مصرف کنند.

کارشناس کشاورزی

جوانان برای لباس‌های محلی خود ارزش قایل شوند

در فیلد مستندی که به تازگی از یکی از شبکه‌های سیمیا پخش شد، جمعی از اهالی منطقه‌ای از خرمشهر در هوای بسیار گرم این شهر و با لباس زیبای محلی به تزیین شكلات و شیرینی به میمنت میلاد با سعادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) پرداختند.
ایکاش جوانان گرایی در دیگر مناطق کشور از اهالی غیور خرمشهر عبرت بگیرند و به جای پوشیدن شلوارهای «لی» و صلدار و تی‌شرت‌های زشت و زننده، برای لباس‌های محلی و سنتی خود ارزش قایل‌شوند و در مراسم جشن و شادی این لباس‌ها را بپوشند. کاری که امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی هم معمول است.

تلفن به خط ارتباطی

پایانه شرق تهران تغییر کاربری داده‌شود

پس از سال‌ها انتظار عملیات ساخت پایانه بزرگ مسافری پهن‌بهری در مشرق تهران آغاز شده و حدود ۹۵ درصد پیشرفت داشته است، اما گویا شهرداری منطقه ۱۳ می‌خواهد آن محل را به مرکز تجاری تبدیل کند. حال آنکه انتظار اهالی شرق تهران این است که از تغییر کاربری پایانه مزبور خودداری شود.

از ساکنان تهران‌پارس

افزایش قیمت آب معدنی

بسیاری از اجناس مصرفی مردم گران شده و قیمت هر باکس آب معدنی ۱۸ هزار تومان افزایش یافته است، با این وضع آیا می‌شود گفت که با گران‌فروش مبارزه می‌شود؟



درباره صدرالدین شجره

صدای متین رادیو



رادیو یکی از بهترین‌های خود را در هفته‌ای که گذشت، از دست داد. کسی که نام او با رادیو و نمایش رادیویی گره خورده بود. صدرالدین شجره، یکی از چهره‌های نام‌آشنای برنامه‌های فرهنگی - هنری رادیو و بویژه نمایش رادیویی بود. شجره در طول ۴ دهه فعالیت مستمر در شبکه‌های مختلف رادیویی و در برنامه‌هایی چون چشم انداز (شبکه سراسری)، جمعه‌ها با تمازت (شبکه فرهنگ)، رنگین کمان هنر (شبکه تهران)، توان مثبت (شبکه تهران) و گفت و گوی هنر (شبکه گفت و گو) به عنوان گوینده و کارشناس - مجری حضور داشته، اما از همه اینها مهمتر نمایش‌های رادیویی است که وی نویسندگی، تنظیم برای رادیو و کارگردانی آنها را به عهده داشته است. اقتباس رادیویی از شاهکارهای ادبی چون راه آزادی (هوارد فاست)، خوشه‌های خشم (جان اشتاین بک)، پدران و فرزندان (تورگنیف)، خانه عروسک، خانه اشباح و جان گابریل ثوتمن (ایسن)، مسخ (کافکا)، روز تا پایان تیرگی (شجره)، تقریباً تمام آثار جخوف و نیز اکثر نمایشنامه‌های اکبر رادی از جمله نمایش‌های رادیویی شنیدنی هستند که صدرالدین شجره برای رادیو نوشته، تنظیم و کارگردانی و در برخی از آنها بازی کرده است.

شجره را می‌توان هنرمندی چندبعدی در حوزه نمایش دانست. هم نویسندگی می‌کرد، هم کارگردانی؛ و از آن سو هم بازیگری می‌کرد و هم مجری گری. خلایق و دانش وسیع او در حوزه نمایش، در کنار برخی ویژگی‌های فسرده‌ای او مثل صدای گیرا و تأثیرگذار و چهره متین و تأثیرگذاری که داشت، کمک می‌کرد تا یک کاریزمای هنری در او شکل بگیرد و دامنه تأثیرات آن بر مخاطب خودش و آزارش گسترده و عمیق تر شود.

سال ۹۰ در گفتگویی که با او داشتیم پرسیدم آیا پرداختن به این حوزه‌های گوناگون، موجب پراکنده کاری و عدم تمرکز نمی‌شود که گفته بود: «اوایل نگران این ماجرا بودم ولی وقتی انسان ساحت‌های مختلف هنری را تجربه می‌کند، از این امکان برخوردار می‌شود تا از هر کدام از این تجربه‌ها در جهت بهبود و توسعه کارش بهره بگیرد. الان به این نتیجه رسیدم که مجموعه این فعالیت‌ها موجب جامعیت در کارم شده، نه پراکنده‌گی. در واقع پیش و بصیرتم در هر کدام از این فعالیت‌ها افزایش یافت.»

با این حال و علیرغم فعالیت‌های گوناگون او، آنچه هویت اصلی شجره را شکل می‌داد و دغدغه اصلی بود، «نویسندگی» بود. او بیش از هر چیز خود را نویسنده می‌دانست و به نوشتن علاقه داشت.

قلم شجره، بیش از هر چیز برای نگارش نمایشنامه‌های رادیویی به کار رفت. حیطه‌گرایی که به ویژه در دوران سلطه و هژمونی تصویر، کمتر مورد توجه بود یا مخاطبان خود را از دست داده بود.

علاقه به این حوزه و استمرار در نویسندگی نمایشنامه‌های رادیویی، جز از کسی که عاشق این کار است بر نمی‌آید، اما او همواره نمایشنامه‌های رادیویی را جدی تر از تولیدات نمایشی تلویزیون می‌دانست و برای اعتلای بیشتر آن می‌کوشید.

شاید خیلی‌ها خاصه از میان قشر روشنفکر جامعه که همواره به برنامه‌های تلویزیونی انتقاد دارند، از مخاطبان آثار او بودند. واقعیت این است که حضور افرادی مثل صدرالدین شجره، اعتبار و جایگاه والای رادیو در ساحت هنر و نمایش را حفظ می‌کرد و رادیو را به عنوان رسانه فرهیختگان، اعتبار می‌بخشید.

صدرالدین شجره در کنار توانمندی‌ها و هنرهایی که داشت، از صدای خوبی هم برخوردار بود که بخشی از این ویژگی به تلاش او برای تربیت صدا برمی‌گشت که یک بازیگر رادیویی سخت به آن نیاز دارد. او در این باره معتقد بود:

بقیه در صفحه ۲



استادیوم آزادی، بین دو نیمه بازی ایران - اسپانیا

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
همه کس طالب یارند، چه هشیار و چه مست
همه جا خانه عشق است، چه مسجد، چه کنشت

حافظ

گفتگو با «پوران درخشنده»، نخستین بانوی کارگردان پس از انقلاب

می خواستم صدای حنجره‌های بی صدا شوم



بهار ناصرخاکی |

علاقه مند شوم.

***چطور شد که در سینمای مردسالار ایران به فکر ساخت فیلم افتادید؟**

— بسیار بسیار سخت بود. در سال ۶۴ به عنوان اولین بانوی فیلمساز پس از انقلاب، شروع به کار کردم. طبیعتاً سینما در آن زمان در اختیار آقایان بود و هرگز بانویی پشت دوربین با عنوان کارگردان قرار نگرفته بود. با وجود مشکلات و سختی‌های بسیار، در نهایت توانستم فیلم "رابطه" را بسازم، اگران بگیرم، مخاطب داشته باشم و رابطه ای قوی و ناگسستنی با مخاطبان برقرار کنم. بسیار سخت بود که بانویی به عنوان تعیین کننده اتفاقات پشت صحنه باشد و لازم باشد همه از او پیروی کنند. بسیار سخت گذشت. شاید این انقلاب باعث شد که به بانوان این شهامت داده شود تا بتوانند سهمشان را از انقلابی که خودشان هم نقش بسزایی در شکل گیری آن داشتند، بگیرند. آن زمان در تلویزیون مشغول به کار بودم و در همانجا شرایط ساخت مهیا شد. در آن دوران، آقای پورمحمدی، معاون سیمای صدا و سیما که انسانی بسیار فرهنگ دوست بود، حمایت و پشتیبانی کرد و من توانستم اولین فیلم را با بودجه تلویزیون که بسیار هم مورد استقبال قرار گرفت، بسازم.

***نام آموزشگاه تان را «خور مهر» گذاشته اید. سرچشمه این نام از کجاست؟**

— نام مادرم ایران و نام خانوادگی اش «خورمهر» است. خورمهر به معنای خورشید شرق است. خورشید شرق، گرمای بخصوصی در تابش خود دارد. به همین دلیل فکر کردم نام مادرم که معلم بود و شغل انبیا را داشت و بسیار هم پر معنی است، بهترین گزینه است برای آموزشگاهم.

***محبت می‌فرمایید در مورد این که چرا فیلمی با محتوای موازی با «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» یعنی با مضمون «هیس پسرها فریاد نمی‌زنند»، تاکنون ساخته نشده است، سخنی داشته باشید؟**

— در واقع، قبل از این که «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» را بسازم، قرار بود «هیس پسرها گریه نمی‌کنند» را بسازم، ولی آن زمان سخت گرفتند و بخش فیلمنامه هیس پسرها گریه نمی‌کنند حذف شد و من توانستم تنها برای «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند»، مجوز ساخت دریافت کنم. پس از این که نسبت به دخترانی که مورد ظلم و ستمی چنین سخت قرار گرفته بودند و من توانستم صدای آنها باشم، فراغت بال احساس کردم، باری بس سنگین و طاقت فرسا روی دوش خود از جانب پسران احساس کردم. مردان آینده که بسیار هم مظلوم واقع شده‌اند.

گروهی که صدای شکستن شان به گوش هیچکس نمی‌رسد و فریادرسی ندارند. بار سنگین زندگی را روی دوشان گذاشته ایم و خواسته‌ایم قهرمانان افسانه ای باشند و برای این که گوش جانی برای درهایشان نباشیم، به آنها آموخته ایم که: «مرد گریه نمی‌کند»، «مرد فریاد نمی‌زند»، «مرد می‌شکند اما خم به ابرو نمی‌آورد»... و اگر زمانی برایشان اتفاقی افتاد، نه توانستند به مادر بگویند، نه به پدر. و چون فرهنگ سکوت و تحمل را به آنها یاد دادیم، از ابتدای کودکی، تنها یاورشان بالشان هایشان شد.

گریه‌ها، فریاده‌ها و درهایشان در بالش خفه شد. تصمیم‌های مهم زندگی‌شان را و حتی متأسفانه گاه مخرب، روی همان بالش، زمان شکستن بغض هایشان گرفتند.

بقیه در صفحه ۴

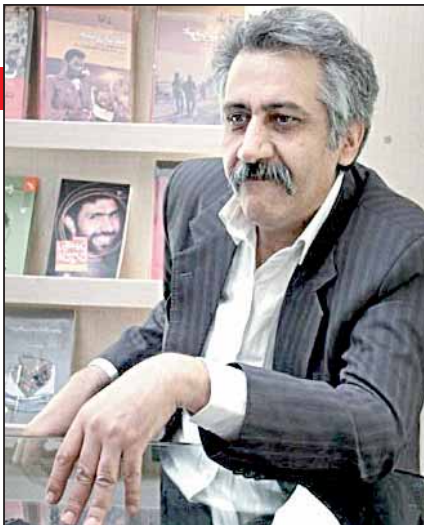
نگاهی به کتاب «قصه اساطیر»، نوشته محمدعلی علومی

راز ماندگاری قصه های کهن

دشمن چون تو بوده، مبادا دگه اسم ای دخترور
زبون بیاری، ای پسر ندیده و رای دختر عاشق
شده بود. او مد به ملاش گفت: هر چی از مادرم
می پرسم جوابم نمیده و دعوام می‌کند.
ملا گفت: مادرت به هر عبت نمیکه برا این
که میوا از تو جدا بشه. اگر میخوای بشت بگه،
همچی که رفتی به خونه به مادر بگوینیا برام
تخم برشته کن. اگر مادرت گفت: میگم فلون
کنیز بیاد برات برشته کنه قبول مکن و بگو: میوا
خودت برشته بکنی، همچی که مادرت او مد
تووه ره گذاش و آتشا و خوب داغ شد...

بقیه در صفحه ۲

روزی بود (بسه روایت مردم کرمان)...
پادشاهی بود، پسری داشت. ای پسر می بردن
به مکتب. از بس که پسر خدمومی بود و کار
به قاعده می کرد، ملا همش دعاش می کرد.
می گفت: «پرو که الهی دختر ناریج و ترنج
نصیب بشه». تامدت وختی گذشت. یه وختی
به ملا گفت: ملا ای چطور دختریه که همش
دعا می کنی خدا نصیب منش بکنه؟ و منزلش
و مکنونش کجایه؟ — ملا گفت: برو از مادرت
پرس. او را می بره جا و محله ی دختر کجایه.
ای همچی که به خونه رفت از مادرش پرسید.
مادرش گفت: نه، ای حرف هر کی یاد تو داده



نگاهی به کتاب «قصه اساطیر»، نوشته محمدعلی علومی

راز ماندگاری قصه های کهن

بقیه از صفحه اول

قصه و افسانه و اسطوره، واژه‌هایی آشنا برای هر ایرانی است و می‌توان آن را در نمونه‌هایی چون داستان هزار و یکشب مشاهده کرد. اما ریشه‌یابی و چرایی به وجود آمدن قصه‌ها و افسانه‌هایی که به اسطوره مبدل شده‌اند، بی‌پاسخ مانده و کمتر پژوهشگری گام به چنین میدان رزم بزرگی گذاشته است که البته خود، نقیصه ای در ادبیات کشورمان است. سال گذشته نویسنده - پژوهشگر معاصر کشورمان «محمدعلی علومی»، سلاح قلم به دست گرفت و وارد صحنه این کارزار بزرگ شد و حاصل تلاش او هم کتاب گرانسنگ «قصه اساطیر» است که توسط نشر آموت در حجمی ۸۸۰ صفحه ای منتشر شد تا کمبود چنین اثری در ادبیات برداشته شود. محمدعلی علومی متولد ۱۳۴۰ در «بم» بوده، نویسنده و پژوهشگر و طنزپرداز است. او در رشته علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۷۰ با گردآوری بخشی از فرهنگ مردم استان کرمان، شروع به کار ادبی در مجله ادبستان (از نشریات وقت مؤسسه اطلاعات) کرد و همزمان بخش آموزش داستان نویسی مجله جوانان آن مؤسسه را عهده دار شد. او در میانه کارهایش با سید ابوالقاسم انجوی شیرازی- ملقب به پدر فرهنگ مردم- آشنا شد و گفت و گویی با او را در مجله چاپ کرد.



علومی در حالی که با همشهری هنرمندش «ایرج بسطامی» در یک خانه زندگی می‌کرد، شروع به نوشتن و انتشار داستان‌هایش کرد. رمان «آذرستان» را در سال ۱۳۷۷ نوشت و سپس رمان طنز «شاهنشاه در کوچه دلگشا» را منتشر کرد که این اثر برنده جایزه رمان طنز شد. علومی همچنین به توصیه عمران صلاحی، در رشته طنز هم چندین پژوهش انجام داد. نظیر طنز در امریکای طنز در مثنوی مولانا جلال‌الدین، انواع طنز در گلستان، طنز و شیوه‌های داستانی در بوستان سعدی، طنز در دوره پهلوی، طنز ایران از مشروطه تا بعد، بررسی انواع طنز در خارستان اثر حکیم قاسمی کرمانی، در میان مجموعه آثار محمدعلی علومی، کتاب‌های من نوکر صدام، وقایع نگاری بن لادن، جناب آقای دیو (همگی با تم طنز)، رمان‌های خانه کوچک پریشان، اندوهگر، آذرستان، هزارویکشب نو، ظلمات، عطای پهلوان، اساطیر افسون‌ش، ...، به همراه کتاب گلدر از کوه کبود (برای ادبیات کودکان و نوجوانان) دیده می‌شود. کتاب «قصه اساطیر» دارای دو بخش است. کتاب اول به «بررسی و توضیح هزارویکشب»، و کتاب دوم به «قصه‌های ایرانی بر اساس مبانی اسطوره‌ها» اختصاص دارد. در کتاب نخست، هشت مقاله مستقل در تحلیل و بررسی هزارویکشب، ملاحظه می‌شود که عبارت است از:

- مقاله اول: توضیحی بر هزارویکشب
- مقاله دوم: ورود به جهان هزارویکشب
- مقاله سوم: تحلیل و بررسی داستان‌های هزارویکشب
- مقاله چهارم: هزارویکشب و حکمت قدیم
- مقاله پنجم: بیان رمزاها در صیاد و عفريت
- مقاله ششم: حکمت خسروانی و مکتب هرمسی در صیاد و عفريت

صدای متین رادیو

بقیه از صفحه اول

«زمانی شاید صدای خوب برای نمایش رادیویی ملاک بود، اما امروز صدای خوب مهم نیست، صدای سالم اهمیت دارد. یعنی خش بیهوده نداشته باشد، بعد و عمق داشته باشد، گرفته و بسته نباشد، شفافیت داشته باشد و بتواند حس‌های گوناگون را منتقل کند و همه این ویژگی‌ها تربیت پذیر است و می‌توان آن را آموزش داد. البته صدا باید نت داشته باشد و این بدین معنی نیست که هر صدایی برای نمایش رادیویی مناسب است.» صدرالدین شجره، انس عجیبی با ادبیات داشت و شعر و شعر خوانی را به خوبی می‌شناخت.

علاقه او به شعر و ادبیات باعث شد که از دوران نوجوانی، در مجالس شعرخوانی شرکت کند و از همان زمان نیز برای آموختن فن بیان و سلفق اقدام نماید. آشنایی او با اکبر رادی را باید نقطه عطفی در زندگی حرفه ای اش دانست. شجره در سال دوم دبیرستان، پس از به روی صحنه بردن نمایشی در مدرسه، با اکبر رادی آشنا شد و همین آشنایی، منجر به دوستی‌ای شد که تا پایان عمر رادی ادامه داشت. او در سال ۱۳۴۶، در ۱۵ سالگی، مقام نخست کشوری در آزمون فن بیان را کسب کرد و به دنبال آن وارد رادیو شد. شروع به کار وی در رادیو جوانان بود که به مدت هفت سال ادامه داشت. خودش از آن سال‌ها به عنوان بهترین سال‌های کاری یاد می‌کرد. او در سنین دبیرستان، به مدت دو سال، کلاس درس خاقانی را در دانشگاه و زیر نظر دکتر ضیاءالدین سجادی گذراند و مباحث موسیقی، سلفق و آواز را نیز در محضر مصطفی کمال پورتراب آموخت. شجره بخش بعدی کار خود را با بازیگری در نمایش رادیویی آغاز کرد و بعد از مدت کوتاهی، نویسندگی و تنظیم نمایش‌نامه برای رادیو را انجام داد. بعد از آن، کارگردانی نمایش رادیویی را شروع کرد. بدون شک باید او را یکی از ستون‌های اصلی نمایش رادیویی دانست. وی معتقد بود که «کارگردانی نمایش رادیویی با کارگردانی نمایش صحنه چندان متفاوت نیست؛

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



۲۳۵

گفتگو از: کریم فیضی

خاتمه

یکی مؤمن دگر را کافر او کرد همه عالم پر از شور و شر او کرد خرابیات از لبش معمور گشته مساجد از رخس پر نور گشته جالب است که شبستری در این اییات، موضوع را به خودش مربوط می‌کند و می‌گوید: همه کار من از وی شد میسر بدو دیدم خلاص از نفس کافر دلم از دانش خود صد حجب داشت ز عجب و نخوت و تلبیس و پنداشت در آمد از درم آن مه سحرگاه مرا از خواب غفلت کرد آگاه ز رویش خلوت جان گشت روشن بدو دیدم که تا خود چپستم من چو کوردم در رخ خوبش نگاهی برآمد از میان جانم آهی مرا گفتا که ای شیداد سالوس به سر شد عمرت اندر نام و ناموس بین تا علم و زهد و کبر و پنداشت تو را ای نارسیده از که واداشت نظر کردن به رویم نیم ساعت همی‌ارزد هزاران ساله طاعت علی‌الجمله رخ آن عالم‌آرای مرا با من نمود آن دم سرپای سیه شد روی جانم از خجالت ز فبوت عمر و ایام بظالت چو دید آن ماه کز روی چو خورشید بریدم من ز جان خویش امید یکی پیمانه پسر کرد و به من داد که از آب وی آتش در من افتاد کنون گفت از می‌بی‌رنگ و بی‌بوی نقوش تخته‌ی هستی فرو شوی چو آشامیدم آن پیمانه را پاک در افتادم ز مستی بر سر خاک کنون نه نیستم در خود نه هستم نه هشیارم نه مخمورم نه مستم گهی چون چشم او دارم سری خوش گهی چون زلف او باشم مشوش گهی از خوی خود در گلخنم من گهی از روی او در گلشنم من از آن گلشن گرفتم شمه‌ای باز نهادم نام او را گلشن راز در او راز دل گلهاش کفته است که تا اکنون کسی دیگر نگفته است زبان سوسن او جمله گویاست

خواست شیخ محمود شبستری این است که به دیده انکار به گلشن راز نگاه نکنیم. اگر انسان به هر چیزی به دیده انکار نگاه کند، در برابرش خوار و خفیف می‌شود. حاصل نگاه منکرانه، بی‌ارزش شدن همه چیز است. به عقیده شیخ نباید ناسپاس بود. ناسپاس بودن نشانه نشناختن است و گر نه، هر شناسنده‌ای، سپاس می‌گزارد و این یک قاعده است که: ناسپاس‌ها کسانی هستند که نمی‌شناسند. انکار علامت نشناختن است. اگر کسی حق را بشناسد، حق حق را هم ادا می‌کند. هر حق‌شناسی به حق رسیده است و هر ناسپاسی از حق دور است. می‌توان از این موضوع به عنوان قاعده یاد کرد.

شیخ حرف آخرش را چنین بیان می‌کند که: غرض از همه حرفها این بود که کسانی که اهل دل هستند، روزی از ما یادی کنند و اسمی بیاورند و از خداوند برایش طلب رحمت کنند. این رساله را به نام خودم پایان می‌بخشم و می‌گویم: خدایا عاقبت مرا مانند اسمم محمود و پسندیده گردان. عاقبت به دست خداست و چیزی است که خداوند رقم می‌زند.

* در پایان رساله آمده است: قد تمت الرساله المنظومه الموسومه بگلشن الاسرار بحمدالله و منّه و عونه فی سنه ۸۲۶ عجیب است که شبستری اسم کتاب خویش را در ختام و انجامه «گلشن الاسرار» خوانده در حالی که در ابتدا آن را به فارسی «گلشن راز» خوانده است:

دل از حضرت چو نام نامه درخواست جوآب آمد به دل کاین گلشن ماست چو حضرت کرد نام نامه گلشن شود زو چشم دل‌ها جمله روشن توضیح این نکته را ضروری می‌دانم که این بحث‌ها در سال ۱۳۹۰ آغاز شد و تا اواخر سال ۱۳۹۱ ادامه داشت. امید که این کار نیز مورد توجه اهل معنی و دوستداران حکمت قرار گرفته باشد.

مقاله هفتم: در شناخت شهرزاد

مقاله هشتم: یادداشت‌هایی بر هزارویکشب و افسانه‌های ایرانی در ادامه هم چندین مقاله دیگر در ارتباط با موضوع طنز در هزارویکشب، مجموعه فوق را کامل تر کرده است.

اما کتاب دوم این مجموعه نفیس به موضوع «قصه‌های ایرانی و مبانی اساطیری» اختصاص دارد و شامل توضیح و مقدمه بر قصه‌های مختلف ایرانی از جمله قصه دختر نارنج و ترنج است.

این کتاب همچنین دارای پنج پیوست ارزشمند و به این شرح است:

مقاله استاد علی اصغر حکمت در شناخت هزارویکشب، اسطوره «ایناودوموزی» ترجمه دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، مقاله دکتر امیرحسین آریان پور در باره اساطیر و فرهنگ مردم، شرحی بر رمزاها در «سفر خروج» از محمدعلی علومی، تصاویر و نشان‌های اساطیر قصه‌های کتاب.

محمدعلی علومی در باره کتاب «قصه اساطیر» می‌گوید: نیاکان و اجداد ما نخست برای سرگرمی قصه می‌ساخته‌اند و در ادامه نیز آنها را مبدل به اسطوره کردند. البته اسطوره‌ها در قصه‌های ایرانی بخش‌های مختلفی دارند. گروهی از آنها قبل از ورود اقوام آریایی به ایران و تحت تاثیر اسطوره بابل و نیز اسطوره‌های مردم شوش شکل گرفته‌اند. برخی دیگر هم میان ایران و هند مشترک هستند، دسته دیگر اسطوره‌های مشترک میان مردم ایران با مردم مصر و آسیای صغیر است که حاصل ارتباطات در دوره هخامنشی است و دسته دیگر هم اسطوره‌های زرتشتی هستند که در اوستا از آنها یاد شده است. علومی اضافه می‌کند: در قصه‌های ایرانی اسطوره‌های ایرانی دارای سه ایزد بوده‌اند. ایزد آناهیتا که فرشته موکل آبهای جاری است، ایزد تیز که باران‌ساز است و ایزد بهرام که ایزد جنگ آوری است. جالب این است که در قصه‌های ایرانی پس از ورود اسلام به ایران نام این ایزدها تغییر و کارکردشان باقی می‌ماند. در این دوره است که می‌بینیم نام‌های اسطوره‌ای در قصه‌ها تغییر می‌کند؛ جمشید مبدل به ابراهیم می‌شود. شهریار نو مبدل به فاطمه می‌شود و ...

وی در همین زمینه به وام‌گیری برخی از داستان پردازان اروپایی از فرهنگ ایرانی اشاره کرده می‌گوید: داستان سیندرلا روایتی هند و اروپایی از قصه‌ای به نام «فاطمه خانوم» است که اصالتاً ایرانی است و در کتاب فرهنگ مردم مرحوم صبحی درباره آن شرح داده شده است.

این محقق و داستان‌نویس می‌افزاید: قصه‌ها و اسطوره‌ها موضوعاتی مرتبط با هم هستند. در یک نظرگاه اسطوره‌ها از قصه‌های قومی شکل گرفته‌اند؛ یعنی از شکل روایی صرف به موضوع جهان‌نگری وارد شده و با تغییر فرم وارد فرهنگ مردم شده‌اند. مثلاً داستان کیومرث، نخست یک اثر قومی بوده و پس از آن به جهانپننی مردم ما وارد شده است.

وی درباره اینکه چرا در چند سال اخیر مساله نوین‌سازی را تنها به پژوهش در حوزه فرهنگ عمومی تقلیل داده است، می‌گوید: جای خالی پژوهش در فرهنگ عامه ما بسیار زیاد است. من قبلاً در زمینه طنز نیز به توصیه مرحوم عمران صلاحی به کار پژوهشی پرداختم. الان نیز حس می‌کنم در زمینه اسطوره‌های فارسی واقعاً جای خالی بسیار زیاد است. از طرف دیگر تمام علاقه من هم پژوهش در حوزه فرهنگ و هنر است و وقتی این مساله برایم اینقدر جذاب است، همه وقتم را صرف آن می‌کنم. علومی با انتقاد از تأمین مالی نشدن فعالیت‌های پژوهشی در ایران، خاطر نشان می‌سازد: ما اینجا آنقدر دعوای سیاسی و اجتماعی داریم که امر پژوهش رفته به کنار گذاشته شده. سال‌ها قبل سارتر گفته که کار ادبیات در فرانسه یک شوالیه‌گری بیهوده است. من به تأسی از او می‌گویم که کار ادبیات در کشورهای جهان سوم شوالیه‌گری نیست، دیوانه‌گری است...

چرا که کارگردان نمایش رادیویی، علاوه بر دانش و توانمندی‌های کارگردان نمایش صحنه، بیش از هر کس دیگری، بیشتر از بازیگر و حتی نمایشنامه‌نویس، باید ویژگی‌های نمایش رادیویی و رسانه رادیو را بشناسد.»



وی همچنین اعتقاد داشت: «نمایش رادیویی عین موسیقی است، یک ارکستر انسانی. ارکستری که حنجره‌ها آن را به وجود می‌آورند به سازه‌ها و این حنجره‌ها باید مثل سازه‌های یک ارکستر، انتخاب، تنظیم و هدایت شوند.»

صدرالدین شجره همچنین در گویندگی، تبحر و مهارت ویژه‌ای داشت و در دوره فن بیان و آیین سخنوری درجه "Master" در گویندگی دریافت کرد. این درجه به گوینده‌ای داده می‌شود که علاوه بر این که فن بیان خوبی دارد، در امر بداهه‌پردازی و دادن اطلاعات کامل و جامع به مخاطب نیز مهارت داشته باشد. فارغ از همه اینها او شخصیتی فرهیخته، متین و باوقاری بود که همواره مورد احترام مخاطب و جامعه هنری بود. روحش شاد.



اکبر اکسیر |

معرفی مجموعه شعر «در حجم منحنی های فضا»/عباسعلی یحیوی/انتشارات محقق اردبیلی/۹۶

من سنگ نیستم

* نخلی تبر خورده/در حلقه

طواف نبات النعش/و پژواک شبیه
اسبی/در رعدهای سرخ

* همچوشی نیست/
فوندانسیون سست است/نیم
ریشتر هم برایش زیاد/جواز این
شعر را باطل کنید!

* سهراب با«ما هیچ، ما
نگاه»/چشمان مرا خواند/سبیل‌های
سالوادور دالی/یا تابلوی در«تلاشی
پایداری حافظه»/روح را در
هم می ریزد/ای ابدیت بی انتها/
شسفتگی هایم را چگونه عربده
بکشم؟

کتاب را دوست
فرزانه، هنرمند خوشنویس، جناب
حاج کریم صمدزاده به دستم

رساند که امید است در این رکود بازار کتاب شعر به دست علاقه مندان برسد و
انتشارات محقق اردبیلی را سرفراز کند. چند شعر دیگر از این مجموعه تقدیم
می شود:

* من تشکیل شده ام/از هزار جزیره در کویر نمک/دیگر به ابرها نیازی
ندارم.

* نه مش اسماعیل/دست و سوهان/طرح و آهن/چه می توان ساخت
بدون عشق/سیمایی اسطوره پوش/بارش مجعد و چشمان نافذ/با شوری که از
جمجمه اش فوران می کرد/حاج یحیی پدر پدرم.

* معادله پیچیده ای/در بال های پروانه رنگ آمیزی شده است/تنها پرواز
است /که آن را حل می کند.

*من سنگ نیستم/تیرنگ نیستم/من در تمام عمر/فرهنگ زیستم.
استاد کاظم نظری بقا، نظریه پرداز شعر اردبیل، مقدمه زیبایی بر این
مجموعه نگاشته که مخاطب را در کشف فضاهای نامکشف باری می دهد.
خوش به حال سبزه زاران!



حسین فرامرزد

آشنایی با «ابراهیم سلمکی»، خالق ترانه «امواج کارون» -۱

لقب ناصر الدین شاه به یک آهنگساز

سه شنبه هفته پیش که می خواستم سلسله تازه ای درباره یکی دیگر از
ترانه‌های قدیمی را در این ستون شروع کنم، متوجه شدم که «ابراهیم سلمکی» نوازنده
چیره دست ویلن و سنتور و آهنگساز قدیمی ترانه‌های کوچه بازار و خالق ترانه «امواج
کارون» در گذشته است و مجلس ترحیم او در همان سه شنبه هفته پیش باحضور
جمع کثیری از آهنگسازان مشهور کشور راز جمله انوشیروان روحانی برگزار شد. پس
تصمیم گرفتم که به همین مناسبت و
در این فرصت، به شرحی از زندگی
و آثار او در موسیقی و ادبیات کوچه
و بازاری بپردازم. گرچه دوست تر
داشتم در زمان زنده بودنش با او دیدار
و گفتگویی می داشتم، که قسمت
نشد

سلمکی که بود؟

استاد ابراهیم سلمکی

در هجدهم آبان ۱۳۱۱ در تهران محله

سنگلج به دنیا آمد. پدر وی نیز

موسیقیدان و نوازنده بود. آقای سلمکی متاهل و دارای سه پسر و یک دختر است. از
پسران او حسین، محمد و کارون، تنها کارون سلمکی به صورت حرفه ای راه پدر را
ادامه داده و هم اکنون به عنوان یکی از آهنگسازان برجسته به شمار می رود.

ابراهیم سلمکی در سن پنج سالگی به نواختن سنتور پرداخت و تعلیمات خود
را نزد پدر شروع کرد و خودش بارها گفته است که اولین استاد و مشوق پدر بود و
اولین کسی که مرا از این کار منع کرد هم او بود! استاد سلمکی نزد پدر، ردیف‌های
موسیقی را فرا گرفت. پدرش مرحوم محمد رفیع السلطان سلمکی بود که خود از
نوازندگان دوران ناصری به حساب می آمد. او با پشتکاری که داشت، راه خود را
ادامه داد؛ به صورتی که یکی از هنرمندانی شد که بسیاری از خوانندگان از آثارش
بهره برده و به شهرت زیادی رسیدند. وی مدتی در محضر استاد صبا بود و نزد وی
درس محبت و زندگی آموخت و این که حسادت را از خانه دل بیرون کرده و همه
هنرمندان را دوست داشته باشد. او در نواختن قانون، تار و سه تار و اکثر سازها مهارت
داشت، اما ساز تخصصی اش سنتور بود و ابتکار «ناله در سنتور» از ابداعات اوست.
سلمکی بر اثر نواختن این ساز و سالیان متمادی مانوس بودن با آن توانست کارهایی
ابتکاری روی این ساز به عمل آورد و از جمله آن، تاله سیم را ابداع کرد و نقایص
دیگر این ساز را مثل خرک هفتم و بم را بمل و خرک پنجم را به طور دو طرفه «سری
و بکار» کوک کرد که در موقع نواختن صدای مطبوعی به وجود می آورد. اوشاگردان
زیادی تربیت کرده و برای خوانندگان معروفی در سبک جدیدی از موسیقی ایرانی
آهنگ‌سازی کرده اند. وقتی از آقای سلمکی پرسیده شد کدام یک از آثار خود را
بسیار دوست داری؟ جواب داد: همه آنها را ولی آنچه مردم بیشتر دوست داشتند، یکی
«امواج کارون» بود و دیگری ترانه «دنیا».



دلقوشته های آهان آهان دار

محبوب صالح علا

۳۳

گیلاس‌ها شبیه شما هستند

محبوبم! آوازخوان عرب می خواند: او داستان
شب دل مرا می خواند:

طول عمری بخاف من الحب و سیره الحب و
ظلم الحب لكل اصحابه: در همه عمرم از عشق و از
اسم عشق و ستمی که عشق به همه یارانش داشته،
می ترسیدم.

و اعرف حکایات ملیانه آهات و دموع و انین
و العاشقین دایو ما تابو: و داستان‌هایی که پر از آه‌ها
و اشک‌ها و ناله‌هاست را می‌دانم و عاشقان مست
و توبه نکردن.



طول عمری بقول لاناقد الشوق و لبالی الشوق
و لاقلبی قد عذابه: همه عمر می‌گویم که من اندازه‌ی
شوق و اندازه‌ی شب‌های شوق نیستم و نه قلبم اندازه
عذاب آن است.

ما عرفش ازای یا حیاتی: نمی‌دانم چگونه عاشق
شدم ای زندگی من.

اهل الحب صحیح مساکین: درست است که
اهل عشق بیچاره هستند.

یا سلام ع القلب و تنهیده فی وصال و فراق:
درو بر دل و غم‌هایش، دیدارها و جدایی‌ها.

یا سلام ع الدنيا و حلاوتها فی عین العشاق:
درو بر دنیا و شیرینی‌هایش در چشم عاشقان.

روحی.. قلبی.. عقلی.. حبی کلی ملک ایدیک:
جانم.. قلبم.. عقلم.. همه‌ی وجودم از آن شماست.

صوتک.. نظراتک... همس تاتک شیء مشق
معقول: صدایت.. نگاه‌هایت.. نجواهایت چیزی باور
نکردنی است.

الله یا حبیبی علی حبک الله الله: و ای عشق
ارکنی.

محبوبم! بهار شماید، درخت شماید، سبزی،
نسیم، آسمان و زمین شماید. دوست داشتن شما
مثل آبی است که یکسره چکه می‌کند. آبی که یکسره
در چکیدن باشد. با شما قدم می‌زنم، بلند می‌شوم،
سرم به آسمان می‌رسد، برای خودم غولی شده‌ام.

شب تا سحر پیچ رادیو را می‌چرخانم. به هر
ایستگاهی که می‌رسم آوازخوانان از شما می‌خوانند.
من زبان مغولی بلد نیستم. اما همین که آوازخوان
می‌خواند گریه‌ام می‌گیرد. خودم می‌دانم او هم از
شما می‌خواند.

گیلاس‌ها شبیه شما هستند. به غمزه می‌گویند:
«بفرمایید... بفرمایید... با ما دهان‌تان را تازه کنید.» من
حجالتی‌ام با شرمی گل‌بهی به خودم می‌گویم بهتر
است درخت را بخورم تا گیلاس‌هایی که شبیه شما
هستند

به درخت نگاه می‌کنم، درخت هم شبیه
شماست. به پنجره نگاه می‌کنم، به سقف، به
آسمان، به ستاره‌ها. ماه هم شبیه شماست. به آینه
نگاه می‌کنم، غافلگیر می‌شوم. آینه هم شبیه شماست.
محبوب من همه هستی شبیه شماست.

ادامه دارد

ادامه دارد

می خواستم صدای حنجره‌های بی صدا شوم

هم نزدیک می‌شوند. همین، اینها درد است. اینها بغض است. اینها فریاد است. ما ابزار قدرتمندی به نام سینما در دستان مان داریم. چرا از این ابزار غافلیم؟ چرا فقط اوقات فراغت را پر کنیم؟ فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» ۶ میلیارد فروش داشته است. یک فیلم اجتماعی تلخ اما واقعی. جامعه درکش کرد. لمسش کرد. باورش کرد و بغض‌هایش را در این فیلم فریاد زد. من کارگردان با توجه به امکانی که دارم، شمای روزنامه نگار با توجه به امکانی که دارم و ... همه باید تلاش کنیم که مسئولیت خودمان را بفهمیم و انتقال دهیم. ما باید در بخش آموزشی جامعه، تعریف شویم. ما در جامعه چه کرده ایم برای آگاهی دادن؟ اگر برای پسران مان، برای دختران مان، برای خودمان، ناهنجاری اتفاق می‌افتد، بخش فهم و درک مهرورزی و انتقال مان بسیار بسیار ضعیف عمل کرده است. بخش آموزشمان بسیار ضعیف عمل کرده است. در حالی که تعلیم است و تربیت، آموزش است و پرورش. اینها درد است. اینها زخم چانکاه است. ما نیازمند آموزشیم. باید دست در دست هم دهیم به مهر، زندگی مان و سپس جامعه را آباد کنیم. این راه گذر از مصیبت‌ها و نزدیکی با خداست. چطور می‌شود به خدا نزدیک شد؟ با شعار؟ ما باید با عملمان عشق را در رگ رگ زندگی مردم جاری کنیم.

*** نظر تان در مورد پدیدهٔ زشت «کودک آزاری» که این روزها ابعاد گسترده‌ای یافته چیست؟**

— من بسیار در این مورد صحبت کردم. این مورد هم باز برمی‌گردد به خلأ شدید عاطفی والدین. انسانی که عشق را آموزش دیده باشد و سلول سلول وجودش درک کرده باشد؛ چطور می‌تواند جز زیبایی و عشق در کودک، چیزی ببیند، تا چه رسد که آزارش دهد؟! دلم می‌خواهد در این رابطه هم فیلم بسازم. شاید هنوز گوش جانی در وجود چنین والدینی باشد و آموزشی باشد برای والدین آینده.

*** از جشنوارهٔ فیلم فجر پیرسسم. می‌دانید که چند نهاد صنفی سینما (کارگردانان، تهیه‌کنندگان و منتقدان)، طی اقدامی هماهنگ، خواستار ادغام دو بخش ملی و بین‌المللی جشنواره فجر شدند. نظر شما در این باره چیست؟**

— به نظر من جشنواره به این دلیل بوجود آمد تا بتوانیم کارنامه یک سال تلاش سینمای ایران را ببینیم و بعد بین‌المللی شد تا بتوانیم تلاش‌ها را ارتقاء دهیم و در سطح بین‌الملل سینمایمان را مطرح کنیم. جشنواره بین‌المللی فیلم فجر که در گذشته یکی بود، این فرصت را در اختیارمان می‌گذاشت تا فیلمسازان مان با فیلمسازان دیگر کشورها که به جشنواره دعوت می‌شدند، در نشست‌های مشترک و رفت و آمدهای مشترک، به زبانی مشترک دست

یابند اما این تفکیک اتفاق افتاده باعث شد تا اولاً هزینه بسیاری در برداشته باشد، دوم اینکه این رفت و آمدها و نگاه کلان‌نگری که برای سینمای ایران فکر شده بود، تبدیل شد به یک گروه خاص و یک اشل خاص. به جایی رسید که ما فیلم‌های ناچیز از سینمای ایران می‌دیدیم و طبیعتاً از سینمای جهان، آنها خودشان قبلاً این فیلم‌ها را دیده بودند و نیاز نبود به این که به ایران بیایند و ببینند.

بنابراین، از آن هدف‌های مشترکی که به خاطرش جشنواره فیلم فجر ملی و بین‌المللی باهم بهشان فکر شده بود، به نظر من فاصله گرفتیم. برای ارتقای سینمای ایران، نیاز است که دوباره برگردد به صورت قبل از تفکیک؛ چون نیاز است که صدای سینمای ایران را به فراسوی مرزها برسانیم و نیاز است که مخاطب جهانی داشته باشیم.

باید این رفت و آمدها و تعامل‌ها را همه سینماگران مان با سینمای جهان داشته باشند. زمانی که در جشنواره ملی، همه جمع اند، بنابراین نشست‌های مشترک جهانی نیز اتفاق می‌افتد و بسیار کمک کننده خواهد بود. به پیشرفت سینما و این جدایی هزینه‌ای را صرف می‌کند که اگر صرف یک بازار گسترده بین‌المللی شود، برای سینمای ایران بسیار کمک کننده و در عین حال ارز آور هم خواهد بود.

*** چه پیشنهادی دارید که مخاطبان آثار تان بهتر بتوانند از مجموع هنر و تکنیک آمیخته در تمامی پلان‌ها و سکانس‌ها لذت بیشتری ببرند و بیشتر بیاموزند؟**

— تمنا می‌کنم. این نگاه تماشاگر است. آنها هستند که می‌توانند به من مسیر را نشان دهند و طبیعتاً در نهایت، ساخته‌ای را که انتظار دارند روی پرده ببینند و لذت ببرند و بیاموزند.

*** در پایان اگر صحبتی با خانواده‌ها و مردم میهن مان دارید؛ انسان‌هایی که زمانی عشق و مهرورزی شان نامدارشان کرده بود، بیان بفرمایید.**

— من خودم را از مردم جدا نمی‌بینم. با مردم زندگی می‌کنم، با مردم رفت و آمد می‌کنم. در میوه‌فروشی، سوپرمارکت، نانوا، بوتیوس، مدرسه، سینما و همایش‌ها در کنارشان هستم و با آنها زندگی می‌کنم. مردم را خانواده خودم می‌دانم.

بنابراین، دغدغه آنها دغدغه من است. دردشان را می‌بینم و به ناچار سکوت می‌کنم، اما کنارشان هستم. متأسفانه واقعیت این است که چنان سرعت تغییر شرایط زندگی، تحولات اجتماعی و مشکلات اقتصادی زیاد است که خانواده آن جایگاه امن عاطفی و امنیتی خودش را از دست داده است. من امیدوارم که هرچه سریع‌تر موانع موجود بر سر راه خانواده و جامعه حل شود و ما بتوانیم در یک آرامش به یک عدالت و امنیت واقعی و یک مسئولیت‌پذیری خوب در کنارهم و باهم برسیم. همدیگر را عاشقانه درک کنیم و دوست داشته باشیم.

شبهه‌ای معقول به تصویر بکشیم. شاید بتوانیم اندکی درمان درد باشیم. اینها مسئولان فرهنگی [خودشان باید بیایند و پیشنهاد ساخت چنین فیلم‌هایی را بدهند، نه این که مجوز هم به ما ندهند.

*** فیلم «زیر سقف دودی»، پس از اکران در ایران، در کشورهای اروپایی و آمریکا به نمایش درآمد و نامزد ۵ جایزه از جشنواره بین‌المللی فیلم «نیس» در فرانسه شد. این فیلم به بخشی از معضلات زندگی ایرانیان پرداخته است. ابعاد مشترکی که باعث استقبال فراوان مردم دیگر کشورها از این فیلم شد، چه بود؟**

— بحث خانواده بود. من در بسیاری از ایالت‌های آمریکا در زمان اکران فیلم حضور داشتم. نمایش فیلم به گونه‌ای برنامه ریزی شده بود که بعد از هر اکران، جلسه پرسش و پاسخ با مردم داشتیم. بسیاری از مردم، خصوصاً پسران، می‌گفتند که این زندگی ما نیز هست.

در ذهن حیرت زده‌شان و بازتاب آن در سؤال‌ها این بود که چرا تا به حال به این فکر نکرده‌اند که یک بانو در خانواده به عنوان مادر، به عنوان یک همسر، در حضور اجتماعی، خانوادگی تا چه اندازه خود را وقف می‌کند؟ و جای همه افراد خانواده برای تداوم زندگی نقش ایفا می‌کند و به خودفراموشی می‌رسد. هر بیننده‌ای به نوعی همزاد پنداری می‌کرد. آقایان، فرزندان، بانوان.

من احساس می‌کنم نقطه مشترک همه مردمی که در هر جای دنیا این فیلم را دیده‌اند، عدم درک متقابل است. دیده‌نشدن، شنیده‌نشدن. این مسئله در ابعاد جغرافیایی نمی‌گنجد. در روابط ازهم گسیخته با سقفی مشترک، فرزند دارند.

متأسفانه به جایی داریم می‌رویم که انسان‌ها فقط برای حمام کردن، شستوی لباس و خوابیدن در یک منزل زندگی می‌کنند. هیچ رابطه احساسی برقرار نمی‌شود. این یک مسئله جهانی است. حتی «هیس پسرها گریه نمی‌کنند» هم یک مسئله جهانی است. می‌بینید که پس از هیس دخترها فریاد نمی‌زنند. اتفاقی که در دنیا افتاد، چه بود؟ در همه جای دنیا مردم توانستند بغض فروخورده‌شان را بیرون بریزند.

حتی نماینده‌های مجلس در آمریکا، ستاره‌های سینما در آمریکا و اخیراً در اروپا در فرانسه و آلمان، نماینده‌های بانو در مجلس آمدند گفتند که برایشان اتفاق افتاده و به سکوت پناه برده‌اند و هیچ نگفته‌اند. در جشنواره برای ایستادگی در مقابل این ظلم مشکلی پوشیدند و سکوت اختیار کردند. خانواده و مهرورزی در خانواده، زیباترین سمفونی دنیاست. بیایید ارزش را در بیایم.



*** مهربانو، دغدغه شما در پرداخت فیلم‌هایتان، ابعاد روانشناختی خانوادگی اجتماعی است. در جامعه ما بیشترین نگرانی افرادی چون شما، بیان نکردن احساسات واقعی انسانی عاطفی در خانواده‌هاست. در صورتی که در سینمای ایران، محدودیت‌هایی در به نمایش گذاشتن این روابط وجود دارد؟**

— شاید علت این که فیلم «زیر سقف دودی» را ساختم، پرداختن به همین مسئله بود. عشق ورزی و مهرورزی، مسائلی است که در خانواده و جامعه ما فراموش شده است. ما هرگز نمی‌بینیم که پدر و مادر دست هم را بگیرند و عاشقانه به هم بنگرند.

نمی‌بینیم برای هم گل بگیرند و با عشق به هم هدیه کنند. نمی‌بینیم کلام مهرآمیز باهم داشته باشند. پدر و مادر به دلیل سرخوردگی عاطفی در دوران قبل از ازدواج، نمی‌دانند که به چه شکل باید به هم مهر بورزند؟ و چون فراتر گرفته‌اند، نمی‌توانند بیاموزند.

تنها به پسران آموزش داده‌ایم که وظیفه مرد فراهم کردن مخارج زندگی است و به دختران تفهیم کرده‌ایم که وظایفش نظافت منزل، آشپزی، حفظ اموالی که مرد تهیه کرده و بچه‌داری است. هرگز نگفته‌ایم فرزندی که بدون مهر به وجود آمده، چه خطراتی در آینده تهدیدش می‌کند؟ و چگونه می‌تواند آسیب‌زننده به خود و خانواده‌اش باشد.

آن‌هم بی هیچ گناهی. غافل هستیم از این که به آنها بگویم ازدواج یعنی «زندگی مشترک»، یعنی «لحظات عاشقانه مشترک»، یعنی «مهرورزی و درک متقابل». فرزندان ما از روابط جنسی مشترک هیچ نمی‌دانند. زمانی که فرزندان ما ازدواج می‌کنند، به دلیل ناآگاهی، ایجاد انزجار از این رابطه در همدیگر به وجود می‌آورند.

زمانی که ما فرزندانمان را با عشق مورد خطاب قرار نمی‌دهیم و مهر نمی‌ورزیم، چگونه انتظار داریم که فردای روزگار، مهارت عشق ورزی را داشته باشند؟ فرزندان ما فقط به خاطر این که دو جنسیت متفاوت دارند، به

بقیه از صفحه اول

پس از این که ساخت فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» به پایان رسید و به اکران گذاشته شد، سؤال‌های بی‌شماری از من شد که چرا در مورد «مرد» فیلم چیزی گفته نشد؟ و من تنها می‌توانستم بگویم که به امید خدا فیلم دیگری خواهم ساخت که داستان مردها است. مراد هم البته به خودی خود و بدون آسیب دیدن، مراد نشده است.

اوه‌م در شرایطی و موقعیتی قرار گرفته که امروزه تبدیل شده به چیزی که هست. من همیشه به این فکر می‌کنم که وظیفه من به عنوان یک کارگردان، تنها خنداندن و سرگرمی مردم نیست. وظیفه من فیلمساز، آگاه کردن مردم نیز هست.

در اثر ناآگاهی و بی‌خبری ما به عنوان پدر و مادر، به عنوان خانواده و اطرافیان، ناآگاهی و بی‌خبری جامعه است که این کودک خود را در خود کشته تا کمتر رنج بکشد.



علت پرخاشگری‌ها، رفتن به سوی خلاف‌های متعدد، زن‌های متعدد، آدم‌های متعدد، ریشه در مسائلی دارد که ما باید آنها را شناسایی کنیم و بخشانیم. حالا اگر قرار است در این رابطه فیلمی ساخته شود، چرا باید مجوز داده نشود؟!

فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند»، عکس‌العمل اجتماعی‌اش چه بود؟ غیر از این بود که بسیار آگاهی دهنده بود؟ مشاهده کردید که تا چه اندازه کمک کننده بود به دختران ما، به خانواده‌ها و به جامعه. زمانی که سینما تا به این اندازه تأثیر گذار و آگاهی دهنده است، چرا این وسیله قدرتمند را در اختیار آگاهی دادن به مردم نمی‌گذاریم؟ باید در مسیر آموزش و آگاهی درست مردم از سینما استفاده کنیم. در اختیار چیزی قرار دهیم که نامش تحکیم خانواده و تحکیم آینده است. باید در دهایمان را در سینما فریاد بزنیم تا درمانی اصولی برایشان بیابیم.

*** آیا تا به حال به فکر ساخت فیلمی با موضوع مشکلات «ترنس‌ها» هم بوده‌اید؟ چرا به این عزیزان پرداخته نمی‌شود؟**

— حدوداً سال ۷۵ - ۷۶ فیلمنامه‌ای به وزارت ارشاد فرستادم که نامش «مرا رضا صدا کنید» بود که به بحث «ترنس‌ها» پرداخته شده بود. آن هم با تحقیقاتی بسیار گسترده که نتیجه یک سال تلاش در این باره بود. پیگیری بسیار کردم. آنها را یافتم، تعدادی از آنها پیگیر شدند و مرا یافتند. به دردهایشان گوش کردم. با این که برایم سخت بود، درکشان کردم و رسیدم به جایی که در موردشان فیلم بسازم. فیلمنامه نوشته شد اما این درد مشترک انسان‌هایی که ناخواسته با چنین مشکلی مواجه هستند هم رد شد و مجوز ساخت داده نشد.

*** پس از آن زمان، دیگر در صدد گرفتن مجوز و ساخت این فیلمنامه نشدید؟**

— من از سال ۶۸ تا ۷۷ حدود ۹ سال فیلم نساختم. پس از آن به آمریکا رفتم و فیلم «عشق بدون مرز» را ساختم. آن سال‌های سکوت و دوری من از ساخت فیلم، سال‌های ظهور و بروزشان بود. سالهایی بود که امام خمینی، این قشر از جامعه را به رسمیت شناخته بود و اجازه تغییر جنسیت به این افراد داده شده بود. این به رسمیت شناخته شدن به اینها کمی اعتماد به نفس و خودباوری داده بود. در عین حال، دغدغه‌های ارتباطات اجتماعی شان بسیار زیاد شده بود. پیگیری می‌کردند تا کسانی را بیابند تا درشان را در قالب یک فیلم اجتماعی فریاد بزنند. متأسفانه با پیگیری‌های بسیار اجازه ندادند تا زندگی این اشخاص که به رسمیت شناخته شده بودند را به تصویر بکشیم. شاید در آن صورت، جامعه تصویر واضح تری از این عزیزان داشت. همانطور که فیلم «بچه‌های ابدی» را ساختم، فیلمی از عزیزی که به سندروم دان دچار بودند.

این عزیزان را به جامعه معرفی کردم. ویژگی‌هایشان، ارتباطشان با خانواده و اطرافیان که این عزیزان خود نقش ایفا کردند و در این فیلم، از دردهایشان گفتند، از ویژگی‌هایشان و این که تا چه اندازه تأثیر گذار بود در جامعه و ارتباط با این افراد باهم تأکید می‌کنم که در مورد ترنس‌ها تلاش بسیار کردم، اما اجازه ساخت داده نشد. زمانی که تصمیم گرفتم فیلمساز شوم، با خدای خود عهد و پیمان بستم تا بتوانم صدای حنجره‌های بی‌صدا باشم و بغض‌هایشان را در فیلم‌هایم فریاد بزنم. تمام سوژه‌های ساخته شده توسط من، فشارش مردم است. زمانی که درد بزرگ مردم را در رابطه با مسئله‌ای می‌بینم، می‌شنوم، عمق دمل چرکی دردهایشان را حس می‌کنم، تحقیق و پژوهش بسیاری انجام می‌دهم. آن زمان تصمیم به ساخت می‌گیرم. درد افراد جامعه، یک درد مشترک است.

پس باید نبض بغض‌هایشان را در گلوئی خودمان حس کنیم و به



خطرات اجتماعی استاد امین‌الله رشیدی
در عرصه آواز و موسیقی

یک عمر خاطره

۹۷

اصولاً هنرمندان دارای طبعی لطیف، توأم با خلوص و سادگی و افکار و ایده‌هایی ظریف و انسانی هستند که این خصایص اجازه ورود آنان را به عالم سیاست، یعنی عالم دورنگی، حیل، دوز و کلک، حق‌بازی و شامورتی‌گری نمی‌دهد.

به اعتقاد نگارنده، آن کس می‌تواند وارد گود سیاست شود و تبعات و عواقب آن را به جان پذیرد که مطمئن باشد به مقامات بالای سیاسی، امثال وزارت تا نخست‌وزیری و پادشاهی خواهد رسید یا از لحاظ مادی به ثروت‌های آن‌چنانی دست خواهد یافت، والا در اطراف سیاست و سیاسیون گشتن و زنده باد- مرده بادگفتن و خود را به آب و آتش زدن و با طناب پوشیده آنان به چاه رفتن، همان است و با دردسرهای و ناکامی‌ها- چون عارف- مواجه گشتن، همان!

و ایمن بود برگزده‌ای نزدیک به یک‌دهم از منظومه بلند «عارفنامه» که توضیحاتی چند درباره آن ضروری می‌نماید.

۱- سروده‌های سه شاعر مطرح معاصر- ایرج، عشقی و عارف- با آنکه در آن زمان چاپ و توزیع مطبوعات، اعم از جراید و کتاب‌ها، برخلاف امروز امکاناتی گسترده نداشت و کمتر به دست عامه مردم می‌رسید، اما اکثراً به‌صورت ضرب‌المثل بر سر زبان‌ها جاری بود و نگارنده به خوبی به یاد دارم که حتی مردم عامی و بی‌سواد که آن روزها در اکثریت بودند، اشعار شاعران نامبرده را در محاورات روزانه به کار می‌بردند.

۲- «عارفنامه» بیش از آنکه مربوط به گله‌ها و انتقادات دوستانه ایرج از عارف باشد، بیانگر اوضاع و احوال ناسامان و پریشان مردم و مملکت ایران در آن دوران بوده و می‌توان گفت که ایرج زبان گویای مردم در اعتراض به وضع موجود بود و بدین جهت به سرعت در میان مردم منتشر و در افواه عامه جای می‌گرفت.

۳- امثال مثنوی «عارفنامه» توسط دیگر شاعران ایران قدیم و معاصر نیز سروده شده است.

ادیب بیضایی کاشانی- پدر بزرگ مادری بنده- معاصر ایرج میرزا منظومه‌ای به نام «خواب‌نامه» در حال و هوای «عارفنامه» سروده که تقریباً دارای ۲۵۰ بیت است با این درآمد:

شب دوشین مرا، جان برادر
به خواب آمد بساط روز محشر

نه بینی روز بد، بدمحشری بود

عجب هنگامه خر تو خری بود!

که تاکنون در دیوان ادیب یا جای دیگر چاپ نشده است و امید است که روزی در موقعیتی مناسب و شرایط مساعد، چاپ و منتشر گردد.

۴- گروهی از منتقدان به وجود طنز و مطایبه در اشعار ایرج، به‌خصوص «عارفنامه» ایراد می‌گیرند و اصولاً با شوخی و طنز میانه‌ای ندارند و زندگی و مسائل مربوط به آن را خیلی جدی می‌پندارند! اما بنده معتقدم و بر این اعتقاد هم پای می‌فشارم که طنز یکی از وجوه تکامل شخصیت انسان است و به تعبیری دیگر اگر مایه طنز در وجود اشخاص، به خصوص هنرمندان و شاعران و نویسندگان نباشد، شخصیت ایشان جامع و کامل نیست.

در سراسر کتاب «گلستان سعدی» که مجموعه‌ای گرانقدر از پند و اندرز، ادب و حکمت، دانایی و عبرت است، طنزهای لطیف و ملیح به قلم ارجمندترین و تواناترین شاعر و نویسنده تاریخ، یعنی سعدی شیرازی گنجانده شده و این در حالی است که ادبای سخن‌شناس و نکته‌سنج بالاتفاق گلستان سعدی را «قرآن پارسی» نام گذارده‌اند!.. ادامه دارد



نگاهی به فیلم "دل‌می‌خواه" بهمن فرمان‌آرا رقص در میانه خیابانم آرزوست



منوچهر دین‌پرست

مدرنیته و پیامدهای آن در روزگار ماست. "فرزانه" روایت مردی که در نهایت در بیمارستان بستری می‌شود اما بحران حقیقت بر سر او ریخته و نه تنها خود را آشفتگی و به رقص وادار کرده بلکه همه را دچار بحران کرده است. التهاب فرزانه از روی یک اتفاق نیست بلکه او کسی است که خیابان به رقصی وادار می‌شود که می‌تواند رقص عارفانه در ادبیات کهن ایرانی را برای ما بازتاب دهد. فرزانه نویسنده‌ای که می‌خواهد بنویسد اما در پرسشی جدی و دو راهی سهمگینی قرار گرفته که نمی‌داند چه بنویسد و چرا نمی‌تواند بنویسد. بر این اساس روایت فیلم، ساختار متصلبی است که کنش و کنشگری‌های بسیار عادی در آن رخ می‌دهد و حتی اهمیت هم پیدا می‌کنند. از این رو اهمیت آن را باید در زندگی روزمره فرزانه که مملو از نشانه‌های زبانی، مکانی و زمانی است جست و جو کرد.

گاهی در زندگی مان وقایع خارق‌العاده، شگفت‌انگیز و ویژه‌ای رخ می‌دهند که این وقایع ممکن است عادی باشد. اما این عادت از سر تاریکی و شاید جهل هم باشد. جهلی که فرزانه با آن رو به روست جهان این روزهای ماست که می‌خواهد با بیانی نمادین انسانهای جامعه را که در غم و اندوه و بی‌کسی به سر می‌برند به شادی و شاید رقص وادار کند. او می‌خواهد در جهان خیالی خود رقصی در میانه میدان و خیابان آرزو کند اما رقص برای او رو به رو شدن با حقیقت است. بر همین اساس است که آنچه را که فرزانه می‌گوید حتی برای کسانی که در زندگی هر روزه شان با آنها روبرو نمی‌شوند، شگفت‌انگیز و متوهمانه و دیوانه وار به حساب می‌آید. اما نقطه تلاقی گاه و شاید نخ تسبیح فیلم را باید در آنجا که ارتباطات انسانی از سویی در گرو روان‌شناسانی که خود دچار آشفتگی هستند دید و از سوی دیگر از بیان دخترتری فاحشه که سر مهاجرت دارد به تماشا نشست. در این تلاقی گاه است که زبان فرزانه قاصر اما برنده و تلخ است.

او در فرازی قرار می‌گیرد که در آن زبان با تمامی واژگان و آرایه‌هایش برای دیگران در سطحی نازل و گاه دیوانه کننده قرار می‌گیرد. جدال عقل و جهل جدالی روشنی بخش است که اگر سودای آن جدال برای کسی آشکار نشود نه تنها فرزانه‌ای در روزگار خود نیست بلکه دیوانه‌ای برای بیمارستان محسوب می‌شود که دیوانگان تمنای رقص او را دارند.

فرزانه نمی‌خواهد تسلیم حقیقت زندگی شود او دائماً در حال شنیدن خبر مرگ دوستان است اما مرگ آگاهی او در موسیقی جان می‌یابد.

صدای موسیقی برای او صدای کلماتی از جنس حقایق زندگی است که اگر کسی هم توانست بشنود او را هم به رقص وادار می‌کند.

آشفته‌گی و سردرگمی نه تنها نماد آشکار این روزهای ما است، بلکه گویی "آگاهی" و "فرزانه‌گی" به معنای پی بردن به مفاهیم بنیادین زندگی و حیات و مرگ، نگاهی مغفول و گم‌شده است. بر این اساس شاید بتوان گفت کسانی که در مبانی زندگی و بسترهای معرفتی دچار آشفتگی می‌شوند مفاهیم و معانی را به زبان می‌کشایند که در بیان دیگران الفاظی بی‌معنی و حرکاتی بی‌تدبیر باشد. بنابراین شاید تنها راه بیان ناگفته‌ها و حقایق زندگی، "جنون" باشد. جنونی که خود نه تنها حقیقتی مثالی است بلکه در لایه‌های زیرین خود زبانی رسا دارد.

فیلم "دل‌می‌خواه" بهمن فرمان‌آرا که در سسی و پنجمین جشنواره جهانی فیلم فجر اکران شد مضمونی اغواگرانه، جذاب و خودخواهانه دارد. کارگردان با مجموعه‌ای از نمادها بیانی جذاب را برای مخاطب انتخاب کرده است. سیر داستان فیلم را اگر چه بتوان در یک خط خلاصه کرد: "بهرام فرزانه نویسنده‌ای است که مدت‌هاست نمی‌تواند داستان بنویسد. ناگهان بر اثر یک تصادف اتومبیل، آهنگی در ذهنش تکرار می‌شود که او را به رقص می‌آورد. همین اتفاق شوق نوشتن را در او بر می‌انگیزد."

فیلم فرمان‌آرا پیوندی از جنس شعر و تصویر است. پیوندی که توانسته معرفتی را به مخاطب منتقل کند که یا باید با او رقصید و یا او را دیوانه‌ای قلمداد کرد. لذا فرمان‌آرا با توجه به پیشینه و گذشته فیلم‌سازی خود این بار سعی کرده با جهانی نمادین و مثالی بیانی از زندگی روزمره ما که تسلطی جدی بر تار و پودمان یافته بیابد و با برقراری ارتباطی چالش برانگیز مخاطب را به فهم لایه‌های زیرین فیلم وادار کند.

پیوندی که فیلم میان رقص نویسنده که دیگران او را دچار جنون و آشفتگی و دیوانگی می‌پندارد و نوشتن دوگانگی را ایجاد کرده که مخاطب، فرزانه را "فرزانه" بیندارد. او نمادی از فرزانه‌گی در عصر سردرگمی و آشفتگی و غم زدگی این روزهای ماست.

او نمادی از کسی است که دیگران تصور می‌کنند که او دیوانه شده است. اما او فرزانه وار در پی بیان حقیقتی است. حقیقت برای او عریان است اما در وهم و خیال او موسیقی کلامی رسا برای بسترهای معرفتی آنچه که می‌بیند و نمی‌تواند به زبان جاری کند، است.

از سوی دیگر فیلم "دل‌می‌خواه" را می‌توان فیلمی اخلاقی و اجتماعی که طعنه سهمگینی به سیاست نیز زده است برشمرد.

لایه‌های فیلم از جنس شهر و



تانا کورای شعر امروز

«تانا کورا» نام اولین مجموعه از اشعار فراتوی حامد «اشرف زارعی» است که توسط نشر شانی در پاییز نود و شش منتشر شده است. این مجموعه، شامل هفتاد و هشت شعر کوتاه است که در زیر تعدادی از آنها را می‌خوانیم:



نزدیکان

زندگی را دورادور می‌شناسم
اما مرگ
از نزدیکان من است

شیبه اسب

من یک نجیب‌زاده‌ام
پدرم
پدربزرگم
و همه اجداد من در طول تاریخ
شلاق خوردند
و
سکوت کردند

بارگی

خط فقر
یک خط فرضی است
که آدم را به دو قسمت تقسیم می‌کند
این شعر بر اساس یک واقعیت است
خاطرات یک خیاط زنانه‌دوز
بوی تعفن اتاق پرو می‌دهد
مثل خاطرات یک کاسب
مثل خاطرات یک نوازنده
مثل خاطرات یک شاعر
مثل خاطرات یک...

یک نفر خودکار را از دست من بگیرد
تا این شعر، آبروی همه را نبرده است.

اولویت بانان شب است

چند شعر
یک کتابخانه
یک خط فکری
و مقداری لوازم منزل به فروش می‌رسد

رای

من گفتم: باید برویم شمال
خواهر گفت: باید برویم شرق
مادر گفت: نه! تعطیلات باید برویم غرب
پدر آرام خوابیده بود
و قطار می‌رفت جنوب!

روح

قبلاً به مرگ فکر می‌کردم
حالا به زندگی
فقط وقتی می‌خواهم بلند شوم
سرم به سنگ می‌خورد.

ناشر

کلمات را طوری بچین
که
ناشر سود کند
ارشاد مجوز بدهد
خواننده راضی شود
به کسی برنخورد
درخت پشیمان نشود
خستگی اژه در برود
خودکار ناراحت نشود
منگنه دفتر عصبانی نشود
و غیره...



عابدین
کیانی

رویش های پوپولیسم و آنارشیزم در شعر امروز

(بخش پایانی)

دارد تا که تبدیل به مفاهمه ای به نام آنارشیزم نشود. یک جریان ادبی از یک مکان مشخص آغاز می‌شود و ممکن است به مکان‌ها و زمان‌هایی دیگر هم عزیمت کند و خطر همین جاست که این سیر و سیاحت، خود عاملی است که خطر پوپولیسم را برای جریان ادبی فراهم می‌سازد. فرهنگ شعر وقتی جامعه پذیر می‌شود که لایه‌ها و بایه‌های خود را یا دیگر فرهنگ‌ها تطبیق و تعمیم دهد. فهم فرهنگی با درک فرهنگی در تفاوت است. ممکن است یک شاعر عرب زبان از شعریک شاعر فارسی زبان، تنها فهمی داشته باشد و از درک بالایی از شعر او بهره مند نباشد. فهم و درک، دو عامل مهم در جهت زیستنی عالمانه فی مابین فرهنگ‌ها و زبان‌ها به شمار می‌رود. من شما را می‌فهمم ولی درک نمی‌کنم.

ادراک چند مرتبه بالاتر از فهم است. فهم بودن با تشخیص دادن فرق می‌کند. یک شعر و یا نویش از یک شاعر یا نویسنده فرانسوی، هم نیاز به فهم دارد و هم درک اجتماعی. درک کردن، نوعی تشخیص دادن است که بر اساس تمایز به دست می‌آید. پوپولیسم و آنارشیزم، در یک جریان ادبی زمانی شکل می‌گیرد که جامعه فهم و درک درستی از آن فرایند فکری ندارد و به جای درست فهمی، کج فهمی را گزینش می‌کند و این کج فهمی خود عاملی در جهت حضور پوپولیسم و آنارشیزم در جامعه است.

حرکت به سمت پست مدرن با عدم شناخت از مدرن و سنت باعث ظهور آنارشیزم در جامعه می‌شود. یک نسل ادبی ممکن است فرزند دنیای سنت باشد و آن دیگر فرزند دنیای مدرن و یا پست مدرن. نسل‌ها با هم جا به جا نمی‌شوند ولی همگرایی نسل‌ها امری ممکن است. اگر نسل‌های ادبی همدیگر را بفهمند، پی امد آن درکی مشترک است و درک مشترک به مثابه درد مشترک هم هست؛ اما عکس آن نمی‌تواند منجر به تولد ادبیاتی پیشرو باشد.

پیش روندگی در ادبیات و شعر، نیاز به زیستنی مسالمت آمیز دارد و این زیستن مسالمت آمیز با همگرایی به دست می‌آید. گویش‌ها به تنهایی قابلیت باز تولید ندارند و زبان فارسی هم نمی‌تواند زبانی تک تاز باشد، بلکه هم زیستنی این دو خود مسببی است در جهت رشد و بالندگی زبان و ادبیات فارسی.

زبان فارسی امروز در دو حالت زیست می‌کند. یکی همزیستی با گویش‌های بومی است و دیگر هم زیستنی با زبان‌های خارجی است. فکر می‌کنم پوپولیسم و آنارشیزم زمانی به وجود می‌آید که زبان فارسی قادر به همزیستی با این گونه‌های زبانی نیست.

بن مایه سخن این که شعر امروز در دنیای حال، نوعی بایستی است که شایستگی‌ها و همبستگی‌های جهان آینده را نمایان می‌سازد و رویش پوپولیسم و آنارشیزم این ژانر شعری را از حرکت و هدف فرابخش خود باز می‌دارد.



امروز مقایسه کرد.

قیاس یک بحث است و مقایسه بحث دیگری است. برای قیاس کردن یک چیز با چیز دیگر نیاز به داشته‌هایی مشترک است و تا این داشته‌ها در همه جوانب مشترک نباشد، قیاس کردن بی معناست و مقایسه وقتی شکل می‌گیرد که قیاسی صورت گرفته باشد و در آنجاست که مقایسه جای خود را نشان می‌دهد. دنیای امروز دنیای قیاس و مقایسه است. آیا ادبیات و شعر ما این قیاس را انجام داده است؟ آیا ادبیات و شعر ما به مقایسه ای نتیجه بخش در همه جوانب در جهان امروز دست یافته است؟

این پرسش‌هایی است که می‌تواند ذهنیت جوان مستعد و انترژیک امروز را به تأمل و تفکر وا دارد تا که شاید فرایند شعر امروز به سمتی سرشت شناسانه هدایت شود.

در هر اجتماعی رویش پوپولیسم مبرهن است، اما این رویش، تنها از یکپارچگی توده واری بهره مند نیست بلکه ممکن است یک جامعه مدنی و تکنوکراتیک هم به پوپولیسم تبدیل شود. فرق است بین پوپولیسم و آنارشیزم. پوپولیسم یک حرکت توده وارانه و تکنو وارانه است که این دو بر اثر مناسبات اجتماعی و سیاسی جای خود را عوض می‌کنند.

هر گفتمانی به مانند شعر اگر تنها از محرکی به نام قدرت بهره مند باشد و از مقوله ی اقتدار بدور باشد به مرور زمان تبدیل به مفاهمه‌هایی اعم از پوپولیسم می‌شود. اقتدار نوعی محبوبیت اجتماعی است که مردم برای مردم تعیین می‌کنند، نه حاکم برای مردم و آن حاکمی که تعیین کننده باشد، دارای اقتدار نیست.

نکته دیگر آنارشیزم است. آنارشیزم نوعی رفتار غیر سازماندهی شده و نامنظم است که بدون رهبری کاریزماتیک یا در عرصه اجتماع می‌گذارد و فرق آن با پوپولیسم در این است که پوپولیسم دارای رهبری کاریزماست. بنابراین، شعر به مثابه یک تولید اجتماعی نیاز به حمایتی روشنفکرانه

پرسش

محسن ناصحی |

باید از باران پیرسی قصه دریا، چه بود

تا بگوید آنچه را در سینه دریاچه بود

ابر حالی بهتر از من دارد، اما گریه کرد

گرچه می‌دانم نمی‌داند دلش را چه بود

در دهانم قطره ای انداخت باران، سوختم

درد بود آیا نمی‌دانم؟ مداوا یا ... چه بود؟

درد من عشق است آری، شاهد آن لا اله

گرچه یاد می‌رود گاهی پس از آنچه بود

مثل من باید کسی مجنون بماند سال‌ها

تا بفهمد علت بیماری لیلا چه بود

دیر فهمیدم ولی وقتی رسیدی باز شد

معنی "جانم بقربانت ولی حالا" چه بود

شعر کلاسیک

دوربачی

علی عشایری (واد) |

امشب به هزار بوسه لایق شده‌ای

خوش‌رنگ تر از دشت شقایق شده‌ای

عالی است چنین حالت تو، اما... وای...

ای دل، نکند دوباره عاشق شده‌ای؟

پرسید ز من که در دلت جنگ شده؟

یا مقصد ظلم و جور و نیرنگ شده؟

با لهجه چشم تر به چشمش آرام

گفتم که دلم برای تو تنگ شده

خاطرات طنز دندان پزشکان

دکتر افشین قناد



اشاره:

این فقط طنزپردازان عزیز نیستند که طنز بلدند و خاطرات طنزناک دارند. کل ملت شریف ایران، اگر دقت کنید، عموماً طوری زندگی می کنند که قطعاً به شکل گیری خاطرات طنز بسیاری منجر می شود. مربوط به الآن هم نیست. در کل تاریخ چنین بوده ایم که هستیم. کاش می شد همه را جمع آوری کرد. کل دنیا می خندیدند!



لااقل کاش از هر قشری و از هر صنفی، یکی که بیشتر اهل ذوق و البته اهل بخیه بود، پیشقدم می شد و خاطرات صنف خود را جمع آوری می کرد.

خوش به حال جامعه محترم «دندانپزشکان» ایران که یک نفر آدم خوش ذوق و با استعداد از میان خودشان پیدا شده و اقدام به جمع آوری خاطرات طنز همکاران خود از سراسر کشور کرده است. «دکتر افشین قناد»، عزیز دندانپزشکی است در تهران که از قضا شاعر و طنزپرداز هم هست. کتاب اشعار طنزش نیز پیش از اینها منتشر شده است و در همین صفحه معرفی شده است؛ با عنوان «دندانپزشکی»!

این آقای قناد، کز سخنش شهد و شکر می ریزد. اخیراً خاطرات همکاران دندانپزشک خود را از سراسر کشور جمع کرده و در دو جلد کتاب و ذیل عنوان کلی «دندان نگاری ها»، از سوی «نشر دانه» (تلفن: ۶۶۱۵۶۰۰۲) تقدیم علاقه مندان نموده است. کتاب نخست «آقای کامل، خانم پارسیل» نام دارد و کتاب دوم «شما که دیروز مرد بودید!». (با شما نیستیم!) ایشان زرنگی کرده و برای این که در این کار، دست تنها نبوده باشد و شریک جرم (!) هم داشته باشد؛ تألیف این دو کتاب را با همکاری «دکتر سیامک شایان» انجام داده است. چچی می دانیم؛ شاید هم ایشان با همکاری دکتر افشین قناد، این کار را انجام داده است. خدا عالم است!

برای این که دست خالی از مطب این دوستان دندانپزشک خارج نشده باشید؛ تا جایی که جا هست، شما را مهمان چند فقره از خاطرات چاپیده شده در این دو کتاب می کنیم. این همه در مطب دندانپزشکان عزیز، استرس و اضطراب و درد و خونریزی داشته اید؛ یکبار هم که شده، بخندید. بعداً سر حساب کردن خدمات دندانپزشکی، جبران می کنند!

غفلت ۸۱۳ روزه

دکتر عطیه هاشمیان

داشتیم برای یه آقای میان سال جرم گیری می کردم و در حین آن توضیح می دادم که چند تا ریشه داری که باید خارج بشه و فلان مقدار ترمیم و بعداً ایمپلنت، که گفت: «بنویس خانم دکتر، میام همشو انجام می دم...» و ادامه داد: «من ۸۱۳ روزه خودمو از یاد بردم و خوب مسواکم نرزم. اما حالا می خوام به خودم برسم...» این ها را گفت و چشمانش را بست.

کنجکاو شده بودم، پرسیدم: «جسارت، شما چطوری اینقدر دقیق یادتون هست از کی به خودتون نرسیدین؟» بغض کرد و گفت: «تاریخش یادم نمی ره، روزی که زخم رفت خارج و تنها گذاشت...»

دندان پزشکی در زندان

دکتر شیوا جعفرنیا

تشخیص دوم بودیم و طبق معمول در عجله برای معاینه سریع بیمارها، معمولاً بیماران بخش تشخیص، هر کدام داستان خودشان را داشتند، ولی کیس آن روز فرق داشت. آقای هیکل با تعداد زیادی خالکوبی روی دست و بدنش نشست روی یونیت معاینه. ویزیت را شروع کردم. یکی از دندان های شش پاییش حالت خاصی داشت. انگار بمب داخلش ترکید بود. ازش پرسیدم: «این دندون درد نداره؟» جواب داد: «نه قبلاً درد داشت، خودم عصب کشیش کردم!»

گفت: «هیچی خانم، توی بند نبودم، اونجام که دندونپزشک نداریم ولی خیلی راحت، یک سری سیخ داریم، یکی از اونارو داغ کردم و فرو کردم تو دندونم. اولش درد گرفت ولی بعدش دیگه خوب شد. با او دندون مشکلی ندارم، شما بقیه رو ببین!» آن قدر قانع شدم که جوابی برایش نداشتم. من ماندم و قیافه متعجب از میزان پیشرفت تکنولوژی دندان پزشکی در زندان!

جیب بی دلیل

دکتر توفیق کوچک خانی

یک روز در ساعات اوج شلوغی درمانگاه، برای خانم میانسالی بعد از تزریق بی حسی و مطمئن شدن از آن، دندان کشیدم. آنچنان جیبی کشید که نه تنها پرسنل و بیماران منتظر، بلکه از ایستگاه تاکسی جلوی مرکز هم مردم هراسان، در اتاق دندان پزشکی ریختند. بنده که از شدت خجالت خیس عرق شده بودم با اظهار تأسف پرسیدم: «شرمنده، خیلی درد گرفت؟»

گفت: «خیلی ممنون، اصلاً درد نداشتم. خیلی عالی بود، اصلاً نفهمیدم»

گفتم: «اگه درد نداشتم، پس اون جیب چی بود؟»

گفت: «قبلاً جای دیگه کشیده بودم، خیلی درد داشت. فکر کردم اینم مثل اون!»

پیشنهاد شغل جایگزین

محمدرضا مشفق، دانشجوی دندان پزشکی

من و علی دوستم در بخش تشخیص بودیم. علی بالای سربک مریض ایستاده بود و شرح حال می گرفت. یهو استاد آمد و چند تا سوال ازش پرسید هیچ کدام را بلد نبود. شروع کرد به دعوا کردنش. وقتی تمام شد و استاد رفت، بیمار برگشت و به او گفت: «گل پسر، درستاور نخوندی؟! بیا من توی سوپر مارکت یک شاگرد می خوام پیشم وایستا!»

آماده شدن برای آمپول

دکتر راشین آریان فر

در دوران طرح بودم که خانم مسنی برای کشیدن دندان به من مراجعه کرد. روی یونیت نشست و بعد از معاینه گفتم: «اگر آماده هستید، آمپول بزنم؟» پشتم را بهش کردم تا سرنگ بی حسی را آماده کنم، همانطور که پشتم بهشون بود، صدای تگون خوردن یونیت را می شنیدم. وقتی برگشتم، با دیدن آن صحنه گیج شدم.

بیمار روی یونیت کاملاً برگشته و روی شکم خوابیده بود و شلوارش را پایین کشیده بود.

با تلاش زیادی خنده ام را پنهان کردم و گفتم: «مادر جان، قراره دندان ت را بکشیم، پس آمپول را هم به دندان ت می زنم!»

بیمار مبادی آداب

دکتر علی سجادی

روزی آقای با نزاکت و با ادب وارد اتاق مطبم شد. بعد از سلام و علیک گفتم: «دکتر، بد نباشه و اشاره کرد به ماسک روی دهانم.» تعجب کردم که مگه ایشان اصلاً دندانپزشکی نرفته است! تعجبم وقتی بیشتر شد که داشت به صورت سربایی، شرح حال و مشکل دندان خود را می گفت. صندلی دندان پزشکی را نشان دادم و گفتم: «بفرمایید بنشینید.» گفت: «خواهش می کنم جسارت نمی کنم، شما بفرمایید!» هرگز آدمی به این با ادبی در عمرم ندیده بودم. اینطور که پیش می رفت، احتمالاً بی حسی را هم باید به خودم می زدم!

بالآخره بعد از کلی عقب عقب رفتن و تعارف، توجیه شد که باید روی صندلی بنشیند چون اینجا مخصوص بیمار است، نه دکتر.

ولی تازه مشکل شروع شده بود. چون حاضر نبود جلو دکتر پاهایش را دراز کند!

گروه هدف

دکتر مریم خسروی

در حال گذراندن طرح بسودم و افراد گروه هدف، شامل زیر ۱۴ ساله ها، زنان باردار و شیرده تا یک سال در این طرح رایگان بودند.

بیماری روی یونیت نشست و پرسیدم: «هزینه دارید که دو تا دندان ت امروز درست کنم؟»

دستیارم پرسید: «باردار یا شیرده باشی، رایگان است.» بیمار هم خیلی جدی جواب داد: «دو سال پیش سقط داشتم، اما هنوز کامل شیرم خشک نشده، قبول می کنید؟!»

از فرمایشات ما

سرقت از گورستان



دکتر امیر رزایی

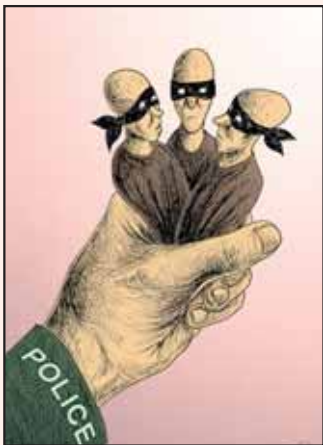
تیتربالای مطلب خیلی پلیسی و معمایمی شد. انگار که مطلب امروز را آگاتا کریستی می خواهد بنویسد!... حتماً هم یا پای جناب آقای «پوارو» در میان خواهد آمد، یا سرکار خان «مارپل» که قیافه این دومی بیشتر به فضول محله می خورد تا یک کارآگاه چیره دست. اما مگر همیشه پای یکی از این عزیزان خارجی باید به وسط کشیده شود؟ باز خوب شد این کارآگاه ها چینی نبودند. خلاصه چرا باید همیشه دست نیاز به سوی یک کارآگاه اجنبی دراز کرد؟ مگر بیل به کمر خودمان خورده؟...

بگذارید شمه ای از مراتب پلیسی و کارآگاهی خودمان را با پیگیری یک اتفاق پدید آمده، به رخ ملت و مسؤولان بکشیم. پس تا حرف اضافه دیگری نزنیم، توجه شما را به یک خبر پلیسی جلب می کنیم.

اصل خبر: «زن میانسالی که در شلوغی گورستان و غسلخانه بهشت زهرا، اموال زنان را سرقت می کرد؛ همراه با پسرش از سوی مأموران پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران در شهر ری دستگیر شد.» — به نقل از جراید دارای صفحه حوادث

بررسی سوابق پرونده: قضیه سرقت در گورستان، آن قدر که ما تحقیق و جستجو کردیم؛ یک چیز جدیدی نیست که تازه کشف شده باشد. در روزگاران قدیم هم سارقانی بودند که محل کارشان در گورستان بوده و به نام «کفن دزد» شناخته می شده اند. منتهی به دو دلیل، عملاً کفن دزدی برافتاد یا تغییر شکل داد و پیشرفت کرد:

دلیل اول: افزایش قیمت کفن در مقایسه با افزایش قیمت دیگر اجناس و کالاهای و خدمات، از چنان ارزشی برخوردار نیست که دزدیدن آن برای شخص سارق صرفه کند. سارقان عصر حاضر ترجیح می دهند تا به جای کفن — که معمولاً با ترس و لرز هم همراه است — چیزهایی مثل ضبط و پخش خودروها یا لاستیک آنها را به سرقت ببرند. تلفن همراه



شهروندان را از دستشان کش پروند یا سوار بر موتور، کیف آنها را بزنند و... امثال این اعمال ناشایست و شایسته عتاب و عقاب که ادامه نمی دهیم؛ چون ممکن است بدآموزی داشته باشد.

دلیل دوم: قدیم، وقتی که مرده خداییامرز را دفن می کردند، روی قبر را فقط خاک می ریختند و لذا شکافتن و لخت کردن فرد متوفی و مدفون، کار سختی نبود؛ به خصوص اگر دزد کفن با متولی گورستان

گاوپندی هم کرده بود. اما

حالا بازماندگان طرف با سنگ های گرانیتی و مرمرین سخت و سنگین، چنان روی قبر بیچاره را می پوشانند که اگر هم زنده شد، نتواند جم بخورد و پرونده انحصار وراثت وراثت دادگار را به خطر اندازد. مرده آن است که دستش بزی، جم نخورد!

بسته پیشنهادی: حالا به هر حال یک اتفاقی افتاده و یک سرقتی در گورستان شده و طلا و جواهرات و گوشی موبایل عده ای به سرقت رفته؛ اما چاره چیست؟ الحمدلله که سارقان را گرفتند و چوب توی آستینشان خواهند کرد؛ اما شَم کارآگاهی من به من می گوید که کماکان پیشگیری بهتر از مچ گیری است. فلذا نکاتی تخصصی دارم:

۱- نصب دزدگیر: بالاسر — و بلکه حتی داخل — هر چند تا قبر تازه و کهنه، یک چندتا دوربین مدار بسته مجهز به دزدگیر نصب بشود، دارای قدرت آزر کشی بالا — به نحوی که حتی خوف آن برود که خود مرده هم زنده بشود — تا هر که در شلوغی مراسم کفن و دفن، دست به سرقت از اطرافیان عزادار شخص متوفی می زنند، چنان رسوا بشوند که رنگ مرگ بر چهره شان بنشیند.

۲- افزایش گشت: مسؤولان سازمان متوفیات و گورستان، نیروهایی را — بلا تشبیه مثل کبرا ۱۱ — آموزش دهند که داخل گورستان و به خصوص هنگام شلوغی ناشی از مرده تازه آوردن، لا به لای قبور گشت بزنند. نه که به مرده ها تذکر بدهند، خیر؛ توجیه شوند که باید مواظب زنده ها باشند. آن هم فقط زنده های مشکوک که دستشان کج است.

۳- توصیه به سارقان: دزد هم به هر حال آدم است. حالا آدم منحرف. اما ممکن است بتواند توبه کند و دوباره آدم بشود. پس در فضایی قرار داده شود که همه اش برخورد ضربتی و گوشنواز برای تنبیه وی به کار گرفته نشود.

ببرندش سر همان قبرها و نشانش دهند که آینده خودش را در خشت خام همین قبر ببیند و توبه کند. «ای دیده! اگر کور نمی، گور ببین!» برای همین هم از قدیم توصیه کردند که: «رو به گورستان دمی خامش نشین» و آن سخن گویان خامش را ببین. صاحب هر قبری به زبان خاموشی به هر دزدی می گوید که دست از دزدی بردار که اینجا بدتر از آنجا، چوب توی آستینت می کنند. بله، آستین!

